

قمار اروپا؛ دست ایران هسته‌ای باز می شود



جامعه ایران با حضور طیف‌های مختلف در جشن چند میلیونی غدیر، اتصال دینی با وجود تکثر اجتماعی را به رخ اپوزیسیون و متحجران کشاند

۱۴۰۳/۰۷

عکس: همی مرزا/د افارس

شرکت متا با راه‌اندازی «تردز» می‌خواهد «توییتر» را زمین‌بزند

جنگ جهانی شبکه‌های اجتماعی

«فرهیختگان» از نشست تخصصی پنجره خدمات هوشمند دانشگاهی گزارش می‌دهد

دانشگاه‌ها غایب پنجره خدمات دولتی

«فرهیختگان» از نشست تخصصی پنجره خدمات هوشمند دانشگاهی گزارش می‌دهد

بررسی مهم‌ترین تغییرات مجلات علمی جهان بر اساس گزارش JCR

جدال نفس‌گیر ایران و ترکیه در میدان مجلات علمی

پادداشت

چارلز سوم در کشتی تایتانیک

رانهاد زایدی می‌داند که بدون آنکه کارکردی برای بریتانیا داشته باشد، هزینه‌های سنگینی صرف نگه‌داشتن آن می‌شود. در حقیقت مجموعه تحولات از جمله مرگ الیزابت، ناتوانی و شخصیت ناموجه چارلز، از هم پاشیدن تدریجی بلوک مشترک المنافع، آثار مخرب برگزیت و سیاست‌های اقتصادی دهه‌های گذشته، همراه با از دست رفتن توان نظامی و افزایش بدبینی‌ها به ناسیونالیسم بریتانیایی که زمینه‌ساز قدرت‌گیری جنبش‌های ضد سلطنت و مجال یافتن آنها برای بروز مخالفت شده، همان کوه یخی را تشکیل داده‌اند که با «کشتی تایتانیک سلطنت» برخورد کرده و زیاد طول نخواهد کشید که به غرق شدن شکوه و عظمت دوران سلطنت بینجامد.

بلوک کشورهای مشترک المنافع که نماد امپراتوری فرهنگی بریتانیا بود، معنای خود را از دست داده و اعضای برجسته آن مانند استرالیا و نیوزیلند در نظر دارند تا با پیمودن مسیری که در سال ۲۰۲۱ به تبدیل شدن باربادوس به جمهوری منجر شد، پادشاه بریتانیا را از مقام رئیس دولت کشورهایشان خلع کنند. حال این سوال برای ملکه مطرح است که آیا چارلز سوم آخرین پادشاهی بریتانیا خواهد بود و سقوط و پایان سلطنت و اتحاد بریتانیا حتمی است. مطمئناً روح ملکه هم آگاه است که نهاد سلطنت با فرماندهی چارلز سوم در بریتانیا اکنون به کشتی تایتانیک شبیه است که طبقات پایین آن از جمله ارتش سلطنتی، اقتصاد و اعتبار بریتانیا در آب فرو رفته و از این پس مساله دیگر نجات کشتی نیست، بلکه زمان غرق شدن کشتی است؛ کشتی‌ای که ناخداي آن چارلز سوم نه کارزما و نه انگیزه لازم را برای نجات بریتانیا ندارد.

بلکه به ادینبورگ و کاردیف چشم دوخته‌اند. بدبینی نسبت به ناسیونالیسم انگلیسی نیز به‌طور فزاینده‌ای در میان شهروندان و سیاستمداران اسکاتلندی و ولزی وجود دارد و آنها ناسیونالیسم انگلیسی را با برجسپ‌هایی چون استعمارگر، راست‌گرا، ضد مهاجر و ضد اروپایی می‌شناسند.

ارتش بریتانیا که رهبران این کشور به‌طور سنتی، همیشه از آن و پیروزی‌های نظامی برای تقویت حس میهن‌پرستی در داخل استفاده می‌کردند، دیگر آن هیمنه پیشین را ندارد. افتضاح این ارتش در عراق و افغانستان و همچنین قاچاق مواد مخدر به‌وسیله هوایماهای نظامی ارتش سلطنتی از قندهار، حکایت از عملکرد تحقیرآمیز این ارتش در جهان دارد؛ جایی که نیروهای بریتانیایی ناگزیر شدند تا با همان شبه‌نظامیانی که با آنها در افغانستان می‌جنگیدند، معامله کنند. بنابراین قدرت نظامی دیگر بخشی از جذابیت بریتانیایی بودن نیست. در کنار همه این مصیبت‌های اقتصادی و سیاسی شخصیت خود چارلز و شایعانی که پیرامون فساد اخلاقی و نژادپرستی او و خانواده سلطنتی مطرح است، مزید بر علت شده است. استفاده گسترده گروه‌ها و جنبش‌های ضد سلطنت از شبکه‌های اجتماعی برای ابراز مخالفت خود با نهاد سلطنت و پرسشگری نسل جدید در رابطه با کارکرد بیهوده نهاد سلطنت و زیر سوال بردن مخارج سنگینی که این نهاد و مراسم‌های آن تاج‌گذاری به اقتصاد شکننده بریتانیا تحمیل می‌کند، دلایلی هستند که مانند موربانه در حال جویدن پایه‌های سلطنتند. نسل جوان بریتانیا دیگر دل‌بستگی گذشته را به عظمت و شکوه پیشین امپراتوری بریتانیا و جاه و جلال سلطنت ندارد و سلطنت

تحت عنوان حزب ملی اسکاتلند، استقلال از بریتانیا است. درهم شکستن پایگاه صنعتی بریتانیا و اتحادیه‌های کارگری این کشور تحت تاثیر سیاست‌های نئولیبرالی در دهه ۸۰ تاثیر مخربی در فرسایش پایه‌های اجتماعی هويت بریتانیایی داشته است. مارگارت تاچر که از نبود جامعه و مرگ آن یعنی همان فرهنگ مشترکی که بخش زیادی از مردم انگلستان، اسکاتلند و ولز را به هم پیوند می‌داد سخن می‌گفت، اکنون پس از گذشت ۴ دهه، اندیشه‌هایش به ثمر رسیده و مردم انگلیس که بنیادهای اجتماعی و هویتی خودشان را از دست داده‌اند، در حال پرداخت خسارت تصمیم اشتباه او هستند. سوار شدن بر موج ناسیونالیسم ملی در تضاد با اروپاگرایی نیز بر مشکلات بریتانیا افزوده است. سیاستی که عملاً این کشور را بیش از پیش در میانه اروپایی بودن و انگلیسی بودن دوباره کرد. برگزیت و خروج از اروپا هم بلاي خودساخته‌ای بود که مشکلات اقتصادی بریتانیا را عمیق‌تر و حادثه‌ساخته و نمایش سیاسی‌ای که پنج نخست‌وزیر بی‌برنامه در طول شش سال پس از برگزاری رفراندوم برگزیت برگزار کردند، تنها یک بی‌اعتباری تاریخی برای لندن باقی گذاشته است. مردم در اسکاتلند و ایرلند شمالی که برگزیت را قاطعانه رد کرده بودند، کماکان معتقدند افتضاح اقتصادی ناشی از برگزیت توسط انگلیسی‌ها به آنها تحمیل شده است.

چهره بریتانیا در طول همه‌گیری کرونا و زمانی که جانسون ورفقاییش، قوانین قرنطینه را زیر پا گذاشتند، بیش از پیش آسیب دید و برای نخستین بار در طول چند قرن اخیر مردم اسکاتلند و ولز در مواجهه با یک تهدید مشترک، نه به لندن،

قابل دوام نیستند. سیاستمداران اسکاتلندی و ولزی هم اکنون این اطمینان را به مردم خود می‌دهند که قادرند تا مستقل از لندن سیاست‌ورزی کرده و از منافع ملی‌شان محافظت کنند. به همه این مصیبت‌ها باید تمایل کشورهای مشترک المنافع به استقلال از بریتانیا را نیز اضافه کرد.

مساله دیگر عدم وجود چشم‌انداز روشن برای بریتانیا در نظام متحول بین‌الملل است. بریتانیایی‌ها بیرون از اتحادیه اروپا و درگیر مستقیم در جنگ‌های پرهزینه اوکراین دیگر نفوذ سابق خود را بر جهان ندارند. حالا دیگر کانادا و استرالیا هم دنبال استقلال خود بوده و اسکاتلند و ایرلند مایل به جدا شدن از لندن و ماندن در اروپا هستند. بدون شک بریتانیا به‌عنوان کشوری فراقاره‌ای که از بازیگران عرصه‌های جهانی و بین‌المللی به‌شمار می‌رفت و دیر زمانی یکی از ارزاهای مهم جهانی را مدیریت می‌کرده و از اقتصاد قوی‌ای برخوردار بود، اینک در تامین انرژی شهروندان هم با مشکل مواجه است.

مهم‌تر از همه اینکه رأی‌دهندگان انگلیسی نیز در مقام انتخاب میان هويت بریتانیایی و انگلیسی، بیشتر مایل به تاکید بر هويت انگلیسی‌شان هستند. سرشماری‌ها نشان می‌دهند برای اولین بار در تاریخ بریتانیا، کمتر از نیمی از جمعیت ۶۷ میلیونی این کشور (یعنی ۴۶ درصد) خود را مسیحی می‌دانند که در مقایسه با ۷۲ درصد سال ۲۰۰۱، کاهش خیره‌کننده را نشان می‌دهد، کاهش که به ما می‌گوید هويت مسیحی دیگر یکی از عناصر بریتانیایی بودن نیست. به‌عنوان مثال وزیر اول اسکاتلند برای اولین بار، جوان ۳۷ ساله مسلمانی است که ماوریت نخست‌وزیر و حزبش

وقتی تاج پادشاهی رغبتی ندارد که بر سر چارلز سوم بنشیند، حکایت از آن دارد که شکوه سلطنت در بریتانیا که زمانی نماد قدرت و تاثیرگذاری بر هويت این پادشاهی بود، از دست رفته و جای خود را اکنون به خیره‌های زرد مربوط به رسوایی‌های اخلاقی و اختلافات خانوادگی و نژادی خانواده سلطنت داده است.

امپراتوری بریتانیا دیگر با نمایش شکوه و جلال و تصویرسازی از قدرت خود به‌عنوان یک استعمارگر خیرخواه نزد افکار جهانی جایی ندارد، بلکه امروز بریتانیا را با کارنامه برده‌داری، نژادپرستی، وحشی‌گری و کشتارهای بی‌رحمانه می‌شناسند و کشورهای چون کانادا، استرالیا، نیوزیلند، ولز و اسکاتلند تلاش دارند تا حساب خود را از گناه امپریالیسم بریتانیایی جدا کنند. اکنون نیز مجموعه‌ای از عوامل از جمله مرگ ملکه الیزابت، پشیمانی از برگزیت، اعتصابات گسترده و بدترین سیاست‌های انقباضی اقتصادی دهه‌های اخیر، این پادشاهی پهناور را در معرض تهدید جدی برای تکه‌تکه شدن قرار داده است.

خطر تجزیه شدن بیش از هر زمان دیگری به انگلستان نزدیک شده است. اکنون این تجزیه در ابعاد هویتی و ترتیبات سیاسی به حد اکثر خود رسیده است. در حیط خلوت انگلیس، ایرلند شمالی برای نخستین بار اکثریت پروتستانش را از دست داده و مردمش به اتحاد با جمهوری ایرلند تمایل دارند. حتی ولز هم تمایل به جدایی دارد و گزارش ماه دسامبر کمیسیون مستقل در مورد آینده قانون اساسی ولز نشان داد ترتیبات سیاسی با لندن

فهریختگان FARHIKHTEGAN صدای نخبگان، نگاه جوانان روزنامه فرهیختگان WWW.FDN.IR farhikhteganonline

مضمون رادیومضمون کاری از گروه پادکست‌های همیشه در میان روزنامه فرهیختگان @radiomazmoon

آلمان، فرانسه و انگلیس می‌خواهند بند غروب را اجرا نکنند، در این صورت گزینه‌های تهران متنوع‌تر خواهد بود

قمار اتحادیه اروپا؛ دست‌ایران هسته‌ای باز می‌شود

انسانی و نیز آزادسازی درآمد‌های بلوکه‌شده برای دفاع از حقوق مردم ایران، نمونه‌ای از مواردی است که در چندماه اخیر در کنار مطالبه بازگشت به برجام در دستور کار تیم دیپلماسی ایران قرار گرفته است.

۹ دستاوردهای ایران از بندهای غروب برجام

برای آنکه هیاهوی ضدبرجام دولت‌های غربی در جلسه شورای امنیت را بهتر درک کنیم، بد نیست مروری داشته باشیم بر معافیت‌هایی که با رسیدن به موعد بندهای غروب نصب ایران می‌شود.

مهر ۱۳۹۴ (اکتبر ۲۰۱۵) روز صفر برجام بود. ایران در این تاریخ به‌طور رسمی توافق هسته‌ای را پذیرفت.

مهر ۱۳۹۹ (اکتبر ۲۰۲۰) یکی از بندهای غروب اجرایی و تحریم تسلیحاتی شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران برداشته شد. همچنین ممنوعیت سازمان ملل برای اعطای ویزای کشورهای جهان به اشخاص حاضر در برنامه هسته‌ای، موشکی یا هر صنعت دفاعی ایران در این تاریخ به پایان رسید.

در تاریخ مهر ۱۴۰۲ (اکتبر ۲۰۲۳) بخش‌های مهم دیگری از معافیت‌های تحریمی برای ایران اعمال می‌شود که به این ترتیب فهرست می‌شوند:

۱ برداشتن محدودیت‌های سازمان ملل در زمینه تحقیق و توسعه (R&D) و تولید موشک‌های بالستیک ایران که قابلیت حمل کلاهک اتمی دارند.

۲ سازمان ملل ممنوعیت واردات و صادرات فناوری مرتبط با صنایع موشکی نظیر موشک و پهپاد با برسد ۳۰۰ کیلومتر (۱۸۶ مایل) یا بیشتر را برمی‌دارد.

۳ آمریکا طبق برجام ملزم به درخواست قانونی از کنگره (لاجه) برای پایان دادن به تحریم بخش‌های اقتصادی است که به‌عنوان بخشی از توافق هسته‌ای آن را تعلیق (Suspend) کرده بود.

۴ ایالات متحده ملزم به حذف (Remove) تحریم برخی از افراد و نهادهای مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران است.

۵ اتحادیه اروپا باید تحریم‌های باقی‌مانده خود علیه برنامه هسته‌ای ایران را بردارد.

سال ۱۴۰۳ (۲۰۲۴) روند پایان محدودیت‌های مرتبط با موضوع تحقیق و توسعه (R&D) سانتریفیوژهای پیشرفته آغاز خواهد شد.

سال ۱۴۰۴ (ژانویه ۲۰۲۶) «کانال تدارکات» بسته می‌شود. این کانال بر تمام خریدهای مربوط به برنامه هسته‌ای و برخی از کالاهای تجاری ایران نظارت دارد.

سال ۱۴۰۹ (ژانویه ۲۰۳۱) پایان برخی محدودیت‌های غنی‌سازی نظیر غنی‌سازی اورانیوم در تاسیسات فردو است.

سال ۱۴۱۴ (ژانویه ۲۰۳۶) پایان نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر روند تولید سانتریفیوژ است.

سال ۱۴۱۹ (ژانویه ۲۰۴۱) پایان نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر معادن و کارخانه‌های اورانیوم ایران است.

با مرور این بندها روشن است که مهر سال ۱۴۰۲ مهم‌ترین مقطع برای ایران به لحاظ معافیت‌های برجامی بوده و طبیعی است دولت‌های غربی که از این معافیت‌ها راضی نیستند روند کارشکنی را آغاز کنند و مانع از اعلام این معافیت‌ها توسط شورای امنیت شوند.

۹ ایران از بدعهدی غربی‌ها منتظر می‌شود؟

پیش‌تر تلاش شد تا سناریوهای مختلف اروپا برای رسیدن به این هدف بررسی شود، اما فارغ از اینکه اروپایی‌ها چه راهی را برای عدم اجرای بندهای غروب انتخاب می‌کنند، این اقدام آنها به معنای نقض واضح و آشکار برجام خواهد بود. طبیعی است وقتی قرار نباشد که ایران از محدود مزایای باقی‌مانده برجام بهره‌ای ببرد باز هم میزان پایبندی به تعهدات خود را کاهش خواهد داد. در چنین شرایطی گزینه‌های متنوعی پیش‌روی ایران خواهد بود. اولین مورد از سرگیری فرآیند تحقیق و توسعه سانتریفیوژهای پیشرفته است که بنا بود طبق برجام سال آینده محدودیت‌های مربوط به این مورد برداشته شود. مورد دیگر، ازسرگیری غنی‌سازی اورانیوم در تاسیسات فردو است که ایران براساس برجام تا سال ۲۰۳۱ از آن منع شده بود.

همچنین ایران می‌تواند مجدداً نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر تاسیسات هسته‌ای کشور را کاهش دهد. بر اساس برجام قرار بود نظارت آژانس بر فرآیند تولید سانتریفیوژ در ایران در سال ۱۴۱۴ و نظارت بر کارخانه‌ها و معادن اورانیوم ایران در سال ۱۴۱۹ به پایان برسد که در صورت رخ دادن نقض برجام توسط اروپایی‌ها این اتفاقات می‌توانند بسیار زودتر از موعد برجامی‌شان سر برسند.

علاوه‌بر تمامی این موارد، با توجه به شرایط شرکای ایران که عمدتاً خودگفتار تحریم‌های گسترده‌ای هستند، ایران می‌تواند بدون ترس از افزایش تحریم‌های خود و شرکایش به مبادلات تسلیحاتی و هسته‌ای بپردازد. باید این توجه به آمریکا و شرکای اروپایی‌ها داده شود که عدم اجرای بندهای غروب و نقض علنی برجام می‌تواند از طرف ایران با اقداماتی نظیر آنچه گفته شد پاسخ داده شود.



صورت اروپایی‌ها برای مقابله با این اقدام ایران با نقض برجام مانع از فعال‌سازی بندهای غروب می‌شوند و پایان تحریم‌های تسلیحاتی را اعلام نمی‌کنند تا سایر کشورها از بیم تحریم‌هایی که ممکن است متحمل شوند از تبادل تسلیحاتی با ایران اجتناب ورزند. به نظر نمی‌رسد که این امر مانع جدی‌ای بر سر راه ایران به حساب بیاید. زیرا عمده مبادلات تسلیحاتی ایران با متحدان نزدیک خود یعنی کشورهایی مانند روسیه و سوریه خواهد بود که همین الان هم تحت تحریم‌های شدید از طرف غرب هستند و وضع تحریم‌های جدید عملاً تهدید جدی‌ای برای آنها به حساب نمی‌آید. درمورد سایر کشورهایی که مشتری تسلیحات ایرانی بوده و از علنی ساختن آن بیمناک هستند نیز باید گفت که به نظر نمی‌رسد میزان مبادلات تسلیحات ما با این کشورها حجم زیاد و قابل توجهی داشته باشد؛ البته در صورت علنی شدن این معاملات هم هزینه

دیگری به ایران تحمیل نمی‌شود چرا که ایران با توجه به بندهای برجام رسماً اجازه چنین اقداماتی را داشته و اگر طرف‌های غربی در پایبندی به تعهدات برجامی کارشکنی کرده و به آن تن ندهند بازهم می‌تواند مبادلات تسلیحاتی خود را علنی کرده و از ظرفیت کشورهای متحد خود بهره‌برده و ضمن صادرات به واردات تسلیحات مورد نیاز خود نیز بپردازد. تسلیحاتی که چنگنده سوخو ۳۵ روسیه نمونه‌ای از آن بوده و به نظر می‌رسد فرآیند تحویل آن به ایران نیز به‌زودی آغاز شود.

۹ تلاش برای تحمیل توافق موقت

تابستان ۱۴۰۱ بود که مذاکرات بین ایران و اعضای ۴+۱ بر سر بازگشت به آمریکا به نقاط خوبی رسیده بود و مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا نیز پاسخ‌های ایران به پیشنهادها را در اولین مرحله از پایان محدودیت‌ها، در مهرماه سال ۹۹، یعنی پنج سال بعد از انعقاد نهایی قرارداد برجام، تحریم‌های تسلیحاتی سازمان علیه ایران برداشته شدند. این اتفاق به ایران اجازه می‌داد تا به‌صورت رسمی به مبادلات تسلیحاتی با کشورهای مختلف بپردازد. اما در پاییز امسال تاریخ انقضای برخی از محدودیت‌های مهم دیگر نیز فرا می‌رسد؛ با توجه به برجام، سازمان ملل تا چند ماه دیگر باید محدودیت‌های خود در رابطه با تحقیق و توسعه موشک‌های بالستیک ایران و همچنین ممنوعیت واردات و صادرات فناوری‌های مربوط به صنایع موشکی از جمله موشک و پهپاد با برد بیشتر از ۳۰۰ کیلومتر را بردارد. همین مساله باعث شده تا غربی‌ها از همین الان با تکرار اتهامات واهی خود مبنی بر دخالت ایران در جنگ روسیه و اوکراین به دنبال بهانه‌جویی علیه ایران باشند تا مانع از اجرای بندهای غروب مربوط به سال ۲۰۲۳ شوند. با توجه به آنچه پیش‌تر توضیح داده شد به نظر می‌رسد غربی‌ها به دنبال آن هستند که بدون استفاده مکانیسم ماشه به هدف خود دست پیدا کنند. البته حتی با در نظر نگرفتن خروج آمریکا از برجام این اولین باری نیست که غربی‌ها تعهدات برجامی خود را نقض می‌کنند؛ پیش از این هم با معافیت قائل نشدن درباره تحریم‌های بانکی ایران پایبندی خود به برجام را زیر سوال برده بودند. همین اقدام غربی‌ها بود که منجر به تصویب قانون اقدام راهبردی توسط مجلس یازدهم شد. مجموعه این اقدامات باعث شده بود تا برجام پیش از این هم، بدون اینکه مکانیسم ماشه فعال شده باشد بخشی از کارکردهای مهم خود را از دست بدهد. اما در هر صورت ایران با استناد به بندهای غروب برجام می‌تواند طی ماه‌های آینده فرآیند خرید و فروش تسلیحات سنگین‌تری را که مجوز آن در برجام صادر شده است آغاز کند. در این

اقدام جدیدی از جمله صدور قطعنامه یا وضع تحریم جدید، می‌توانند تمام تحریم‌ها علیه ایران را برگردانند. مزیت دیگر این روش آن است که این مکانیسم به گونه‌ای طراحی شده است که در صورت فعال شدن حتی اعضای دارای حق وتوی شورای امنیت نیز نمی‌توانند مانع اجرای آن و بازگشتن تحریم‌های ایران شوند. طبیعتاً با توجه به حمایت نسبی روسیه و چین از ایران، استفاده از مکانیسم ماشه می‌تواند مانع از هرگونه اثرگذاری مثبت این دو کشور به نفع ایران شود. اما از طرف دیگر در سال گذشته علی‌رغم تنش نسبتاً بالا بین ایران و غرب، همچنان مذاکره بین ایران و طرف‌های غربی به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم در جریان بوده است. برقراری چنین مذاکراتی حاکی از آن است که هرچند غربی‌ها به دنبال توقف هرچه زودتر اقدامات فرابرجامی ایران هستند اما به دنبال ایجاد تنش بیشتر نیستند و تلاش دارند تا با کم‌هزینه‌ترین راه ممکن به هدف خود برسند. فعال‌سازی مکانیسم ماشه و بازگشت عناوین مهمی از تحریم‌های ایران اما اقدامی بسیار تنش‌زا خواهد بود که می‌تواند تهران را به سمت افزایش شتاب اقدامات فرابرجامی خود سوق دهد؛ اتفاقی که به‌هیچ‌وجه برای غربی‌ها مطلوب نیست. با توجه به نکات گفته‌شده فعال‌سازی مکانیسم ماشه توسط غربی‌ها چندان محتمل نبوده و به نظر می‌رسد اهداف دیگری در پس کش‌های ضدبرجامی اخیر مقامات غربی باشد.

۹ غروب قبل از طلوع بندهای غروب برجام

برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ سازمان ملل محدودیت‌های هسته‌ای و غیرهسته‌ای مشخصی را برای ایران تعیین کرده بودند که برخی از این محدودیت‌ها تاریخ انقضای مشخصی دارند. به همین دلیل از آنها با عنوان بندهای غروب یاد می‌شود. در اولین مرحله از پایان محدودیت‌ها، در مهرماه سال ۹۹، یعنی پنج سال بعد از انعقاد نهایی قرارداد برجام، تحریم‌های تسلیحاتی سازمان علیه ایران برداشته شدند. این اتفاق به ایران اجازه می‌داد تا به‌صورت رسمی به مبادلات تسلیحاتی با کشورهای مختلف بپردازد. اما در پاییز امسال تاریخ انقضای برخی از محدودیت‌های مهم دیگر نیز فرا می‌رسد؛ با توجه به برجام، سازمان ملل تا چند ماه دیگر باید محدودیت‌های خود در رابطه با تحقیق و توسعه موشک‌های بالستیک ایران و همچنین ممنوعیت واردات و صادرات فناوری‌های مربوط به صنایع موشکی از جمله موشک و پهپاد با برد بیشتر از ۳۰۰ کیلومتر را بردارد. همین مساله باعث شده تا غربی‌ها از همین الان با تکرار اتهامات واهی خود مبنی بر دخالت ایران در جنگ روسیه و اوکراین به دنبال بهانه‌جویی علیه ایران باشند تا مانع از اجرای بندهای غروب مربوط به سال ۲۰۲۳ شوند. با توجه به آنچه پیش‌تر توضیح داده شد به نظر می‌رسد غربی‌ها به دنبال آن هستند که بدون استفاده مکانیسم ماشه به هدف خود دست پیدا کنند. البته حتی با در نظر نگرفتن خروج آمریکا از برجام این اولین باری نیست که غربی‌ها تعهدات برجامی خود را نقض می‌کنند؛ پیش از این هم با معافیت قائل نشدن درباره تحریم‌های بانکی ایران پایبندی خود به برجام را زیر سوال برده بودند. همین اقدام غربی‌ها بود که منجر به تصویب قانون اقدام راهبردی توسط مجلس یازدهم شد. مجموعه این اقدامات باعث شده بود تا برجام پیش از این هم، بدون اینکه مکانیسم ماشه فعال شده باشد بخشی از کارکردهای مهم خود را از دست بدهد. اما در هر صورت ایران با استناد به بندهای غروب برجام می‌تواند طی ماه‌های آینده فرآیند خرید و فروش تسلیحات سنگین‌تری را که مجوز آن در برجام صادر شده است آغاز کند. در این

بن‌بست رسیده است، از همه طرف‌های مربوطه خواست که احساس فوریت بیشتری نشان دهند و گفت‌وگو و تعامل را تجدید کنند. دبیرکل سازمان ملل در بخش دیگری از گزارش خود نیز به ادعاهای پهپادی و موشکی ایران پرداخته و تصریح کرد: «نماینده دائم اسرائیل در سازمان ملل در مورد آزمایش موشک فضایی قاتم ۱۰۰ که توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تاریخ ۴ مارس ۲۰۲۳ انجام شد ادعا کرد که این آزمایش مغایر با بند ۳ پیوست ب قطعنامه ۲۲۳۱ (۲۰۱۵) است زیرا موشک فضایی از فناوری‌هایی استفاده می‌کند که عملاً مشابه موشک‌های بالستیک است و قادر به حمل سلاح هسته‌ای می‌باشد.» «گوترش ادامه می‌دهد: «نماینندگان دائم فرانسه، آلمان و انگلیس طی نامه‌ای به تاریخ ۱۲ ژوئن خطاب به رئیس شورای امنیت اعلام کردند که براساس گزارش رسانه‌ها، جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۶ ژوئن ۲۰۲۳ از موشک بالستیک «فتاح» با برد ادعایی ۱۴۰۰ کیلومتر رونمایی کرد. نمایندگان دائمی این کشورها، این موشک‌ها را به‌عنوان سیستم‌های رژیم کنترل فناوری موشکی طبقه یک دسته‌بندی کردند و این‌گونه نتیجه‌گیری کردند که این موشک‌ها ذاتاً قادر به حمل سلاح هسته‌ای هستند و بنابراین مشمول بند ۳ ضمیمه B قطعنامه ۲۲۳۱ (۲۰۱۵) می‌شوند.» ادعاها درمورد کمک پهپادی ایران به روسیه در جنگ اوکراین بخش دیگری از گزارش دبیرکل سازمان ملل را به خود اختصاص داده است و همان ادعاهای قبلی را مطرح و اشاره می‌کند: «براساس گزارش انگلیس، مقایسه لاشه پهپادها در اوکراین، نشان می‌دهد که این پهپادها، از نوع پهپادهای شاهد ۱۳۱ و شاهد ۱۳۶ بوده است.» در ادامه این گزارش ادعاهایی درباره کمک تسلیحاتی ایران به یمن هم مطرح شده: «دبیرخانه سازمان ملل از یمن دعوتی دریافت کرد، تا بتیاری موشک کروژ مورد استفاده حوثی‌ها به پایانه نفتی الضبه در نوامبر ۲۰۲۲ را بررسی کند. ادعا می‌شود که این موشک‌ها توسط ایران به شکلی مغایر با قطعنامه ۲۲۳۱، به حوثی‌ها منتقل شده است.» گوترش در ادامه اشاره می‌کند که دبیرخانه به بررسی اطلاعات موجود درباره انتقال ادعایی پهپادها ادامه خواهد داد و نتیجه را به شورای امنیت گزارش می‌دهد. به نظر می‌رسد که این ادعاها بیش از آنکه به‌راهی از حقیقت داشته باشند بهانه‌جویی‌هایی برای نقض برجام از طرف سازمان ملل و اتحادیه اروپا به حساب می‌آیند. علی‌رغم سنگین بودن کفه ادعاهای ضدایرانی در گزارش گوترش اما دبیرکل سازمان ملل سعی می‌کند وانمود کند که براصل بی‌طرفی تأکید دارد، درحالی‌که از ایران درخواست می‌کند تا از انجام اقدامات بیشتر که این کشور را از اجرای کامل برجام دور می‌کند، خودداری کند و سایر نگرانی‌های مطرح‌شده توسط اعضای برجام و سایر کشورهای عضو در رابطه با قطعنامه ۲۲۳۱ را مورد بررسی قرار دهد و به آنها رسیدگی کند. گوترش در گزارش خود هیچ اشاره‌ای به خروج یک‌جانبه آمریکا از برجام نمی‌کند و تنها از آمریکا می‌خواهد تحریم‌های خود را براساس برجام لغو یا رفع کند و به اتهام‌زنی علیه ایران ادامه می‌دهد و از همه طرف‌ها می‌خواهد برای رسیدن به توافق، فوریت بیشتری نشان دهند.

۹ دست غرب به سمت ماشه می‌رود؟

اولین سناریوی احتمالی که گمان می‌رود در پس اقدامات اخیر غرب وجود داشته باشد آن است که آنها با تکرار اتهام‌زنی‌های خود به دنبال زمینه‌سازی برای حرکت به سمت فعال‌سازی مکانیسم ماشه باشند. استفاده از این مکانیسم چند مزیت عمده برای غربی‌ها دارد. اولین و مهم‌ترین مزیت آن این است که بدون نیاز به هرگونه

زهرا طیبی، علی فلاحی

گروه‌سیاست

تابستان سال گذشته بود که ایران و آمریکا برای انجام مذاکرات غیرمستقیم در دوحه برای احیای برجام گفت‌وگوها را آغاز کردند. بعد از اعلام به نتیجه نرسیدن گفت‌وگوها، شورای امنیت در ۹ تیر ۱۴۰۱ جلسه‌ای تشکیل داد. مقامات غربی سعی کردند با تشدید فشارها ایران را وادار به پذیرش خواسته‌های آمریکا کنند. نماینده آمریکا در این جلسه سعی کرد با بیان این نکته که ایران خواسته‌های فرابرجامی دارد و ماه‌هاست برای پذیرش توافق آماده هستیم، توپ را به زمین ایران بیندازد و ایران را مقصر به نتیجه نرسیدن گفت‌وگوها معرفی کند. با این حال، ایران با بررسی متن پیشنهادی‌ای که بولر مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا ارائه کرد، پیشنهادات و شروط خود، نسبت به نتیجه رسیدن یک توافق برای بازگشت آمریکا به برجام را ارائه داد. آمریکا درنهایت با پاسخ دبرنگام به شروط ایران و تکرار دوباره این گزاره که ایران خواسته‌های فرابرجامی دارد به ادامه مقصرنمایی ایران برای به نتیجه نرسیدن گفت‌وگوها ادامه داد. غربی‌ها درنهایت همزمان با شروع ناآرامی‌ها در خیابان‌های ایران، زیر میز مذاکره زدند. فروکش کردن ناآرامی‌های پاییز، اما اثبات کرد که غربی‌ها در محاسبات‌شان اشتباه کردند و چاره‌ای جز ادامه مذاکره و توافق با ایران از مسیر دیپلماسی ندارند. اخیراً نیز درمیان تایید و تکذیب مقامات غربی زرمه‌هایی از به نتیجه رسیدن یک توافق میان ایران و غرب به گوش می‌رسد. برخی حمله به کمپ منافقین در آلبانی و تبادل زندانیان را در راستای به نتیجه رسیدن یک توافق ارزیابی می‌کنند. روز گذشته خبری مبنی بر تشکیل جلسه دوره‌ای شورای امنیت منتشر شد. علاوه‌بر حضور اوکراین در این جلسه، ادعاهایی درباره کمک‌های تسلیحاتی ایران به روسیه و یمن که گفته می‌شد برخلاف قطعنامه ۲۲۳۱ است، مطرح شد. این ادعاها که پیش از این از جانب غرب برای فشار آوردن بیشتر به ایران مطرح شده بود، این بار با شدت و تأکید بیشتری در جلسه شورای امنیت طرح شد. اما چرا غرب حالا این ادعاها را با شدت و تندی بیشتری مطرح کرده و به دنبال تحقق چه اهدافی است؟ در ادامه ضمن اشاره به برخی مواردی که در این جلسه گفته شد، به بررسی سناریوهای احتمالی خواهیم پرداخت که اهداف غرب از مطرح کردن این ادعاهای ضدایرانی را تشریح می‌کند.

۹ در جلسه روز پنجشنبه شورای امنیت چه گذشت؟

روز پنجشنبه نشست دوره‌ای شورای امنیت درباره قطعنامه ۲۲۳۱ در حالی برگزار شد که نماینده اوکراین هم در این جلسه حضور پیدا کرد. این موضوع ابتدا با واکنش نماینده روسیه مواجه شد و اعلام کرد حضور یک عضو غیربرجامی در جلسه شورای امنیت، با موضوع برجام، هدف‌دار است. «باربارا وودوارد»، رئیس نشست و سفیر انگلیس در پاسخ علت حضور نماینده اوکراین گفت: «پس از آنکه اوکراین درخواست خود را برای شرکت در این جلسه اعلام کرد، ما این درخواست را با تمام اعضا در میان گذاشتیم و پس از موافقت اکثریت اعضای شورای امنیت، با حضور این کشور موافقت کردیم.» جدل میان روسیه و انگلیس در این رابطه با ورود نماینده آمریکا ادامه پیدا کرد و سفیر آمریکا در این جلسه از اعضای شورای امنیت خواست تا با رای گیری، به اوکراین اجازه بدهند درباره برجام صحبت کنند و بعد ادعاهایی درباره ارسال پهپاد توسط ایران به روسیه مطرح کرد: «ایران و روسیه هردو تعهدات خود تحت قطعنامه ۲۲۳۱ را نقض کرده‌اند. بدون کسب تأیید اولیه از شورای امنیت اقدام به ارسال پهپاد کرده‌اند. روسیه در چند هفته گذشته از پهپادهای ایرانی برای هدف قراردادن تاسیسات غیرنظامی اوکراین استفاده کرده است.» نماینده آمریکا با توجیه اینکه اوکراین از پهپادهای ایران آسیب دیده است، مخالفت با سخنرانی این کشور در این جلسه را خلاف وجدان دانست. این در حالی است که مقامات ایران بارها ادعای هرگونه دخالت مستقیم یا غیرمستقیم در جنگ اوکراین را رد کرده‌اند. درنهایت رای مثبت ۱۲ عضو شورای امنیت، به حضور اوکراین در جلسه با واکنش دوباره روسیه همراه شد و نماینده‌اش گفت: «دلیل حضور اوکراین در این جلسه رای مثبت کشورهای است که همسو با آمریکا هستند.» در ادامه این جلسه گوترش دبیرکل سازمان ملل، پانزدهمین گزارش خود درباره اجرای برجام را قرائت کرد. در بخشی از این گزارش آمده: «تداوم عدم پیشرفت در جهت بازگشت به اجرای کامل و موثر برجام و قطعنامه ۲۲۳۱، علی‌رغم تأکید مجدد همه شرکت‌کنندگان و آمریکا در دسامبر ۲۰۲۲ مبنی براینکه این تنها گزینه قابل اجراست، ناامیدکننده است.» این سخنان دبیرکل سازمان ملل در حالی مطرح می‌شود که او به نقش مخرب آمریکا که اولین کشوری بود که برجام را نقض کرد و از آن خارج شد، هیچ اشاره‌ای نمی‌کند. گوترش با تأکید بر اینکه مذاکرات بازگشت به برجام به

«فرهیختگان» از نشست تخصصی پنجره خدمات هوشمند دانشگاهی گزارش می دهد

دانشگاه‌ها غایب پنجره خدمات دولتی

فرهیختگان

دانشگاه

شماره مسلسل ۲۶۴۴ | شنبه ۱۷ تیر ۱۴۰۲ | ۱۹ دیماه ۱۴۴۴ | ۸ جولای ۲۰۲۳ | شماره ۶-۳۹۰

Sat | 8 Jul 2023 | vol. 15 | No. 3906 | 16 Pages

www.fdn.ir

رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها:

اساتید دانشگاه با باور مندی و امیدواری واقعیات جامعه را به دانشجویان انعکاس دهند

رئیس دانشگاه آزاد واحد گنبدکاووس در گفت وگوبا «فرهیختگان» خبر داد

استقرار ۹ هسته فناور در مرکز رشد واحد گنبدکاووس

مدیرکل تبلیغ و امور دینی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه آزاد:

دومین پویش کتابخوانی «گوهر مکنون» آغاز شد

۹ چه خبر از دانشگاه

اساتید دانشگاه با باور مندی و امیدواری واقعیات جامعه را به دانشجویان انعکاس دهند

مصطفی رستمی، رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها در مراسم طرح ملی اعتلا در دانشگاه آزاد اسلامی به ارائه توضیحات تفصیلی درخصوص واقعه غدیر خم و اهمیت این موضوع در اسلام پرداخت. وی با تأکید بر اقتدار جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان گفت: «به برکت انقلاب اسلامی در هیچ دوره‌ای به اندازه امروز، دشمنان کشور به نتوانی امروز نبوده‌اند.» رستمی با بیان اینکه جنگ اصلی امروز جنگی است که در ذهن و دل جامعه ما جریان دارد، افزود: «نقش اساتید در این زمینه مهم است. آنچه امروز دشمن روایت می کند، برخلاف واقعیات‌های میدان، یک روایت تاریک، سیاه، ضعیف، ناامیدکننده و پشیمان کننده از وضعیت داخلی کشور است.» وی ادامه داد: «دشمن تمام قلمروهای اعتبار کشور در حوزه دین، هویت، تاریخ، آینده، اعتماد را هدف قرار داده و خسته هم نمی شوند. در این زمینه لازم است اساتید با باور مندی، محیط خود و دانشجویان را نیز امیدوار کنند.» رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها با تأکید بر اهمیت نقش اساتید، گفت: «اساتید دانشگاه نقش بسیار موثری دارند و باید به دانش، اطلاعات، تحلیل‌های مفصل مجهز باشند و تلاشگرانه واقعیات را منعکس کنند؛ چراکه دشمن به دنبال بایکوت کردن است.» وی در پایان تأکید کرد: «دشمن به دنبال جعل، تزویر، دروغ و شایعه است و لازم است در این زمینه جهاد توسط اساتید صورت بگیرد.»

دومین پویش کتابخوانی «گوهر مکنون» در دانشگاه آزاد آغاز شد

دومین پویش کتابخوانی کشوری «گوهر مکنون» به همت اداره کل تبلیغ و امور دینی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه آزاد آغاز شد. محمدمعرفت، مدیرکل تبلیغ و امور دینی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه آزاد گفت: «عید سعید غدیر، از بزرگ‌ترین اعیاد شیعه است که در آن مولای متقیان علی(ع) به جانشینی پیامبر(ص) منصوب شده است. درباره فضیلت این عید مبارک، پیامبر اکرم(ص) می فرماید: روز غدیر بزرگ‌ترین عیدهای امت من است و آن روزی است که خداوند در آن روز دین را تکمیل و نعمت را بر امت من تمام کرد و اسلام را به عنوان دین برای آنان پسندید. امام صادق(ع) نیز در روایتی می فرماید: عید غدیر عظیم‌ترین و باشرف‌ترین عید مسلمانان است و سزاوار است در هر ساعت آن شکر خدا به جای آورده شود.»

معرفت با اشاره به بزرگداشت و گسترش معارف عید سعید غدیر، اظهار کرد: «اداره کل تبلیغ و امور دینی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه آزاد در نظر دارد، جهت آشنایی بیشتر و پاسخ به برخی از مهم‌ترین شبهات مرتبط با واقعه غدیر، دومین پویش کتابخوانی کشوری گوهر مکنون را برگزار کند. عموم مردم اعم از دانشگاهی و غیردانشگاهی می‌توانند از ۱۳ تا ۳۱ تیر ۱۴۰۲ در این پویش شرکت کنند.» مدیرکل تبلیغ و امور دینی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه آزاد، با اشاره به نام این پویش، خاطرنشان کرد: «باید بگویم یکی از شیوه‌های تبلیغاتی مرسوم در اسلام برای القای اندیشه‌ها، استفاده از شیوه نامگذاری است که موجب رواج ارزش‌ها و تثبیت آرمان‌های مقدس الهی می‌شود. یکی از روزهایی که در اسلام برای تعظیم آن،

از شیوه نامگذاری بهره گرفته شده روز غدیر است که اطلاق نام‌های گوناگون برای آن، عظمت این روز را نسبت به روزهای دیگر نشان می دهد. با توجه به اینکه یکی از نام‌های روز غدیر در منابع، «یَوْمُ أَظْهَرَ الْمَصْنُونِ مِنَ الْمَكْنُونِ» است، در شورای فرهنگی سیاسی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه آزاد تصمیم گرفتیم نام این پویش را گوهر مکنون انتخاب کنیم.»

وی با بیان اینکه علاقه‌مندان می‌توانند جهت شرکت در این پویش، به پایگاه اینترنتی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه آزاد به نشانی <https://iau.nahad.ir> مراجعه کنند، افزود: «منبع مسابقه، کتاب «غدیر، آخرین جایگاه اعلام عمومی» است. این کتاب به اهتمام «آیت الله سیدعلی حسینی میلانی» تالیف شده و انتشارات «الحقایق» آن را روانه بازار نشر کرده است.»

معرفت با اشاره به محتوای کتاب «غدیر، آخرین جایگاه اعلام عمومی»، تصریح کرد: «در این کتاب، با قلمی روان، نظامی منطقی و نگاهی عالمانه چنین بیان شده است که غدیر یادآور امامت امیرمومنان علی(ع) و انتصاب رسمی ایشان بر این مقام والاست. امامت، عهد و پیمانی بسان نبوت است و به دست خدای متعال بوده و هیچ کس بدان مقام نایل نمی‌شود؛ مگر اینکه او اراده کند. پیامبر خدا(ص) از آغازین روز رسالت خویش در هر فرصت و موقعیت و در میان هر گروه و جماعت مردم را به امامت امیرمومنان علی(ع) فرا می خواند و با عبارت و کلمات گوناگون آن را به امت خویش می‌رساند؛ تا اینکه در غدیر هر آنچه را که به‌صورت پراکنده درباره امامت و ولایت علی(ع) فرموده بود، در یک مجلس بیان کرد. درواقع این کتاب، مراحل اعلام جانشینی امیرمومنان(ع) را از آغاز بعثت در شش مرحله بر شمرده، و غدیر را آخرین جایگاه اعلام عمومی جانشینی آن حضرت می‌داند. سپس با نقل واقعه غدیر، به بیان خطبه و معانی واژه «مولی» و دلالت آن بر امامت امیرمومنان(ع) می‌پردازد و در ادامه به تشکیک‌ها و ایرادهای برخی از اهل تسنن(ع) پاسخ می‌دهد.» مدیرکل تبلیغ و امور دینی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه آزاد، با اشاره به آزمون پویش کتابخوانی گوهر مکنون، گفت: «آزمون این پویش دارای ۳۰ سوال چهارگزینه‌ای بدون نمره منفی است که مدت پاسخگویی آن ۳۰ دقیقه است. سوالات به‌صورت انقافی (زندوم) به متقاضیان ارائه می‌شود و هر کدملی فقط یک‌بار می‌تواند در آزمون شرکت کند.» وی اهدای پنج میلیون ریال به هر نفر از ۳۰ نفر برتر شرکت کننده در پویش، تخفیف شهریه به ۴۰ نفر از دانشجویان برگزیده و اهدا پنج میلیون ریال به دونفر از اعضای دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه آزاد را که بیشترین تعداد شرکت کننده را داشته باشد، از جوایز این پویش برشمرد و گفت: «میزان تبلیغ، اطلاع‌رسانی و پیگیری، تعداد شرکت کنندگان در پویش نسبت به تعداد کل دانشجویان استان و تعداد افرادی که موفق به کسب رتبه شوند، ازجمله ملاک‌های انتخاب دفتر برگزیده به‌شمار می‌روند.» به گزارش روابطعمومی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه آزاد، اطلاعات تکمیلی ازجمله فایل کتاب و پوستر پویش از طریق کانال اداره کل تبلیغ و امور دینی نهاد در پیام‌رسان ایتا به نشانی https://eitaa.com/nahad_farhangi قابل دریافت است، همچنین شرکت کنندگان در پویش چنانچه با مشکل یا ابهامی روبه‌رو شدند می‌توانند با شماره تلفن ۰۲۱۴۷۳۵۲۱۲۵ تماس بگیرند.

۹ گفت‌وگو

رئیس دانشگاه آزاد واحد گنبدکاووس در گفت‌وگو با «فرهیختگان» خبر داد

استقرار ۹ هسته فناور در مرکز رشد واحد گنبدکاووس

کشوری برساند. البته باید ذکر کرد که واحد گنبدکاووس تنها واحد از استان گلستان است که توانسته تا این مرحله رویداد کرسی‌های آزاداندیشی صعود کند.»

۹ اولین قدم برای ثبت جهانی نام عنصر المعالی کیکاووس بن وشمگیر
اودرخصوص برگزاری همایش‌های ملی در این واحد دانشگاهی، توضیح داد: «برگزاری همایش‌های ملی یکی دیگر از اقداماتی است که در این واحد انجام شده است. در این زمینه سال گذشته سه همایش ملی در موضوعات گردشگری سلامت، فناوری‌های انرژی در صنعت ساختمان و آموزه‌های فرهنگی قابوس نامه به میزبانی واحد گنبدکاووس برگزار شد. البته باید گفت که همایش آموزه‌های فرهنگی قابوس نامه به‌منظور شناخت هرچه بیشتر عنصر المعالی کیکاووس بن وشمگیر نویسنده هرچه بیشتر این اثر فاخر به جهانبان و ثبت جهانی او بوده است. در این خصوص سازمان یونسکو در این همایش حاضر بوده تا نام این فرد ثبت جهانی شود.»

رئیس دانشگاه آزاد واحد گنبدکاووس ضمن بیان اینکه با ثبت جهانی این نام شهرستان گنبدکاووس هرچه بیشتر از قبل به جهانبان معرفی می‌شود و صنعت گردشگری این شهرستان به‌تری می‌تواند فعالیت کند، افزود: «به‌دستور سازمان یونسکو وزیر نظر این واحد دانشگاهی قدیمی‌ترین نسخه خطی کتاب قابوس نامه چاپ‌ودر اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت، همچنین این سازمان در راستای معرفی هرچه بیشتر این فخر ایران با همکاری کشورهای تاجیکستان، ارمنستان و قزاقستان و دانشگاه آزاد برای ثبت جهانی نام او اقدامات مثمرتری داشته است. امید است در نتیجه این اقدامات تا آبان ماه نام این نویسنده بزرگ ثبت جهانی شود.»

او با توضیح درباره اجرای طرح پایش در این واحد دانشگاهی عنوان کرد: «طبق برآورد‌های انجام‌شده باید ۳۰ درصد از پایان نامه‌های این واحد از طرح پایش برای رفع مشکلات مختلف این شهرستان انتخاب شود. براساس اقدامات انجام‌شده تاکنون نزدیک ۲۰ درصد از پایان نامه‌های انجام‌شده این واحد براساس مباحث باارگذاری شده روی سامانه پایش انتخاب شده است.» گرابلی یاتاکیدبر اینکه این واحد در مدت دو سال گذشته توانسته رتبه علمی خود را از ۱۰ به ۸ ارتقا دهد، عنوان کرد: «واحد گنبدکاووس تلاش دارد رشته‌ها و کارهای مربوط به پرورش اسب و آموزش مسابقات اسب دونایی را به لیست رشته‌های خود اضافه کند اما باید توجه داشت که افزودن رشته جدید یک مسیر بسیار سخت و زمانبری است و این مهم به‌سرعت محقق نخواهد شد.»

۹ کسب درآمد ۲ میلیارد تومانی غیر شهریه‌ای

رئیس دانشگاه آزاد واحد گنبدکاووس درباره میزان درآمد غیرشهریه این واحد در سال گذشته اظهار کرد: «این واحد با اقداماتی از قبیل کشت گیاهان دارویی و کشاورزی، برون‌سپاری، اجاره اماکن، قراردادهای برون دانشگاهی حدود دو میلیارد تومان از این محل درآمد کسب کرده است.» او درباره ساخت مسکن کارکنان و اساتید در واحد بیان کرد: «اقدامات لازم برای ساخت مسکن کارکنان و اساتید انجام شده و زمین برای ساخت این مجموعه تهیه شده است. در حال حاضر مراحل پایان قرارداد تهیه مسکن انجام می‌شود و به محض ثبت آن اقدامات لازم برای ساخت مسکن آغاز خواهد شد.» او در پایان گفت: «برگزاری کنفرانس‌های ملی که واحد سال گذشته میزبان آنها بود، مقدمه‌ای شده که این واحد برای برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی اقدام کند، همچنین بالاترین میزان جذب دانشجو واحد و تحقق آن در استان گلستان سال گذشته به نام این واحد ثبت شد.»

دانشگاه آزاد واحد گنبدکاووس ۲۰ سال قبل با دو رشته کاردانی حسابداری و کامپیوتر فعالیت خود را آغاز کرد. پس از گذشت دوسال از فعالیت این واحد در دبیرستان سیدقطب گنبدکاووس اولین ساختمان

این واحد، در زمینی به مساحت سه هکتار ساخته شد. امروز این واحد دانشگاهی فضایی به مساحت ۱۴٫۵ هکتار، متشکل از سوله ورزشی، سلف سرویس مرکزی، کارگاه‌های آموزشی و آزمایشگاه‌های مختلف را در اختیار دارد و حدود پنج هزار دانشجو در آن به تحصیل مشغول هستند. با اقداماتی که در دوسال گذشته در این واحد دانشگاهی انجام شده، رتبه علمی آن از ۱۰ به ۸ صعود کرده و بالاترین جذب دانشجو در سطح تمام واحدهای استان گلستان رقم خورده است. برای اطلاع از اقدامات انجام‌شده در این واحد دانشگاهی با علیرضا گرابلی، رئیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد گنبدکاووس گفت‌وگویی داشته‌ایم که در ادامه آمده است. **|||**

علیرضا گرابلی، رئیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد گنبد کاووس با بیان اینکه امروز مهم‌ترین اهداف دانشگاه رسیدگی به مسائل فرهنگی و مهارتی است، اظهار کرد: «برای اینکه واحد بتواند در این دو بخش به اهداف و برنامه‌های خود دست پیدا کند؛ مرکز رشد خود را جزء اولویت‌ها قرار داده و آن را تاسیس کرده است. امروز ۹ هسته و گروه پژوهشی واحد در این مرکز مستقر شده که در رویدادها و نمایشگاه‌های مختلف شرکت می‌کنند.» او در ادامه افزود: «سال گذشته با حضور گروه‌های مختلف دانشجویی سه استارت‌آپ در این واحد برگزار شد، در نتیجه برگزاری این سه استارت‌آپ ۹ هسته مستقر مرکز رشد شناسایی شدند. این هسته‌ها در حوزه‌هایی از قبیل چرم‌سازی، صنعت ساختمان و اجرای سقف‌های سازه‌ای و پلی‌کشن خریدندان فعالیت دارند. با حمایت‌های واحد برخی از هسته‌ها امروز به مرحله تولید رسیده و با شرکت‌های مختلف قرارداد منعقد کرده‌اند.» او با بیان اینکه این واحد اقدامات لازم برای رسیدن دانشگاه نسل سوم را آغاز کرده و مدت‌هاست در این مسیر گام گذاشته، عنوان کرد: «اساتید دانشگاه برای تدریس مهارتی دروس آموزش‌های لازم را فرا گرفته‌اند و امکانات لازم برای آموزش‌های مهارتی نیز در اختیارشان قرار گرفته است تا بتوانند بهتر از قبل در زمینه فعالیت‌های مهارتی عمل کنند و دانشگاه را در مسیر نسل سوم به‌درستی هدایت کنند.»

۹ راه‌اندازی مدرسه آموزشی و مهارتی «سراجی»

گرابلی با تأکید بر اینکه مدرسه مهارتی چرم‌دوزی این واحد نیز فعالیت خود را آغاز کرده است، اظهار کرد: «مدرسه مهارتی چرم‌دوزی تاکنون توانسته ۳۰ نفر را آموزش دهد که این افراد امروز به‌عنوان کارآفرین در این هنر فعالیت دارند، از سوی دیگر برای هماهنگی آموزش‌های مهارتی در شهرستان گنبدکاووس، با سازمان آموزش پرورش تفاهنامه‌ای به‌منظور تاسیس مدرسه آموزشی مهارت به‌عنوان سراجی منعقد شده است. براساس این تفاهنامه، سازمان فنی و حرفه‌ای دانشگاه به‌طور هماهنگ آموزش‌های لازم را در قالب یک مدرسه به مهارت‌آموزان آموزش خواهند داد. در این مدرسه رشته‌های مختلف از قبیل خودرو، خیاطی و آرایشگری تدریس می‌شود.»

رئیس دانشگاه آزاد واحد گنبدکاووس در مورد اقدامات فرهنگی که در این واحد به‌صورت جدی دنبال می‌شود، تصریح کرد: «برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی در واحد به‌صورت جدی دنبال می‌شود و گروه‌های مختلفی را برای شرکت در سه دوره برگزاری این رویداد آماده کرده است، همچنین این واحد توانسته در دوسال پیاپی تیم‌های خود را به مرحله



بررسی مهم ترین تغییرات مجلات

جدال نفس گیر ایران و ترک



زهرار مضانی

خبرنگار گروه دانشگاه

مجلات علمی بستر انتشار مقالات در حوزه های مختلف به شمار می روند و هرچه گرید یا همان اعتبار و رتبه بندی شان در دنیا بالاتر باشد، طبیعتاً چاپ مقاله در آن هم از اهمیت بیشتری برای پژوهشگران و اساتید برخوردار خواهد بود و روند طولانی تر و سخت تری خواهد داشت. مجلاتی که چاپ بعضی یک مقاله از سوی یک استاد در آن، می تواند امتیازات پژوهشی و آموزشی قابل توجهی را برای او به همراه بیاورد. همین مساله باعث شده کشورهای مختلف به سمت ایجاد مجلات علمی بروند و تلاش کنند اعتبار آنها را هم در سطح جهانی بالا ببرند. برای درک بهتر نقش مجلات علمی در حوزه علم و فناوری دنیا، می توان به سهم آن در ارتقای اعضای هیات علمی اشاره کرد؛ به عبارت بهتر چاپ مقاله در برخی مجلات معروف، به منزله کلیدی برای تغییر مرتبه علمی این قشر است. البته این مساله تنها به اینجا ختم نمی شود، بلکه مقالاتی که از سوی این مجلات منتشر می شوند، به نوعی ریل گذاری دنیا در حوزه های علمی و فناوری را هم نشان می دهد؛ از این رو اعلام مجلات برتر دنیا در حوزه های مختلف خود از اهمیت ویژه برخوردار است.

روند تغییرات مجلات کشورها چگونه بوده است؟

در سال ۲۰۲۰ رسید که به معنی رشد ۴۸۹ درصدی ظرف ۳ سال است. میزان مجلات این کشور در سال ۲۰۲۱ همانند سال ۲۰۲۰ بود، اما سال گذشته میلادی به ۷۲۵ مورد رسید. اتفاقی که برای کشور روسیه هم تکرار شد و آنها توانستند رشد دو برابری در میزان مجلات خود از سال ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ تا سال های ۲۰۲۲ بدهند. به عبارت دیگر این کشور در سال ۲۰۱۸، ۱۵۱ مجله داشت که این میزان برای یک سال بعد با ریزش یک موردی همراه و به ۱۵۰ مجله رسید؛ اما یکبار از سال ۲۰۲۰ به ۳۸۴ مجله رسید که به معنی رشد ۱۵۴ درصدی است. البته این کشور نتوانست این تعداد را حفظ کند، بلکه در سال ۲۰۲۲ شاهد کاهش ۴ مجله این کشور به نسبت سال ۲۰۲۱ بودیم و حالا روس ها صاحب ۳۸۶ مجله هستند.

آمریکا که جایگاه اول دنیا را از آن خود کرده، سال گذشته میلادی علی رغم ریزش ۶۳ موردی در تعداد مجلاتش به نسبت سال ۲۰۲۱، پنج هزار و ۸۸۸ مجله داشته است. این کشور در سال ۲۰۲۰ پنج هزار و ۸۵۰ مجله در اختیار داشت که به نسبت سال ۲۰۱۹، رشد ۳۹ درصدی را تجربه کرده است. سال ۲۰۱۸ مجموع مجلات این کشور به چهار هزار و ۱۴۲ مورد می رسید.

رشد ۵۰ درصدی مجلات انگلیس ظرف یک سال

انگلیس هم با دارا بودن جایگاه دومی دنیا، روند روبه رشدی را تجربه کرده است. این کشور برای سال گذشته میلادی ۴ هزار و ۵۳۵ مجله به ثبت رسانده که به نسبت یک سال قبل تر، رشد ۹ موردی داشته است. روند روبه رشد مجلات این کشور، در تمام این سال ها تداوم داشته، چراکه در سال ۲۰۲۰ هم ۴ هزار و ۴۳۲ مجله برای انگلیس به ثبت رسیده که به نسبت سال ۲۰۱۹، رشد ۵۰ درصدی داشته است. سال ۲۰۱۸ نیز برای این کشور ۲ هزار و ۸۳۸ مجله معتبر به ثبت رسیده است.

کشوری مانند هلند با رتبه سوم دنیا، از سال ۲۰۱۹ توانست تعداد مجلات خود را افزایش دهد. آنها در حالی امروز هزار و ۳۴۲ مجله دارند که سال ۲۰۲۱، این میزان به هزار و ۳۲۹ مورد می رسید. یک سال قبل تر هم هزار و ۲۸۵ مجله در اختیار داشتند. این رقم برای سال ۲۰۱۹ و ۲۰۱۹ به ترتیب ۹۵۶ و ۹۳۰ مجله بوده است.

مجلات معتبر روس ها ۱۵۴ درصد رشد کرد

آلمان که جزء آخرین کشورهای دارای بیش از هزار مجله معرفی شده است و رتبه چهارم دنیا را دارد، در حالی سال گذشته میلادی هزار و ۱۴۸ مجله داشت که نسبت به یک سال قبل تر با ریزش ۲ موردی همراه بوده است. البته بهترین رتبه برای این کشور را باید همان ۲۰۲۱ دانست چراکه تعداد مجلات آلمانی دنیا برای ۲۰۲۰، هزار و ۱۱۶ مورد بود که در مقایسه با سال های ۲۰۱۹ و ۲۰۱۸ به ترتیب با رشد ۴۸ درصدی و ۵۴ درصدی همراه بوده است. یعنی در مجموع این کشور توانست ظرف ۵ سال رشد ۵۹ درصدی را تجربه کند.

اسپانیا که در سکوی پنجم دنیا ایستاده اما یکبار رشد قابل توجهی در میزان مجلات خود داد؛ به طوری که از ۱۲۲ و ۱۲۵ مجله در سال های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹، ناگهان به ۷۱۹ مجله

بررسی بیش از ۲۱ هزار مجله علمی از ۱۱۲ کشور

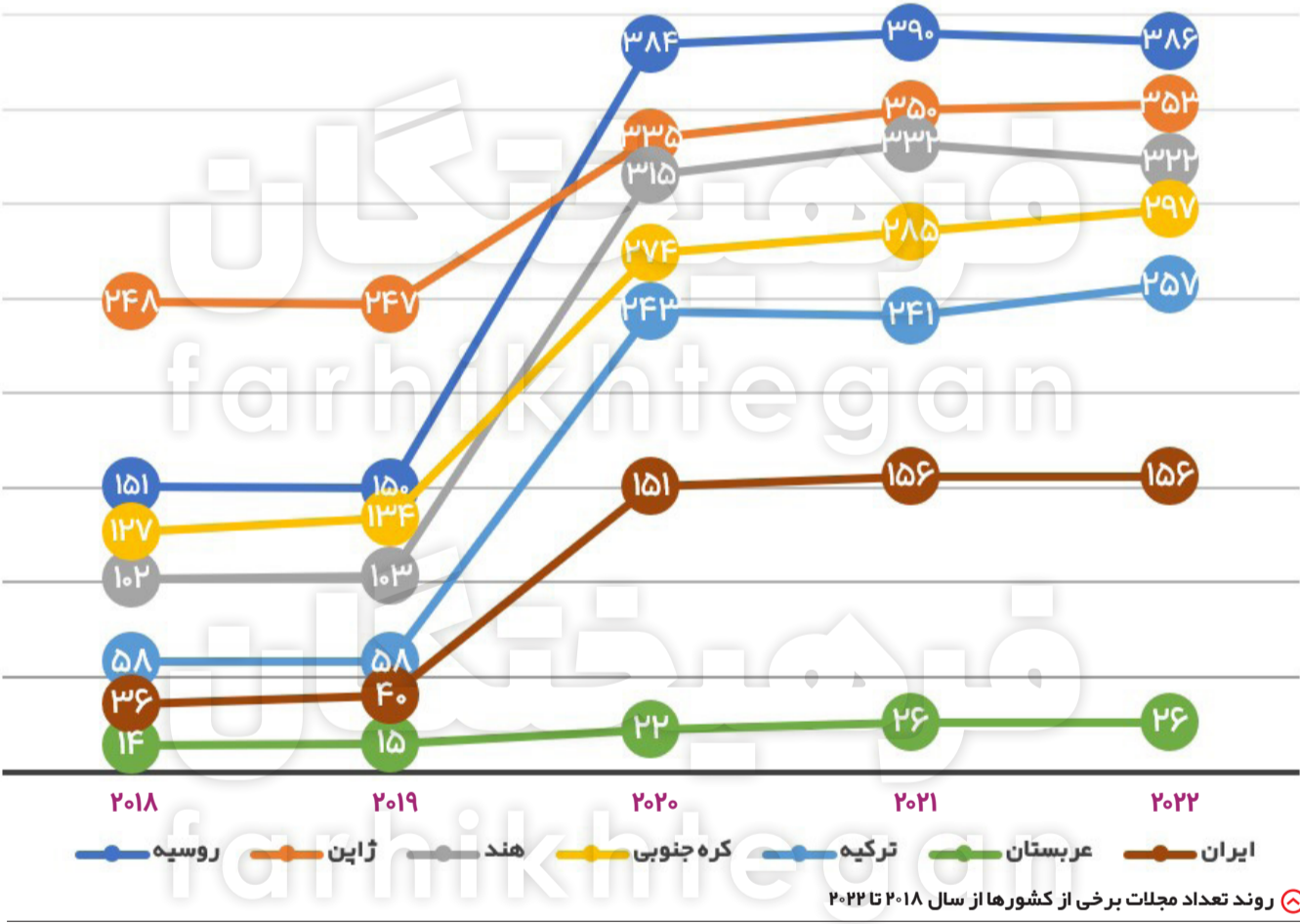
می شوند که همه گروه ها و شاخص های علمی از مکانیک گرفته تا شیمی، ریاضیات، پزشکی و... را دربر گرفته است. از این بین ۹ هزار و ۵۱۰ مجله مربوط به نمایه استنادی علوم (SCIE) بوده است. میزان مجلات مربوط به بخش علوم اجتماعی (SSCI) نیز سه هزار و ۵۴۴ مجله اعلام شده است. البته تقسیم بندی مجلات از لحاظ شاخص های استنادی در حوزه هنر و علوم انسانی (AHCI) هم شامل هزار و ۷۴۸ مجله و در نهایت منابع نوظهور دربرگیرنده هفت هزار و ۸۷۱ مجله است. ذکر این نکته خالی از لطف نیست که دو بخش استنادی هنر و علوم انسانی و منابع نوظهور از سال ۲۰۲۰ با JCR اضافه شده و تا پیش از این مجلات تنها براساس دو نمایه استنادی اول مورد بررسی قرار می گرفتند؛ این مساله نشان می دهد احتمال اینکه در سال های آینده، منابع نوظهور با توجه به گسترش حیطه های علمی در دنیا خود به بخش های مجزا تبدیل شوند یا بخش های جدیدتری برای ارزیابی مجلات در دنیا ایجاد شود، دور از ذهن نیست.

گزارش استنادی نشریات (JCR) هر سال برترین نشریات را در حوزه های مختلف به ویژه در حوزه ضریب تاثیر منتشر می کند و براساس آخرین ویرایش، مجلات علمی معتبر دنیا در سال ۲۰۲۲ معرفی شده است که اطلاعات جامعی از تعداد مجلات کشورها، رتبه علمی آنها، میزان استانداردهای صورت گرفته و... را شامل می شود. در آخرین به روزرسانی گزارش های نمایه سازی مجلات (Journal Citation Reports) از سوی کلاریویت آنالیتیکس که برای سال جاری میلادی است، ۲۱ هزار و ۵۲۲ مجله ای در سال ۲۰۲۲ از سوی ۱۱۲ کشور منتشر شده، مورد بررسی قرار گرفتند. مجلاتی که از میان آنها ۹ هزار و ۱۳۶ مجله توانسته اند برای اولین بار ضریب تاثیر یا به عبارت دیگر استناد به مقالات منتشر شده از سوی آنها را برای سال ۲۰۲۲ به دست آورند و این نشان می دهد سال گذشته میلادی تعداد مجلاتی که از حیث گرید اعتباری، جزء مجلات معتبر شناخته شوند، روند افزایشی داشته اند. این مجلات در ۲۵۴ حوزه موضوعی تحقیق، دسته بندی

ایران در جایگاه بیستم جهان از لحاظ تعداد مجلات

براساس جدیدترین ارزیابی صورت گرفته از لحاظ تعداد مجلات علمی هر کشور، ایران با داشتن ۱۵۶ مجله نمایه شده و دارای ضریب نفوذ در رتبه ۲۰ دنیا قرار گرفته است. در این رتبه بندی آمریکا با پنج هزار و ۸۸۸ مجله در جایگاه اول ایستاده است. بعد از آن انگلیس با چهار هزار و ۵۳۵ مجله در جایگاه دوم و کشورهای هلند و آلمان به ترتیب با داشتن هزار و ۳۴۲ و هزار و ۱۴۸ در رتبه های سوم و چهارم نشسته اند. جالب اینجاست که کشوری که ده های پنجم به بعد را به دست آورده اند، هیچ کدام تعداد مجلات شان در این فهرست به هزار عدد نمی رسد. اسپانیا با ۷۲۵ مجله و سوئیس با ۵۴۰ مجله رتبه های پنجم و ششم را از آن خود کرده و حتی کشوری مانند چین هم با ۴۴۴ مجله در جایگاه هفتم را به دست آورده است. بعد از آن ایتالیا با ۴۱۶ و برزیل با ۳۹۷ مجله قرار دارد. روسیه هم با ۳۸۶ قبل از فرانسه ای

که ۳۶۴ مجله دارد در رتبه ۱۰ دنیا ایستاده است. ژاپن را هم که در حوزه های تکنولوژی و فناوری حرفی برای گفتن در دنیا دارد، ۳۵۳ مجله نمایه شده در را برای چاپ مقالات پژوهشگران داخلی و خارجی راه اندازی کرده است. بعد از آن لهستان با ۳۵۰ مجله و کانادا با ۳۲۳ مجله جای گرفته است. هند، استرالیا و کره جنوبی هر کدام ۳۱۲، ۲۹۷ و ۲۹۷ مجله علمی معتبر دنیا را از آن خود کرده اند. اسدوئیله ای از ایران جلوتر بوده و با داشتن ۲۵۷ مجله در ۱۸ دنیا ایستاده و بعد از آن کلمبیا با ۱۷۲ مقاله قرار دارد. آفریقای جنوبی هم با ۱۵۵ مجله در جایگاه ۲۱ دنیا و یک پله عقب تر از ایران قرار دارد. نکته ای که اهمیت آن برای ایران به دلایل شرایط تحریمی که باعث شده چاپ مقالات محققان و اساتید ایرانی در مجلات علمی دنیا با چالش های جدی روبه رو شود، دوچندان است.



بیش از ۴ هزار استناد به مجله انجمن بهداشت ایران

مجله بهداشت عمومی ایران متعلق به انجمن بهداشت ایران بوده که از سال ۱۳۵۰ به دو زبان انگلیسی و فارسی از سوی انتشارات دانشگاه علوم پزشکی تهران منتشر می شود. این مجله که ۴ هزار و ۶۰۰ استناد داشته، در جایگاه پنجم پر استناد های کشور قرار می گیرد. مجله از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۲۲ در زمره مجلات Q4 تعریف شده است. چین رایج بعد از ایران کسب اعتباری داشت که بیشترین همکاری را با این مجله داشته، به طوری که ۲۴۹ مقاله از سوی این کشور به این مجله برای چاپ ارائه شده است. کره جنوبی با ۱۷۵ و ترکیه با ۳۸ مقاله در رتبه های بعدی قرار گرفته اند. در این میان آمریکا با ۳۵ مقاله در رتبه چهارم قرار دارد. دانشگاه علوم پزشکی تهران با ۱۹۵ مقاله و علوم پزشکی شهید بهشتی با ۱۰۳ مقاله بیشترین همکاری را در میان سازمان ها داشته اند. بعد از آن دانشگاه آزاد با ۸۲ مقاله و علوم پزشکی ایران با ۶۷ مقاله قرار دارد.

مجله متعلق به دانشگاه شریفی ها در جایگاه چهارم پر استنادها

مجله ساینتیا ایرانیکا متعلق به دانشگاه صنعتی شریف که اولین بار سال ۱۳۸۷ منتشر شده به صورت دو ماهانه مقالات علمی مرتبط با رشته های میان رشته ای مرتبط با گروه مهندسی را منتشر می کند؛ ۴ هزار و ۱۴۴ استناد در رتبه بعدی قرار گرفته است. این مجله از سال ۲۰۱۷ در میان مجلات Q3 قرار می گرفت، اما از سال ۲۰۲۰ توانست جایگاه علمی خود را در دنیا ارتقا داده و حالا در میان مجلات Q2 قرار گرفته است. این مجله مانند دیگر مجلات برتر کشور با کشورهای هند با ۷۸ مقاله، چین با ۵۸ مقاله و پاکستان با ۵۷ مقاله بیشترین همکاری علمی را داشته است. بعد از آنها کشورهای ترکیه، عربستان سعودی و آمریکا هر کدام به ترتیب ۲۵، ۲۳ و ۲۳ مقاله را برای انتشار به این مجله داده اند. همچنین دانشگاه آزاد اسلامی با ۹۶ مقاله، صنعتی شریف با ۸۵ مقاله در بخش سازمان ها بیشترین همکاری را با ساینتیا ایرانیکا داشته اند.

مجله دانشگاه علوم پزشکی مشهد رتبه اول پر استناد های پزشکی

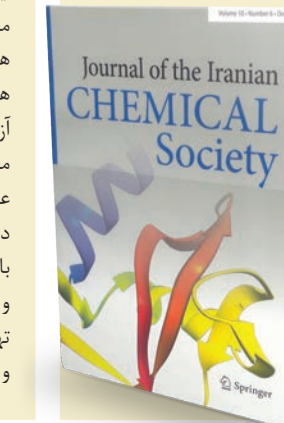
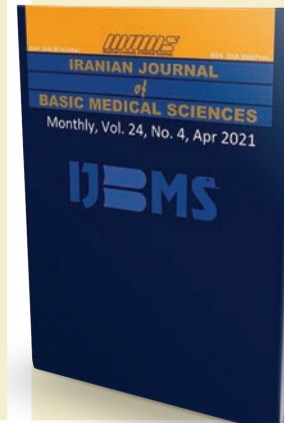
مجله علوم پایه پزشکی ایران متعلق به دانشگاه علوم پزشکی مشهد با ۴ هزار و ۱۹۹ استنادی که به آن صورت گرفته در رتبه سوم این جدول قرار دارد. این مجله اولین بار در سال ۱۳۸۹ منتشر شده و در ابتدای انتشار در بین مجلات Q4 قرار داشت. از سال ۲۰۱۸ توانست با ارتقای درجه علمی به جمع مجلات با گرید Q3 بپیوندد. این روال تا سال ۲۰۲۰ ادامه داشت و از سال ۲۰۲۱ تا آخرین به روزرسانی JCR باز هم به مجلات Q4 تبدیل شده است. این مجله با کشورهای چین، ترکیه، مصر و هندوستان در حوزه های علمی همکاری داشته است. در این میان چین با ۱۱۳ مقاله در رتبه اول همکاری قرار دارد. همچنین دانشگاه آزاد اسلامی با ۵۷ مقاله، بعد از دانشگاه علوم پزشکی مشهد در رتبه اول همکاری با این مجله قرار دارد و بعد از علوم پزشکی تهران، شهید بهشتی و ایران قرار گرفته اند.

بیش از ۴ هزار استناد به مجله انجمن شیمی ایران

دومین مجله پر استناد کشور، مجله انجمن شیمی ایران است. مجله ای که از ناش و استیجی سازمانی اش مشخص می شود. این مجله که در حیطه گروه علوم پایه تعریف می شود؛ از سال ۱۹۹۰ جایگاه بین المللی پیدا کرده و علی رغم اینکه از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۳ در زمره Q2 قرار می گرفت، اما از سال ۲۰۱۴ در آخرین به روزرسانی JCR در میان مجلات Q3 تعریف شده است. این مجله در بعد بین المللی با کشورهای هندوستان با ۱۴۴ مقاله، چین با ۱۲۵ و مصر با ۷۸ مقاله همکاری مشترک داشته است. البته ترکیه، پاکستان، عربستان سعودی و آمریکا هم در دیگر رتبه های بعدی قرار دارند و مقالات مشترکی با این کشورها منتشر شده است. همچنین در بخش همکاری سازمان ها دانشگاه ارومیه، بوعلی سینا، رازی و اراک و ایلام جزء ۵ دانشگاهی هستند که بیشترین همکاری را با این مجله داشته اند.

مجله بین المللی دانشگاه آزاد در جایگاه اول پر استناد های ایران

مجله بین المللی علوم و فناوری محیطی وابسته به دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات از سال ۱۳۹۴ در حوزه مهندسی محیط زیست آغاز به کار و به صورت ماهانه منتشر می شود و با دارا بودن ۱۳ هزار و ۱۶۷ استناد در جایگاه اول مجلات کشور قرار دارد. رتبه این مجله از سال ۲۰۱۷ که در میان مجلات Q2 قرار می گرفت، به Q3 تغییر کرده و تا امروز هم در همین وضعیت باقی مانده است. جالب اینکه این مجله بین المللی با کشورهای هند بیشترین همکاری را داشته و بعد از آن کشورهای چین، ترکیه، پاکستان، برزیل قرار دارند. به طوری که با کشور هند ۴۸۲ مقاله و چین ۲۹۸ مقاله مشترک منتشر کرده است. در بخش همکاری با سازمان ها هم باید عنوان کرد دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه تهران بیشترین همکاری را با این مجله داشته اند.





پله در میدان مجلات علمی

برترین مجلات ایران از نگاه JCR را بشناسید

بین المللی نانو با ۳٫۷ در جایگاه ششم قرار گرفته است. مجله بولتن پیشرفته دارویی هم توانسته با میانگین تاثیر ۳٫۶ در رتبه هفتم قرار بگیرد. مجله علوم دارویی - DARU نیز با همین میانگین تاثیر در جایگاه هفتم قرار دارد. بعد از آن مجله بین المللی سیاست و مدیریت سلامت با میانگین تاثیر ۳٫۵ معرفی شده است. مجله جهانی علوم و مدیریت محیط زیست با ۳٫۴ و مجله علوم و مهندسی بهداشت محیط هم همین میانگین تاثیر را از آن خود کرده است. اگر مجلاتی که میانگین تاثیر مشترک داشته اند را کنار بگذاریم، باید عنوان کرد مجله بین المللی تحقیقات محیطی که حوزه علوم محیطی را شامل می شود، با رتبه ۳٫۲ در رتبه بعدی قرار دارد.

آرشیو فوریت های پزشکی؛ برترین مجله در ضریب تاثیر

در این گزارش مجلات براساس شاخص JCR در سال ۲۰۲۲ هم تقسیم بندی شده اند؛ شاخصی که نشانگر میزان استنادات و مقالات نرمال شده بوده و برای همه مجلات نمایه شده Web of Sciences ارائه می شود. بر این اساس مجله آرشیو فوریت های پزشکی دانشگاهی با شاخص ۱٫۵۱ در رتبه اول کشور قرار دارد و بعد از آن مجله ریاضیات و علوم کامپیوتر JMCS با شاخص ۱٫۴۷ و مجله ارتباطات در ترکیبات و بهینه سازی با شاخص ۱٫۳۳ رتبه دوم و سوم را به دست آورده است. رتبه چهارم این بخش هم به مجله پژوهشی آموزش زبان ایران با شاخص ۱٫۲۲ و بعد از آن مجله نانو ساختار در شیمی با شاخص ۱٫۲۲ قرار گرفته است. مجله سیستم های فازی ایران که در زمره میان رشته ای ها تعریف می شود هم با شاخص ۱٫۱۹ در جایگاه ششم قرار گرفته است. بعد از آن مجله بین المللی سیاست و مدیریت سلامت با شاخص ۱٫۰۴ و مجله مکانیک کاربردی و محاسباتی با شاخص ۰٫۹۹ به عنوان برترین مجلات ایران معرفی شده است. مجله علوم دارایی - DARU هم با شاخص ۰٫۸۶ و مجله BioImpacts با شاخص ۰٫۸۴ به عنوان دو مجله ای که در جایگاه نهم و دهم کشور قرار دارند، اعلام شده است.

قرار گرفتن ۴۱ مجله ایرانی در گرید Q1 تا Q4

اگر بخواهیم مجلات را از حیث اعتبار Q1 تا Q4 برای ۱۰ مجله برتر کشور مورد بررسی قرار دهیم، باید عنوان کرد تنها ۳ مجله در این بخش قرار می گیرند که یکی از آنها مجله نانو ساختار در شیمی است که توانسته در زمره مجلات Q1 قرار بگیرد و بعد از آن مجله علوم دارویی و مجله بین المللی سیاست و مدیریت سلامت هستند که در زمره مجلات Q2 شناخته می شوند. البته اگر نگاه کلان تر به ۱۵۶ مجله ایرانی داشته باشیم، باید عنوان کرد از میان همه این مجلات، تنها ۲ مجله توانستند در میان مجلات Q1 قرار بگیرند، سهم مجلات برای Q2 هم ۴ مجله، برای Q3 هم ۱۶ مجله و در نهایت ۱۹ نشریه هم در سطح Q4 تعریف شده اند. نکته قابل توجه این است که در میان ۱۰ مجله برتر ترکیه از حیث میانگین ضریب تاثیر، تنها یک مجله آن هم در میان گرید Q4 تعریف می شود، در حالی که عربستان در بین ۱۰ مجله برترش، ۳ مجله در Q1 و ۷ مجله هم در میان مجلات Q2 دارد.

سرعت بالاتر ترکیه از ایران در رشد مجلات معتبر

تعداد مجلات معتبر علمی ترکیه با دارا بودن رتبه هجدهم دنیا، از ۵۸ مجله در سال ۲۰۱۸ و حفظ آن برای سال بعد میلادی، به یکباره به ۲۴۲ مجله برای سال ۲۰۲۰ رسید. البته تعداد مجلات ترکیه ای در سال ۲۰۲۱ با ریزش ۲ موردی برای سال ۲۰۲۱ همراه بود، اتفاقی که برای سال گذشته میلادی نه تنها جبران شد، بلکه ۱۶ مجله جدید نیز به تعداد مجلات ترکیه اضافه شد. روند رشد مجلات ترکی از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۲ رشد ۳۴۳ درصدی را نشان می دهد. عربستان هم که این روزها تلاش سختی را برای رسیدن به جایگاه های برتر علمی دنیا شروع کرده، در حوزه مجلات معتبر علمی سکوی ۵۵ دنیا را از آن خود کرد و از ۱۴ مجله برای سال ۲۰۱۸ حالا صاحب ۲۶ مجله در سال ۲۰۲۲ شده که به معنی رشد ۸۵ درصدی میزان مجلات معتبر علمی این کشور دارد.

اگر بخواهیم مجلات نمایه شده ایران را از لحاظ مجموع استنادهایی که به آن صورت گرفته، معرفی کنیم، مجله بین المللی علوم و فناوری محیطی ایران که در دسته بندی علوم محیطی قرار می گیرد، با ۱۳ هزار و ۶۷۰ استناد در رتبه اول قرار گرفته است. بعد از آن مجله انجمن شیمی ایران است که در بین مجلات چندرشته ای قرار گرفته و میزان استنادات به آن ۴ هزار و ۸۴۶ مورد در سال ۲۰۲۲ بوده است. مجله علوم پایه پزشکی ایران هم که در زمره مجلات میان رشته ای (پزشکی و داروسازی) تعریف شده توانسته ۴ هزار و ۱۹۹ استناد را از سوی پژوهشگران سراسر دنیا به خود جذب کند. چهارمین مجله پراستناد ایران هم متعلق به Scientia Iranica (ساینس ایرانیکا) مرتبط با حوزه مهندسی است که ۴ هزار و ۱۴۴ استناد به آن انجام شده است. دو مجله بعدی پراستناد هم در زمره حوزه پزشکی و داروسازی تعریف می شوند، به طوری که مجله بهداشت عمومی ایران در حوزه های مختلف بهداشت عمومی و محیط زیست و همچنین بهداشت عمومی و محیطی با ۴ هزار و ۶۰۰ بار استناد و مجله تحقیقات دارویی ایران که در حوزه داروسازی فعال بوده با ۳ هزار و ۹۳۰ استناد صورت گرفته به آن در رتبه های پنجم و ششم قرار گرفته است. حوزه نانوی کشور هم توانسته با مجله نانو ساختار در شیمی که در دسته بندی میان رشته ای ها شامل علم شیمی، علم مواد نانو تکنولوژی تعریف می شود، با ۳ هزار و ۵۰۵ استنادی که به آن صورت گرفته در جایگاه هفتم قرار بگیرد. اما واقعیت این است که مجلات مرتبط با حوزه پزشکی کشور از حیث کمی، بیشترین استنادها را از آن خود کرده اند؛ به طوری که ۳ مجله ای که در رتبه های هشتم تا دهم قرار دارند هم باز مربوط به حوزه پزشکی می شوند. مجله تحقیقات علوم پزشکی که مرتبط به پزشکی عمومی است با ۳ هزار و ۵۰۳ بار استناد و مجله بین المللی پزشکی پیشگیری که همان حیطه پزشکی، عمومی و داخلی را دارد با ۳ هزار و ۴۰۳ بار استناد در جایگاه نهم نشسته است. همچنین مجله بین المللی سیاست و مدیریت سلامت نیز که همان حیطه علوم و خدمات مراقبت های بهداشتی و سیاست و خدمات بهداشتی را در برمی گیرد با ۳ هزار و ۳۶۲ استناد در جایگاه بعدی نشسته است.

نانوساختار در شیمی؛ از لحاظ میانگین تاثیر در رتبه اول

مجلات علمی اما از حیث میانگین تاثیر یا همان میانگین تعداد استنادها که به صورت مخفف با عبارت JIF شناخته می شد و هر ساله از سوی ISI معرفی می شود، هم مورد ارزیابی قرار گرفته اند. براساس این شاخص در سال ۲۰۲۲، مجله نانو ساختار در شیمی با رتبه ۱۰٫۱ در جایگاه اول قرار گرفته و بعد از آن مجله روش های شیمیایی که در میان مجلات میان رشته ای تعریف شده با میانگین تاثیر ۵٫۶ در سکوی دوم نشسته است. اما مجله آرشیو فوریت های پزشکی دانشگاهی با میانگین تاثیر ۵٫۴ و بعد از آن مجله چشم اندازهای ارتقای سلامت که حوزه بهداشتی عمومی را شامل می شود با میانگین ۴٫۴ در جایگاه پنجم قرار دارد. مجله مهندسی عمران - تهران که از اسامش هم حیطه فعالیتش مشخص است با میانگین تاثیر ۴٫۱ و مجله نامه های

در تعداد مجلات ۳ نمایه پرچمدار از عربستان عقب تریم

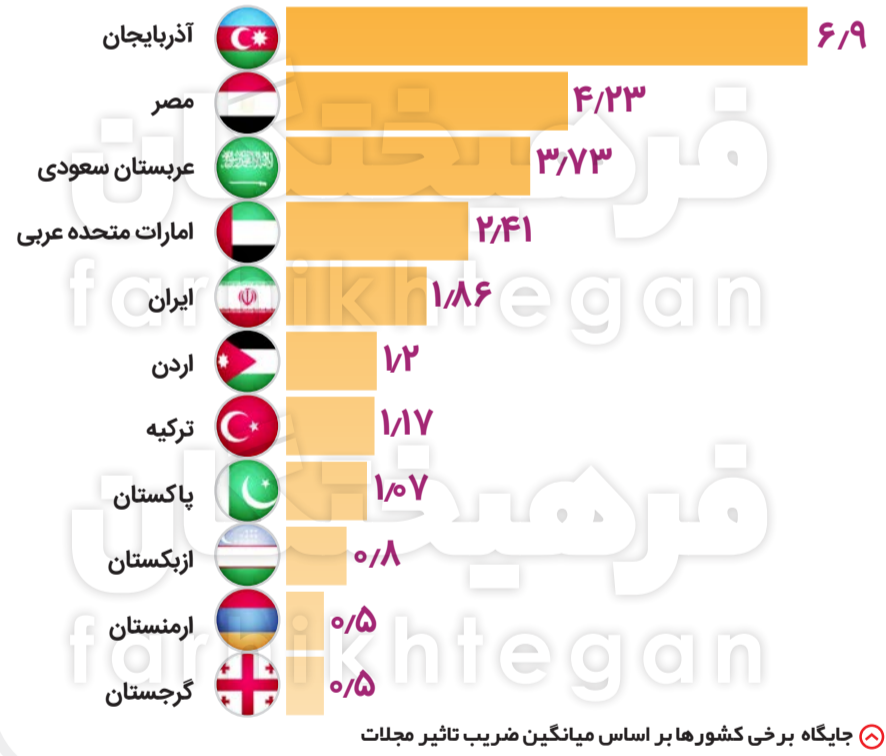
نمایه حضور داشتند، درصدی که برای سال ۲۰۲۱ بیشتر بود و به ۷۹ درصد رسیده بود. اما جالب اینجاست که روند سهم مجلات حاضر در ۳ نمایه پرچمدار از سوی این کشور، نزولی بوده؛ چرا که این درصد برای سال ۲۰۲۰، ۸۱ درصد بود که نشان از ریزش ۳ درصدی در این حوزه دارد. آلمان مانند دیگر کشورهای اروپایی و آمریکایی در سال گذشته توانسته بود ۷۶ درصد از مجلاتش را در ۳ نمایه پرچمدار به ثبت برساند؛ رقمی که به نسبت سال ۲۰۲۱ با رشد یک درصدی همراه بوده است. سهم مجلات این کشور برای سال ۲۰۲۰ در ۳ نمایه پرچمدار هم از هزار و ۱۱۶ مجله کلی، ۸۵۰ مورد بوده که به معنی سهم ۷۷ درصدی در این بخش است.

موضوع جالب درباره اسپانیا است، کشوری که علی رغم قرارگیری اش در رتبه پنجم دنیا، اما سال ۲۰۲۲، تنها ۲۴ درصد از مجلاتش توانستند در ۳ نمایه پرچمدار حضور پیدا کند و این میزان برای سال قبل تر، ۲۵ درصد بوده که از نشان ریزش یک درصدی اسپانیا در این زمینه است. این کشور در سال ۲۰۲۰ هم از میان ۷۱۹ مجله خود، تنها ۱۷۲ مجله اش که به معنی سهم ۲۴ درصدی است را توانست در ۳ نمایه پرچمدار به ثبت برساند.

میانگین ضریب تاثیر ایرانی ها:

۲ پله جلوتر از ترکیه، ۲ پله عقب تر از عربستان

در میان کشورهای خاورمیانه، آذربایجان با دارا بودن میانگین و میانه ضریب تاثیر ۶٫۹ در صدر کشورهای منطقه قرار دارد. بعد از آن کشوری مانند مصر با میانگین ضریب تاثیر ۴٫۲۳/ میانه ۳٫۲ در رده دوم قرار گرفته که نشان می دهد ضریب تاثیر مجلات آنها در نمایه های پرچمدار سال ۲۰۲۲ از دیگر کشورهای خاورمیانه بیشتر است. جالب اینجاست که بعد از آن عربستان با دارا بودن میانگین ضریب تاثیر ۳٫۷۳ و همچنین میانه ۳٫۵۵ در جایگاه سوم قرار گرفته است. جایگاه چهارم نیز در اختیار امارات متحده عربی با میانگین ضریب تاثیر ۲٫۳۱ و میانه ۲٫۳ است. هرچند ایران دو پله از عربستان در این زمینه عقب مانده، اما توانسته دو پله بالاتر از ترکیه قرار بگیرد، به طوری که میانگین ضریب تاثیر آن ۱٫۸۶ و میانه آن هم ۱٫۵ اعلام شده است، در حالی که بعد از کشورمان، اردن با میانگین و میانه ضریب تاثیر ۱٫۲ قرار دارد. رتبه هفتم منطقه هم به ترکیه با میانگین ۱٫۱۷ و میانه ۱ رسیده است؛ کشورهای بعدی هم پاکستان، ازبکستان، ارمنستان و گرجستان هستند.



حفظ جایگاه Q2 توسط مجله دانشگاه علوم پزشکی اصفهان طی ۶ سال

یکی از مجلات دانشگاه علوم پزشکی اصفهان یعنی مجله بین المللی پزشکی پیشگیری است، مجله ای که عنوان بین المللی دارد و همین مساله نشان دهنده جایگاه آن است. این نشریه علمی به دلیل ۳ هزار و ۴۰۳ استنادی که به آن شده توانسته در رتبه نهم برترین های کشور قرار بگیرد. مجله ای که به صورت ماهانه منتشر شده و براساس JCR برای سال ۲۰۲۲، ۳ هزار و ۴۰۳ استناد را داشته است. این مجله از سال ۲۰۱۷ در میان مجلات Q2 تعریف می شود و بیشترین مقالات منتشرشده از سوی آن با ۲۰۱ مورد مربوط به ایران است. بعد از آن هند با ۷۳ مقاله، تایلند با ۳۳ و چین با ۲۵ مقاله در رتبه های بعدی قرار گرفته اند. طبیعتاً دانشگاه علوم پزشکی اصفهان با ۱۰۸ مقاله جزء پرکارترین دانشگاه همکار این مجله به شمار می رود. بعد از آن دانشگاه علوم پزشکی تهران و شهید بهشتی قرار گرفته اند.



و چین با ۲۵ مقاله در رتبه های بعدی قرار گرفته اند. طبیعتاً دانشگاه علوم پزشکی اصفهان با ۱۰۸ مقاله جزء پرکارترین دانشگاه همکار این مجله به شمار می رود. بعد از آن دانشگاه علوم پزشکی تهران و شهید بهشتی قرار گرفته اند.

مجله دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در جایگاه هشتم کشور

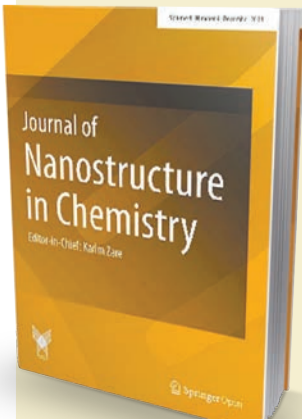
مجله تحقیقات علوم پزشکی متعلق به دانشگاه علوم پزشکی اصفهان که از سال ۱۳۸۸ منتشر شده با ۳ هزار و ۵۰۳ استناد در جایگاه هشتم قرار گرفته است. این مجله که در اولین سال انتشار در گرید Q4 تعریف می شد، از یک سال بعد تا سال ۲۰۱۸ توانست در میان مجلات Q3 قرار بگیرد. بعد از آن برای یک سال با ارتقای جایگاه علمی به Q2 رسید اما از سال ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۲ دوباره به جایگاه قبلی خود برگشت. مجله دانشگاه علوم پزشکی اصفهان هم غیر از مقالات داخلی، ۲۰ مقاله از کشور چین را در سال ۲۰۲۲ منتشر کرده و رتبه دوم همکاری با ۱۷ مقاله در اختیار آمریکا قرار



دارد. هند و انگلیس در رتبه های سوم و چهارم همکاری قرار گرفته اند. در این میان بیشترین مقالات مربوط به خود دانشگاه علوم پزشکی اصفهان است؛ بعد از آن دانشگاه علوم پزشکی تهران، شهید بهشتی و ایران قرار گرفته است.

مجله واحد شهر قدس در زمره Q1 دنیا قرار دارد

مجله نانو ساختار در شیمی دانشگاه آزاد واحد شهر قدس که از سال ۱۳۸۸ فعالیت خود را آغاز کرده با ۳ هزار و ۵۰۵ استناد در جایگاه هفتم قرار گرفته است. این مجله که از سال ۲۰۱۲ توسط ناشر بین المللی Springer منتشر شده و از سال ۲۰۱۷ در زمره مجلات Q2 تعریف می شد، حالا در میان مجلات Q1 قرار گرفته است و این مساله نشان از جایگاه علمی بالای این مجله دارد. این مجله که در میان میان رشته ای ها قرار می گیرد، بیشترین همکاری را حتی بیشتر از دانشگاه های کشور از هند داشته، به طوری که این کشور ۵۴ مقاله برای انتشار از سوی این



مقاله ارسال کرده است. بعد از آن ایران با ۵۱ مقاله و چین با ۳۹ مقاله قرار دارد. در میان دانشگاه ها هم دانشگاه آزاد با ۲۱ مقاله و دانشگاه تنسی با ۸ مقاله در رتبه های اول و دوم جای گرفته است.

مجله تحقیقات دارویی دانشگاه شهید بهشتی در میان برترین ها

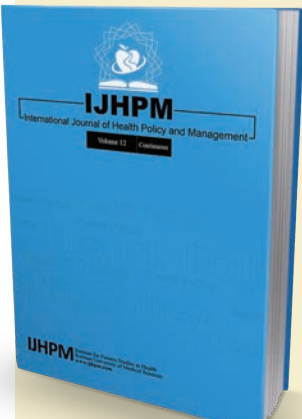
مجله تحقیقات دارویی ایران متعلق به دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی که اولین بار در سال ۱۳۸۷ منتشر شده ۳ هزار و ۹۳۰ استناد داشته و همین مهم باعث شده تا این مجله در رتبه ۶ کشور قرار بگیرد. این مجله از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۲ در زمره مجلات Q2 قرار گرفته است. این مجله مانند دیگر مجلات با کشورهای مختلفی همکاری داشته است. در این میان ترکیه ۲۴ مقاله را برای چاپ از سوی این مقاله ارسال کرده و بعد از آن چین با ۲۲ مقاله و هند با ۹ مقاله قرار دارد. آمریکا، پاکستان و مصر را هم باید از دیگر کشورهای همکار با این مجله معرفی کرد. در میان سازمان ها دانشگاه



علوم پزشکی شهید بهشتی با ۱۱۶ مقاله، علوم پزشکی تهران با ۷۶ مقاله و دانشگاه آزاد با ۳۲ مقاله قرار دارد. دانشگاه های علوم پزشکی ایران، شیراز و مشهد در میان پرکارترین سازمان ها قرار دارند.

انتشار ۱۶۹ مقاله از سوی انگلیس در مجله دانشگاه علوم پزشکی کرمان

مجله بین المللی سیاست و مدیریت سلامت متعلق به دانشگاه علوم پزشکی کرمان است که به صورت سالانه منتشر می شود. این مجله براساس اطلاعاتی که در سایت آن منتشر شده از سال ۲۰۱۳ منتشر شده است. این مجله از سال ۲۰۱۷ در بین مجلات Q2 تعریف شده و توانست برای اولین بار در سال ۲۰۱۹ به گرید Q1 تبدیل شود و بعد از دو سال، دوباره در سال ۲۰۲۱ برسد. جالب اینجاست که مجله در آخرین به روزرسانی JCR دوباره در زمره مجلات Q1 معرفی شده است. موضوع قابل توجه درباره این مجله آن است که انگلیس با ۱۶۹ مقاله بیشترین همکاری را با این مجله داشته است. بعد از آن آمریکا



با ۱۲۷ و استرالیا با ۱۲۵ قرار دارد. در بخش دانشگاه ها و سازمان های همکار دانشگاه لندن با ۷۷ مقاله بیشترین همکاری را با این مجله داشته است. دانشگاه رادبود با ۲۹ و دانشگاه تورنتو با ۲۶ مقاله در رتبه های بعدی قرار گرفته اند.

«فرهنگستان» از نشست تخصصی پنجره خدمات هوشمند دانشگاهی گزارش می دهد

دانشگاه‌ها غایب پنجره خدمات دولتی



فاطمه طاری بخش

خبرنگار گروه دانشگاه

مدیرکل آمار، فناوری اطلاعات و امنیت فضای مجازی وزارت عتف در اسفند ماه ۱۴۰۱، از پیوستن دانشگاه‌ها به پنجره واحد خدمات هوشمند دانشگاهی گفته و تأکید کرده بود که تا پایان سال جاری، تمامی دانشگاه‌ها به آن متصل می‌شوند و خدمات با کیفیت بالا و برخط ارائه خواهد شد، در حالی که ۴ ماه از ابتدای سال می‌گذرد و تنها ۴۵ دانشگاه به آن متصل شده‌اند. اتفاقی که در صورت تحقق کامل آن می‌تواند نقش قابل توجهی در ارائه خدمات برخط موردنیاز دانشجویان، اساتید و کارمندان داشته باشند. در همین راستا چندی پیش نشست تخصصی «پنجره خدمات هوشمند دانشگاهی» با حضور محمدقائم تاجگردون، معاون دولت الکترونیک و هوشمندسازی وزارت عتف، جواد موحد، معاون دولت الکترونیک و هوشمندسازی سازمان فناوری اطلاعات، مصطفی صالحی، مدیرکل IT سازمان امور دانشجویان و فرهاد مردوخ، عضو هیات علمی دانشگاه رازی کرمانشاه و مدیر پروژه پنجره و پیمانکار طرف قرارداد وزارت عتف در دانشگاه الزهرا برگزار شد که متن آن را در ادامه می‌خوانید.

تا آخر تیرماه بخش عمده‌ای از دانشگاه‌ها به پنجره خدمات دانشگاهی وصل می‌شوند

محمدقائم تاجگردون، معاون دولت الکترونیک و هوشمندسازی وزارت عتف:



سال ۱۴۰۱ و در بودجه این سال تکلیفی برای تمامی دستگاه‌های اجرایی و تمامی

مؤسسات که مشمول قانون ششم توسعه بودند، ایجاد شد که اول ایجاد پنجره واحد خدمات هوشمند دستگاه‌ها را در برنامه خود بگذرانند. دومین موضوع نیز اتصال این پنجره به پنجره خدمات ملی هوشمند بود. متولی پنجره خدمات هوشمند ملی سازمان فناوری اطلاعات است و در همان سال رونمایی از پنجره ملی هوشمند انجام شد. بعد از رایزنی‌ها سیاست کلی دولت به این سمت رفت که وزارتخانه‌های متولی زیرمجموعه‌های خود را پوشش دهند و در مقابل پروژه دیگری تحت عنوان پنجره خدمات دانشگاهی کشور ایجاد شود که بر این اساس، دانشگاه‌ها می‌باید به جای اینکه مستقیماً به پنجره خدمات دولت هوشمند متصل شوند، ابتدا به پنجره خدمات دانشگاهی متصل و بعد از آن به پنجره دولت متصل شوند. سوال اینکه نگاه دولت به پنجره خدمات دانشگاهی چیست؟ در پاسخ به آن باید گفت نگاه دولت این است که اولاً احراز هویت و یکپارچه‌سازی صورت بگیرد. یعنی یک ایرانی بتواند برای دریافت خدمات دولت از یک محل و بدون اینکه نیاز به احراز هویت داشته باشد، وارد سیستم شود.

این چیزی است که در اسناد بالادستی و مصوبات شورای اجرایی فناوری اطلاعات به صراحت به دستگاه‌ها تکلیف شده است. اما این پایان و مقصد پنجره خدمات دانشگاهی کشور نیست. در معماری ای که ما در وزارت علوم برای پنجره خدمات دانشگاهی طراحی کردیم، تلاش شده بستری فراهم شود که کاربران آموزش عالی کشور هر خدمتی را که می‌خواهند از طریق این پنجره درخواست و مراحل اجرا را ببینند و از نتیجه مطلع شوند. به‌عنوان مثال اگر جذب اعضای هیات علمی را در نظر بگیریم، براساس اسناد بالادستی نهایتاً باید ۴ ماه و نیم طول بکشد، هر چند که در حال حاضر سامانه جذبی وجود دارد اما تفکیک دقیقی ندارد و متقاضی جذب باید بتواند درخواست دهد و برای این فرد رزومشماري داشته باشیم تا مشخص شود که فرد چند روز در حال انجام فرآیند است.

زمانی که ما این جذب را به پنجره انتقال دهیم آن زمان، متقاضی می‌تواند برای مدت زمان درخواست خود اقدام کند. نکته‌ای که اینجا وجود دارد این است که هنوز

طراحی خدمات اتفاق نیفتاده و پس از اتصال تمام دانشگاه‌ها شروع به طراحی خدمات خواهیم کرد. قطعاً خدمات پراستفاده و پرمخاطب روی پنجره قرار می‌گیرند. گام اول این پروژه اتصال است که می‌توان این خبر را داد که در حال حاضر ۴۵ دانشگاه به آن متصل شده‌اند که تا آخر تیرماه بخش عمده‌ای از دانشگاه‌های دولتی به این پنجره متصل می‌شوند.

دستگاه‌های دولتی ملزم به ارائه الکترونیکی ۳۰ درصد از خدمات شدند

جواد موحد، معاون دولت الکترونیک و هوشمندسازی سازمان فناوری اطلاعات:



راه‌اندازی پنجره خدمات دانشگاهی یک اقدامی کلیدی بود که از سال ۱۴۰۰ آغاز شد.

علاوه‌بر آینده‌نگری در این حوزه در اسناد راهبردی نیز به این موضوع اشاره شده بود. ما می‌بینیم که دولت‌های پیشرو برای برنامه‌های راهبردی خود بحث پنجره هوشمند را مطرح می‌کنند. کشورهای اروپایی و آمریکایی و چین به این موضوع اشاره کرده‌اند. بر همین اساس، بخش SINGLE WINDOWها یا پنجره‌های واحد بسیار اهمیت دارد؛ چراکه دولت‌های آینده بدون تماس هستند و باید به این صورت خدمات را به شهروندان خود ارائه دهند. دولت‌های آینده، دولت‌های یکپارچه‌ای هستند و هر شهروند باید بتواند با یک بار احراز هویت به تمامی خدمات دولتی دسترسی داشته باشد.

بر همین اساس و با مطالعات انجام‌شده، بحث راه‌اندازی پنجره ملی در دستور کار قرار گرفت و مقدمات آن برای قانون‌گذاری بودجه ۱۴۰۱ گذاشته شد و تمام دستگاه‌های دولتی ملزم شدند که ۳۰ درصد از خدمات خود را به صورت کاملاً الکترونیکی ارائه و پنجره خدمات دستگاهی را نیز راه‌اندازی کرده و تا پایان دی ماه به پنجره خدمات دولت هوشمند متصل شوند. این کار هر چند با چالش‌هایی مواجه بود اما به وضعیت بسیار خوبی رسید و منجر به شکل‌گیری پنجره ملی شد. ما گام بزرگی را برای تکمیل این حوزه که همان هوشمندسازی است، برداشتیم. در بودجه امسال آمده که ۱۰۰ درصد خدمات تا پایان آبان‌ماه باید الکترونیکی شده و تا پایان دی ماه ۲۰ درصد خدمات هوشمندسازی شود، یعنی تمامی اطلاعات بین دستگاهی به شکل کاملاً الکترونیکی و برخط باشد و هیچ دستگاه و نهادی اجازه استعلام کاغذی ندارد.

تاجگردون: دوستان این هوشمندی را داشتند که تمام تکالیف را به قانون بودجه بردند. من باید توضیحی بدهم

که این موضوع به چه معناست. مثلاً بسیاری از تکالیف تا به امروز در حوزه دولت الکترونیک مطرح می‌شد، مانند مصوبه شورای اجرایی فناوری اطلاعات و مرکز ملی فضای مجازی، یا مواردی که در قانون ششم و هفتم توسعه لحاظ شده است. زمانی که یک تکلیف در قانون بودجه قرار می‌گیرد، تفاوتی که ایجاد می‌کند، برای این است که دستگاهی که در قانون مشخص و مکلف شده باید تا پایان سال موارد قانونی را اجرایی کند؛ چراکه وقتی این مساله در قانون بودجه دیگر مسئول آن دستگاه نمی‌تواند بگوید که اعتباری برای اجرای آن نداشته است و به‌طور مثال ۱۰ سال بعد افرادی می‌توانند به سراغ رئیس دانشگاه وقت بروند و بگویند باید در آن زمان به تکلیفی که در قانون گفته شده، عمل و اعتبارات را بر این اساس رده‌بندی می‌کردیم.

نکته دیگر را باید از سمت دانشگاه به دکتر موحد بگوییم. دانشگاه‌های ما از لحاظ تکنولوژی جلوتر هستند و به هیچ وجه مانند دستگاه‌های اجرایی نیستند. تقریباً هیچ خدمتی در دانشگاه‌ها می‌تواند صورت فیزیکی ارائه نمی‌شود. به‌خصوص بعد از دوران کرونا تقریباً می‌توان گفت که هیچ خدمتی در دانشگاه‌ها می‌تواند وجود ندارد که در بستر مجازی ارائه نشود. اما سوال این است که یک ایرانی وقتی از طریق پنجره ملی خدمات وارد می‌شود با چند دانشگاه کار دارد؟ نهایتاً با یک دانشگاه بخواهد ارتباط بگیرد. در مقابل همان فرد می‌تواند وارد سایت دانشگاه خود شده و خدمات را دریافت می‌کند. پس مزیت یکپارچه شدن برای دانشجو چیست؟ درست است که ورود یکپارچه برای یک ایرانی با توجه به اینکه با دستگاه‌های مختلف کار دارد معنا خواهد داشت اما در جامعه آموزش عالی چون تقریباً امکان تحصیل همزمان در چند دانشگاه وجود ندارد و این‌طور نیست که او بخواهد از ۶ دانشگاه به‌صورت همزمان خدمت بگیرد، این مساله معنا خواهد داشت.

جواب دیگری که به این سوال می‌توان داد این است که زمانی که فردی از پنجره واحد درخواست خدمت کند، آن درخواست قابل پیگیری است. وزارت علوم این تکلیف را گذاشته که اگر ارباب‌رجوعی در آموزش عالی از طریق پنجره خدمات دانشگاهی درخواست داد ذی‌حق است و این حق را برای فرد قائل شده که بتواند پیگیری کند. دوستان ما در وزارت علوم کاملاً می‌دانند که پروژه‌ای به دستور وزیر علوم تحت عنوان شفافیت اجرا شد. زمانی که درخواستی به وزارت علوم می‌رسد باید مشخص باشد که تا چه حد مهلت انجام دارد و چقدر در انجام با تاخیر و تعجیل مواجه شده است. هوشمندی به این معناست که اگر کسی ذی‌حق است به محض اینکه ما تشخیص دادیم خودمان به او این حق را بدهیم. بستگی به تلاش همه‌جانبه ما دارد.

به دلیل نبود معماری در هوشمندسازی، شاهد رشد ارگانیک هستیم

مصطفی صالحی، مدیرکل IT سازمان امور دانشجویان:



تعریف هوشمند سازی که درحال انجام است جای ابهام دارد؛ چراکه باید در وهله اول فاز الکترونیک سازی،

دیجیتال سازی و هوشمندسازی را تعریف کنیم. عملاً امروز ما در دیجیتال سازی هستیم و الکترونیک سازی فرآیند آن‌لاین شدن است. اولین موضوعی که درباره آن صحبت می‌کنم این است که اگر پنجره واحد الکترونیک را تشکیل دهیم کاربرد اصلی آن چیست؟

موضوع دیگر اینکه در بحث‌هایی که در تحول دیجیتال یا هوشمندسازی داریم بزرگ‌ترین محور بازتعریف فرآیندهاست. سوال این است که چرا در ۲۰ سال اخیر ما تا این حد سامانه ایجاد کردیم و همچنان بدنه دولتی کوچک نشده است؟ چراخای وجود دارد که در ابتدا باید بازتعریفی نیز در حوزه خدمت داشته باشیم. در گام اول باید بازتعریفی صورت بگیرد و با توجه به این بازتعریف فرآیندها، روندها اصلاح می‌شود و البته تغییر دیدگاه نیز باید وجود داشته باشد و اگر این کارها را انجام ندهیم مشکلات ما بیشتر می‌شود. آنچه در این میان باید به آن توجه شود، مقوله رشد توسعه است و ما دو نوع رشد داریم. رشد طبیعی و ارگانیک که در گذر زمان رخ می‌دهد و شکل دیگر مربوط به رشد برنامه‌ریزی شده است. زمانی که ما معماری مربوط به این یک حوزه را نداریم دچار رشد ارگانیک می‌شویم و در اینجا معمولاً در کشور و دانشگاه‌ها با توجه به اینکه معماری و طراحی مد نظر نبوده، شاهد این نوع رشد هستیم. قطعاً باید برای ما مقوله پنجره و سیستم فناوری اطلاعات روشن‌تر باشد تا بدانیم آینده و معماری آن چیست. سومین محور نیز بحث تحول است. مهم‌ترین رمز فرآیند تحول این است که بپذیریم کجا هستیم و بدانیم که سرعت تحول را درنهایت سیستم مشخص می‌کند. یعنی ما بسیار دوست داریم که کاری را به‌سرعت انجام دهیم، اما اولاً توجه نمی‌کنیم که کجا هستیم و واقعیت‌ها را نمی‌بینیم. دانشگاه‌های ما در وضعیتی که درحال حاضر دارند می‌توانند تحول را بپذیرند؛ باید توجه کرد که تحول به‌تنهایی نمی‌تواند سرعت ایجاد کند.

تا سال آینده دانشگاه‌ها مکلفند تا با شرکت‌های مورد تایید وزارت عتف قرارداد منعقد کنند

تاجگردون: نکاتی که جناب صالحی گفتند درباره بحث فرآیندها بسیار اهمیت دارد. در مورد دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده ۵ مدیریت خدمات کشوری اسناد و برنامه دوم اصلاح نظام اداری، موضوع شناسنامه‌دار شدن خدمات



مطرح شده است. خدمات مصوب و ملاک عمل دستگاه، خدمات شناسنامه‌دار است اما در مورد دانشگاه‌ها هنوز چیزی به نام خدمات نداریم. البته در دانشگاه خدمات در سیستم‌ها تعریف شده و تنها کافی است که مستند شود. موضوع دیگری که وجود دارد اینکه آگاهی سازمان برنامه فناوری اطلاعات از معضلاتی است که در انجام یک تکلیف یا ایجاد تحول وجود دارد. البته این سازمان به صراحت به یک سری از مسائل اشاره کرده است. مثلاً سازمان برنامه مکلف است بودجه دهد، اما مصوبه جلسه ۲۳ نیز باید از طریق سازمان فناوری پیگیری شود. همچنین باید برآوردی برای تکلیف دانشگاه‌ها وجود داشته باشد. دانشگاه‌های به دلیل بودجه‌ای در حد ۱۰۰ میلیون تومان، گرفتار هستند. البته مهندس موحد گفتند که اگر وزارت علوم گزارش‌های دقیقی به ما بدهد، ما حتماً از نظر بودجه کمک می‌کنیم. ما تمهیداتی در نظر گرفته‌ایم که براساس آن تا سال آینده تمام دانشگاه‌های کشور مکلف هستند با شرکت‌هایی وارد قرارداد شوند که مجوز صلاحیت از وزارت علوم دارند. درنهایت ما استدعا داریم سازمان فناوری و اطلاعات، همان‌طور که از ما مطالبه‌گری دارد، از دیگر سازمان‌ها در قالب قوانین بودجه نیز مطالبه‌گری داشته باشد. بالغ بر یک سال از مصوبات جلسه ۲۳ می‌گذرد، اما درحال حاضر سازمان امور استخدامی و سایر سازمان‌هایی که باید وظیفه خود را انجام می‌دادند به تکلیف خود عمل نکردند. کل پروژه خدمات دولت هوشمند و دستگاه‌های شامل این پروژه شاید به ۳۰۰۰ دستگاه هم نرسند اما ما تنها ۶ هزار دانشگاه داریم. نکته دیگری که وجود دارد این است که پیش‌فرضی در سامانه احراز هویت یکپارچه وجود دارد که طبق آن تنها کسانی می‌توانند در این سامانه ثبت‌نام کنند که سیم‌کارت به نام خودشان دارند. این یعنی فرد باید بالای ۱۸ سال باشد. درحالی که برخی از مخاطبان آموزش عالی زیر ۱۸ سال هستند.

دانشگاه‌های ما به طرز تفکر شرکت‌ها وابسته هستند

فرهاد مردوخ، عضو هیات علمی دانشگاه رازی کرمانشاه:



من باید به یک سری از نکات اشاره کنم. تا به اینجا بار الکترونیکی کردن معمولاً برعهده دانشگاه بوده است. البته دانشگاه‌ها به‌عنوان شرکت‌ها وابسته شدیم و تعداد زیادی از سامانه‌ها وارد دانشگاه شده است. اگر بخواهیم مشخصه‌ای از دانشگاه را بگوییم، می‌بینیم که سازمان نظارت در سطح ملی سامانه بزرگی دارد اما در دانشگاه‌ها با تعداد زیادی سامانه و گستردگی کار مواجه هستیم. واقعیت این است که ما باید شرایط دانشگاه‌ها را متفاوت بدانیم. درست است که امروز درصدها بالای از خدمات دانشگاهی الکترونیکی است اما مشکلی که در دانشگاه وجود دارد این است که هنوز خدمات ما با چالش مواجه است و دانشجویان کامل ندارند. به‌ظن من بزرگ‌ترین مشکل تعدد سامانه‌ها و پراکندگی داده‌ها و عدم شفافیت در اطلاع‌رسانی به دانشجویان است.

تصور من این است که ما تا اینجا در نقطه خاصی ایستاده‌ایم، یعنی تا امروز این شرکت‌های اطراف وزارت علوم بودند که راه را برای آن مشخص می‌کردند، درحالی که ما امروزه دارای معماری در حوزه وزارت علوم هستیم و تصور من این است که در آینده باید مسیرها مشخص باشد و این دولت‌ها باشند که ریل‌گذاری را برای شرکت‌ها مشخص کنند.

بحث دیگر تدوین ضوابط و معماری از سمت وزارت و ابلاغ به دانشگاه‌هاست؛ موضوعی که از اهمیت بسیار بالایی برخوردار بوده و بسیار ضروری است. تصور من این است که وزارت علوم و امنیت فضای مجازی باید به این بحث ورود کند و دانشگاه‌ها نیز باید در این حوزه فعالیت داشته باشند. ما کمتر دانشگاهی را داریم که از بانک‌های اطلاعاتی دولت استفاده کند. پنجره واحد حداقل امکاناتی که می‌دهد این است که اطلاعات یکدست را در دسترس دانشگاه‌ها قرار می‌دهد.

آگهی موضوع ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر کلاسه پرونده شماره ۸۲۵-۱۸۰۰۰۸۲۴ و ۱۴۰۱۱۴۴۱۰۰۱۸۰۰۰۸۲۴ و ۱۴۰۱۱۴۴۱۰۰۱۸۰۰۰۳۳۱۹ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۰۰۱۸۰۰۰۳۳۱۹ آرای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۰۰۱۸۰۰۰۳۳۱۹ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک عباس آباد تصرفات مالکانه و بلامعارض فرشته رضانی فرزند رضانیعلی و سیدمحمد سطوتی فرزند سیدقاسم نسبت به شش دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر ساختمان (کاربری مسکونی) به مساحت ۱۹۹/۹۰ مترمربع (هریک نسبت به سه دانگ شش دانگ) قسمتی از پلاک ۲۷۲ اصلی واقع در قریه تیلورسر دهستان کلارآباد بخش ۲ حوزه ثبت عباس‌آباد خریداری از فریبا میرزابابایی و از محدوده مالکیت رسمی اسماعیل ابوالحسنی‌نژاد محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونیوب به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود و در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض و دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۲/۰۴/۱۷ - تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۲/۰۴/۳۱
م. الف- ۱۵۲۴۴۷۴
آزاد شعبانی- کفیل ثبت اسناد و املاک شهرستان عباس‌آباد

مرحله چهارم

دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب در نظر دارد مراکز انتشارات دانشگاهی خود را به اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط از طریق مزایده عمومی به‌صورت اجاره یک‌ساله واگذار نماید.

شرایط مزایده:

- ۱- واریز مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت خرید اسناد مزایده به حساب شماره ۰۷۱۴۰۰۹۰۱۱۵۸۶ بانک صادرات و شناسه واریز ۰۷۱۴۰۰۹۰۱۱۵۸۶ به نام دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.
- ۲- مهلت واریز وجه و دریافت اسناد مزایده، از تاریخ چاپ این آگهی به مدت ۱۰ روز کاری می‌باشد.

۳- مهلت تحویل اسناد تکمیل شده شامل مدارک درخواستی، فرم پیشنهاد قیمت و سپرده شرکت در مزایده که در پاکت‌های در بسته و مهر و موم شده قرار دارد، از تاریخ چاپ این آگهی به مدت ۱۰ روز کاری می‌باشد.

۴- به پیشنهادات مخدوش، مبهم و فاقد سیرده ترتیب اثر داده نمی‌شود.

۵- مبلغ سپرده شرکت در مزایده ۰۰۰/۰۰۰/۲۵۰ ریال بوده که به‌صورت ضمانتنامه بانکی یا واریز به‌صورت وجه نقد به حساب شماره ۰۷۱۴۰۰۹۰۱۱۵۸۶ نزد بانک صادرات به شناسه واریز ۰۷۱۴۰۰۹۰۱۱۵۸۶ به نام دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب ارائه گردد.

۶- سپرده نقرات دوم و سوم تا زمان انعقاد قرارداد با نفر اول،

عودت داده نخواهد شد.

۷- محل دریافت اسناد مزایده: خیابان ایرانشهر شمالی - خیابان آذرشهر - پلاک ۳۳ - طبقه پنجم - دفتر خدمات عمومی می‌باشد.

۸- پاکت مهرموم شده حاوی مدارک را پس از تکمیل نمودن به آدرس: تهران - خیابان ایرانشهر - نشن خیابان آذرشهر - پلاک ۳۳ - دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب طبقه هشتم - اداره کل حراست، تحویل و رسید دریافت نمایند.

تلفن تماس: ۰۶۰۷-۸۸۸۴۰۶۰۷-۸۳۸۴۳۴۲۹

دانشگاه در ردیا انتخاب هر یک از پیشنهادهات اختیار تام داشته و هزینه آگهی در دوروزنامه بر عهده برنده مزایده می‌باشد.



عضویت ایران در سازمان شانگهای نشان دهنده عزم اعضای اصلی این سازمان برای مقابله با تجاوزطلبی آمریکا است

شمشیر شانگهای علیه غرب

سردار قائنی: انتقال قدرت از شرق به غرب عملیاتی شده است



سید مهدی طالبی خبرنگار گروه بین الملل

چین به طور مستقیم و غیرمستقیم (توسط کره شمالی) در حال مهار کره جنوبی و ژاپن است و همزمان می کوشد با برقراری ارتباطات عمیق با کشورهای مانند ميانمار، سیطره خود بر شرق آسیا را گسترده تر سازد. روسیه در اوکراین جنگی بزرگ علیه اروپا را رهبری می کند و همزمان ایران با مجبور ساختن آمریکا به ترک افغانستان درصد تکمیل اخراج این کشور از عراق و سوریه و گسترش این اخراج به دیگر مناطق غرب آسیاست.

به موازات این تحولات ژئوپلیتیکی، چین از نظر اقتصادی در حال تبدیل شدن به وزنه ای برابر با آمریکا است و سرمایه گذاری های کلانی را برای برابری نظامی می و واشنگتن انجام داده است. ایران نیز با توجه به طراحی و تولید موشک پیشرفته هایپرسونیک و تبدیل شدن به چهارمین کشور پس از روسیه، چین و آمریکا در ساخت موفق این موشک ها، جایگاه نظامی خود را مشخص کرده و در پیوند با پیروزی های ژئوپلیتیکی محور مقاومت در جنگ های اخیر منطقه ای از جنگ ۳۳ روزه گرفته تا جنگ در سوریه و یمن، در حال تبدیل شدن به قدرتی شگرف است. چین و روسیه - که مانند ایران اکنون با تحریم های غرب مواجه هستند - به دنبال رشد باشگاه کشورهای هستند که برای ایجاد یک جهان چندقطبی و ایالات متحد کمر قوت در تلاش می کنند. در همین حال افزایش همکاری و راهبردی شدن روابط میان چین، روسیه و ایران به عنوان سه قدرت شرقی، نوید دهنده تکمیل روند تغییر نقطه ثقل قدرت در جهان است؛ نقطه ای که برای مدت ها در غرب وجود داشت و پس از مدتی از اروپا به عضو دیگری از غرب در آمریکا انتقال یافته بود.

بر همین اساس بود که سردار اسماعیل قائنی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی چهارشنبه هفته گذشته (۱۴ تیر) در جریان سخنرانی در افتتاحیه طرح ملی «اعلا» ضمن اشاره به انتقال نرم قدرت از غرب به شرق تأکید کرد: «چین در حال ورود به حوزه هایی است که هیچ وقت به آن وارد نمی شد زیرا این حوزه ها متعلق به آمریکا بود.» فرمانده نیروی قدس با

اشاره به نقش انقلاب اسلامی در تحمیل شکست به آمریکا که باعث شکل گیری روند تغییر قدرت در جهان شد، اظهار داشت: «ایران باید با هشیاری در زمان مناسب وارد قطار انتقال قدرت در جهان شود.»

شرق و شانگهای تهاجمی تر می شوند؟

عده ای معتقدند سازمان شانگهای همانند گذشته به دنبال تشدید تنش با غرب نیست و ایران نیز با پیوستن به این سازمان کمکی از سوی اعضای برای مقاومت در برابر آمریکا دریافت نخواهد کرد. اما این ادعا با مواضع چین و روسیه در سال های اخیر چندان همخوانی ندارد. به عنوان نمونه در نشست سمرقند، ششی جین پینگ تلاش کرد تا چهارچوبی سیاسی برای نشست فراهم کند. او از رهبران سازمان همکاری شانگهای خواست تا علیه «انقلاب های رنگی» مقابله کنند. رهبر چین گفت چنین جنبش هایی از خارج هدایت می شوند. اشاره او به تحركات آمریکا در برخی کشورها برای سرنگونی حکومت بود.

برای مدت ها چین و روسیه به عنوان دو ستون اولیه تشکیل دهنده سازمان شانگهای، با تأسیس این سازمان تنها به دنبال پناه گرفتن در قالب آن بوده و از هرگونه تنش زایی با غرب پرهیز می کردند. این پرهیز از تنش، سیاست چین و روسیه بود که بر سازمان شانگهای تأثیر می گذاشت. با این حال در شرایط کنونی نیز عده ای با یک اشتباه در تشخیص که بر مبنای تحلیل شخصی است، معتقدند شانگهای با توجه به رویکرد سنتی خود دست به تنش زایی در برابر آمریکا نخواهد زد. اما سوال اینجاست در شرایطی که چین و روسیه در تنش هایی گرم با آمریکا قرار دارند، به چه دلیل باید شانگهای که چیزی جز اعضای آن نیست، بی طرف باشد؟ در نشست سمرقند روسیه تلاش کرد تا سازمان همکاری شانگهای را به نوعی ضداتحاد معرفی کند. پیشنهاد برگزاری رزمایش نظامی مشترک در خاک روسیه در همین راستا قابل ارزیابی است. مسکوسازمان همکاری شانگهای راهسته اصلی بلوک ضد غربی به رهبری چین و روسیه می داند.

عضویت ایران در شانگهای، آن هم در شرایط جریان داشتن سیاست فشار حداکثری و در دوره ای که دولت آن فاصله قابل توجهی با غرب دارد. در قیاس با سیاست های

غرب دوست سلطه دولت روحانی - چیزی به معنای ابزار آمادگی شانگهای برای تغییر نقطه ثقل قدرت در جهان نیست.

علیرغم ادعای بسیار درباره عدم تمایل شانگهای به تنش با غرب و بهره نبردن ایران از عضویت در این سازمان به دلیل عدم پیوستن به FATF، تهران توانسته حجم صادرات خود به کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای را در سال ۱۴۰۰ به نسبت سال ۹۹ بیش از ۶ میلیارد دلار افزایش دهد.

چرا عضویت در شانگهای جذاب و ضروری بود؟

عضویت ایران در سازمان شانگهای تا مدت ها به دلیل تمایل چین و روسیه به حفظ فضای آرام روابط شان با غرب، میسر نبود. با تهاجمی تر شدن رویکرد غرب علیه قدرت های شرقی که تاکنون به کشیده شدن روسیه به یک جنگ گرم از سال ۲۰۱۴ و در سطح وسیع تر از سال ۲۰۲۲ منجر شده است، این فضا شکسته شده و قدرت های شرقی به اجماع درباره لزوم مقابله با غرب دست یافته است. از سوی دیگر تهران نیز دیگر یک عضو موثر منطقه غرب آسیا نیست و از سطح یک قدرت متوسط منطقه ای به یک قدرت مستسط منطقه ای با توانمندی های بین المللی رسیده است؛ جایگاهی که نادیده گرفتن آن را از این به بعد ناممکن کرده است.

اما چرا عضویت ایران در شانگهای جذاب و ضروری شده است؟ ایران رهبری محور مقاومت متشکل از عراق، سوریه، لبنان و یمن را بر عهده دارد و همزمان به دلیل رهبری اش بر نهضت های آزادی بخش از آمریکای لاتین گرفته تا آفریقا، از قدرت اثرگذاری های منطقه ای و فرامنطقه ای شگرفی برخوردار است. تهران مدت ها برای تشکیل این محور تلاش کرده و زحمتهایی را تحمیل شده است.

سازمان شانگهای قبل از عضویت ایران متشکل از چین، روسیه، منطقه آسیای میانه (به جز ترکمنستان) و شبه قاره هند (هند و پاکستان) بود. با پیوستن ایران، این سازمان جنبه ای غرب آسیایی نیز یافته و یک گام به لحاظ جغرافیایی به غرب و محیط جنوبی اروپا نزدیک تر می شود؛ چه اینکه تهران در حال تبدیل شدن به قدرتی مسلط در غرب آسیاست و عضویت آن را نه انفرادی بلکه باید در سایه رهبری اش بر محور مقاومت دید.

موفقیت ایران در ضربه به استقرار نظامی آمریکا باعث شد توانمندی های ایران در این حوزه به اثبات برسد. جنگ اول خلیج فارس که در آن آمریکا با کشتادن ۷۰۰ هزار نیروی غربی به منطقه رژیم صدام را سرکوب کرد، هدفی فراتر از عراق داشت و به روس ها، چین و دیگران قدرت بالای نظامی آمریکا و توانایی این کشور در به کارگیری آن در مناطق دوردست را نشان داد؛ به همین دلیل عده ای جنگ نخست خلیج فارس در آستانه فروپاشی شوروی را اعلام دوره تک قطبی توسط واشنگتن می دانند. اشغال افغانستان در سال ۲۰۰۱ و عراق در سال ۲۰۰۳ نیز چنین کارکردی را داشت. با این حال ایران دومین تهاجم آمریکا در منطقه را برهم زده و سرمایه گذاری ۷ تریلیون دلاری این کشور را بر باد داد. ایران که پیروزی اش بر آمریکا در افغانستان، عراق و به طور ویژه تری سوریه به اثبات رسیده جایگاهی متفاوت با گذشته دارد. همگان همراهی ۷۰ کشور با معارضان سوریه را به یاد دارند، جایی که قدرت های غربی و منطقه ای با سکوت ابتدایی روسیه و به ویژه چین به دنبال ساقط ساختن دولت این کشور بودند اما پایداری ایران باعث ورود روسیه به جنگ و سپس همراهی چین با این پروژه شد و در نهایت ائتلاف غرب شکست خورد.

ایران در حال تبدیل شدن به یک قدرت هسته ای است. قدرت هسته ای ایران ویژگی های متمایزی با تعدادی از کشورهای هسته ای مانند کره شمالی، پاکستان و حتی هند دارد. قدرت هسته ای در حفاظت از سرزمین ایاز زندگی هسته ای به حساب آمده و در صورت توانایی یک کشور برای حضور فراسرزمینی برای آن به مثابه «چتر هسته ای» عمل خواهد کرد. هند، پاکستان و کره شمالی تقریباً مجراهای کمی برای حضور فراسرزمینی خود یافت می کنند و به همین دلیل بیشتر بر بازآ زندگی هسته ای متمرکزند اما ایران که مدت ها پیش از ظرفیت هسته ای خود دارای برنامه حضور فراسرزمینی بوده، استفاده سطح بالایی از چتر هسته ای خواهد داشت. از این رو هسته ای شدن ایران یک تفاوت بزرگ با هسته ای شدن کشورهای مزبور داشته و به معنای تولید یک قدرت بزرگ در جهان است.

ایران تا پیش از انقلاب یک وارد کننده صرف توسعه بود. تهران بدون آنکه قادر به ایجاد زیرساخت ها یا

سازمان آگهی های روزنامه فرهیختگان
Advertisement's Organization
تلفن وفکس: ۰۲۱) ۶۲۹۹۹۹۹۰
تماس با ما:
a66348018@gmail.com

نوبت اول آگهی مزایده عمومی یک مرکز حله ای

۵- تاریخ بازدید: از تاریخ ۱۴۰۲/۴/۱۸ لغایت ۱۴۰۲/۴/۳۱ می باشد.
۶- زمان باز گشایی پاکت ها: پیشنهادات واصله راس ساعت ۱۰ صبح روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۲/۵/۳ در کمیسیون مزایده واقع در دفتر مدیریت بیمارستان باز و قرائت خواهد شد.
۷- میزان ونوع تضمین شرکت در مزایده: به صورت ضمانتنامه بانکی با واریز وجه نقد مبلغ تضمین: ۱۵۲۴۰۰۰۰۰۰ ریال (معادل یکصد و پنجاه و دو میلیون و چهارصد هزار تومان)
۸- شماره حساب سپرده ۷۱۴۷۳۸۶۰۷۱۴۷۳۸۶ و شماره شای ۳۶۰۷۱۴۷۳۸۶-۰۱۰۹۹۹۹۰۰۰ نزد بانک مرکزی به نام مرکز آموزشی، پژوهشی، درمانی سل و بیماری های ریوی دکتر مسیح دانشجویی، باستان به دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی
۹- شماره فراخوان در سامانه ستاد ایران ۵۰۲۰۰۵۸۶۰۰۰۰۰۰۱ می باشد.
۱۰- هزینه انتشار آگهی و مبلغ کارشناسی به عهده برنده مزایده می باشد.

مرکز آموزشی، پژوهشی و درمانی سل و بیماری های ریوی دکتر مسیح دانشجویی
وابسته به دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی
مرکز آموزشی، پژوهشی و درمانی سل و بیماری های ریوی دکتر مسیح دانشجویی

در نظر دارد محل بوفه بیمارستان واقع در رویرویی ساختمان اورژانس و نیز محل بوفه ساختمان امام حسن مجتبی (ع) را به اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی www.setadiran.ir واگذار نماید.
۱- موضوع مزایده: واگذاری محل بوفه بیمارستان به مقدار تقریبی ۹۰ متر مربع و محل بوفه ساختمان امام حسن مجتبی (ع) به مقدار تقریبی ۱۷/۳ متر مربع
۲- زمان انتشار در سایت: از ساعت: ۸ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۴/۱۷
۳- مهلت در یافت اسناد مزایده: تا ساعت ۱۶ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲/۴/۲۱
۴- آخرین مهلت بازگذاری پیشنهادها: تا ساعت ۱۶ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۲/۵/۲

آگهی تجدید مزایده عمومی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه در نظر دارد محل بوفه های دانشجویی خود را با مشخصات ذیل:

ردیف	محل بوفه	متراژ-متر مربع	شرایط	قیمت پایه/ریال
۱	طبقه همکف خوابگاه دانشجویی واقع در مجتمع آیت الله هاشمی رفسنجانی، به نشانی کیلومتر ۲ جاده فرودگاه؛	حدوداً ۸۹	شامل محل فروش اغذیه و سالن غذاخوری و دارای آب، برق و گاز مشترک با ساختمان خوابگاه؛	۹۰/۰۰۰/۰۰۰
۲	بوفه شماره دو، ویژه خواران، واقع در محوطه مجتمع آیت الله هاشمی رفسنجانی، به نشانی کیلومتر ۲ جاده فرودگاه؛		یک دستگاه کانکس و محوطه مجاور یادمان شهدای گمنام دارای برق و بدون آب و گاز شهری	۱۴۰/۰۰۰/۰۰۰

به صورت استیجاری و منظور فروش کالا و خدمات به دانشجویان، کارکنان و اساتید به اشخاص حقیقی واجد شرایط واگذار نماید. لذا کلیه اشخاصی که تمایل به شرکت در این مزایده دارند دعوت می شود جهت خرید اسناد با در دست داشتن مدارک شناسایی به دفتر امور حقوقی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه مراجعه نمایند.
میزان سپرده یا ضمانتنامه شرکت در مزایده معادل مبلغ ۱۴۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال، هزینه خرید اوراق مزایده معادل ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال، فیش واریزی به شماره حساب ۷۸۲۲۱۱۹۲۷۷۰۹۳، ۷۸۲۲۱۱۹۲۷۷۰۹۳ می باشد. IR۴۲۰۶۰۰۰۷۸۲۲۰۱۱۰۰۹۲۷۷۰۹۳، بانک مهر ایران در وجه دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه می باشد. ضمناً هزینه درج آگهی های مزایده بر عهده برنده مزایده می باشد. سایر شرایط مندرج در اوراق مزایده می باشد. کلیه پیشنهادات واصله حداکثر تا مورخ ۱۴۰۲/۵/۲۴ توسط کمیسیون معاملات واحد ارومیه بازگشایی و متعاقباً برنده اعلام می گردد.
زمان فروش اسناد توسط امور حقوقی دانشگاه و رویت محل های مورد مزایده: از تاریخ ۱۴۰۲/۴/۱۷ لغایت ۱۴۰۲/۴/۲۴ لغایت اسناد به دبیرخانه دانشگاه: از تاریخ ۱۴۰۲/۵/۰۹ لغایت ۱۴۰۲/۵/۱۸
دانشگاه در رد یا قبول پیشنهادات و انعقاد قرارداد مختار است و کلیه پیشنهادات مبهم و مشروط مردود خواهد بود. دانشگاه در قبول یا رد هر یک از پیشنهادات مربوط به ردیف ۱ تا جدول فوق دارای اختیار می باشد. دانشگاه اختیار دارد برای هر یک از بوفه ها یا هر دوی آنها به هر یک از شرکت کنندگان که قیمت بیشتری را پیشنهاد داده باشد قرارداد منعقد نماید. شرکت در مزایده و دادن پیشنهاد به منزله قبول اختیارات و تکالیفات دانشگاه مزایده گذار است.
آدرس: ارومیه- کیلومتر ۲ جاده سلماتس مجتمع آیت الله هاشمی رفسنجانی (شماره ۳) دانشگاه آزاد اسلامی
تلفن: ۰۴۴-۳۱۸-۳۳۶۴۰. زمان درج آگهی ۱۴۰۲/۴/۱۷

روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی
برابر رای اصلاحی شماره ۱۴۰۲/۳/۳۶ مورخ ۱۴۰۲/۳/۳۰ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بهشهر تصرفات مالکانه و بالعروض نبردهاتش فرزند سیدمهدی نسبت به شش دانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مشتمل بر ساختمان کاربری باغ با شرط مترمربع قسمتی از پلاک ۱۰۸ فرعی از ۳۱- اصلی به شماره کلاس ۱۴۰/۱۶۷۰ واقع در اراضی فراش محله بخش ۱۷ ثبت بهشهر مع اراضی از مالک رسمی حبیب الله ملک پور محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۴ روز آگهی

آگهی موضوع ۳ قانون و ماده ۱۱ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی
برابر کلاسه پرونده شماره ۱۴۰۲/۳/۳۶ مورخ ۱۴۰۲/۳/۳۰ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بهشهر تصرفات مالکانه و بالعروض نبردهاتش فرزند سیدمهدی نسبت به شش دانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مشتمل بر ساختمان کاربری باغ با شرط ممنوعیت تغییر هرگونه کاربری اراضی باغ) به مساحت ۲۱۱/۵۰ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۰۸ فرعی از ۳۱- اصلی واقع در قره اسب چین دهستان لنگابخش ۲ حوزه ثبت عباس آباد دارای سند مالکیت مشاعی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۴ روز آگهی می شود و در صورتی که اشخاص نسبت به صورت سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماهه اعتراض و دادخواست خود را به مراج قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۲/۴/۳۰
تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۲/۴/۱۷
م الف- ۱۵۱۴۶۶۴
آژاد صالحی - کفیل ثبت اسناد و املاک عباس آباد

آگهی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۱ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی
نظیر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و ساختمان های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۳ املاک متقاضیانی که در هیئت موضوع این آگهی رای هیئت تصاق تاد صورتی که اشخاص ذینفع ثبتی امل مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بالعروض آنان محرز ووی لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد.
املاک متقاضیان واقع در بخش سه ثبت امل - دهستان دشت سر ۳۳- اصلی (قره باغ پازیرکلا)
۱۰۳۸۷ فرعی از ۱۶ فرعی از ۳ فرعی آقای اکبر محمدرزاده در شش دانگ یک قطعه زمین به مساحت ۴۶۷۹۰ مترمربع جهت جمعیت پلاک فوق با پلاک ۱۲۴۲ فرعی از ۳۳- اصلی بخش ۳ می باشد. خریداری شده بلا واسطه از غلامحسن محمدرزاده و مع الواسطه از علی خاتوند و مالک رسمی بانوما روحانی اذشیری

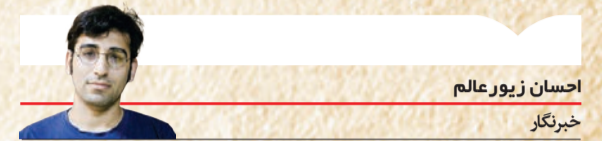
آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی
لذا به موجب ماده ۳- قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده آیین نامه مربوطه این آگهی در دونوبت به فاصله ۱۴ روز از طریق این روزنامه محلی کثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روزها علاوه بر انتشار آگهی رای هیئت التصاق تاد صورتی که اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روزها تا تاریخ الصاق در محل تا دو ماهه اعتراض خود را به اداره ثبت محل و قوع ملک تسلیم و رسیده اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ملباتر به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موقوف به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست را به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت ملباتر به صورت سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه به دفتر به دفتر به دادگاه نیست. بدیهی است برابر ماده ۱۳ آیین نامه مذکور در مورد قسمتی از املاک که قبلاً اظهارنامه ثبتی پذیرفته نشده و احد ثبتی با آرای هیئت پس از تنظیم اظهارنامه حاوی تحدید حدود مراتب در اولین آگهی نوبتی و تحدید حدود به صورت همزمان به اطلاع عموم می رسند و نسبت به املاک در جریان ثبت و فاقد سابقه تحدید حدود و احد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می نماید.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۴/۳۰
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۴/۱۷
م الف- ۱۵۱۴۹۶۶
حسن صالحی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک امل

مدرك فارغ التحصيلی اینجانب احسان مطلبی نژاد فرزند علی به شماره ملی ۴۸۷۹۶۴۹۴۴۹ در مقطع کاردانی ناپیوسته رشته بهداشت محیط صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم پزشکی بقیه الله مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی علوم پزشکی بقیه الله به نشانی تهران خيابان ملاصدرا دانشگاه آزاد اسلامی علوم پزشکی بقیه الله کد پستی ۱۴۲۵۱۱۶۴۷۱ ارسال نماید.
مدرك فارغ التحصيلی اینجانب سیدمحمدعلی میریان فرزند سیدمرتضی به شماره ملی ۱۲۸۹۶۷۵۸۶۴ در مقطع کاردانی ناپیوسته رشته بهداشت حرفه ای صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم پزشکی بقیه الله مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی علوم پزشکی بقیه الله به نشانی تهران خيابان ملاصدرا دانشگاه آزاد اسلامی علوم پزشکی بقیه الله کد پستی ۱۴۲۵۱۱۶۴۷۱ ارسال نماید.
مدرك فارغ التحصيلی اینجانب فوزبه عزیز فرزند فیض الله به شماره شناسنامه

صدای نخبگان، نگاه جوانان FARHIKHTEGAN
روزنامه فرهیختگان WWW.FDN.IR
farhikhteganonline

چه فیلم‌هایی در سال ۵۸ اکران شدند

روز از نو، روزی از نو



احسان زیور عالم خبرنگار

پس از استقرار نیروهای انقلابی در بروکراسی سینمای کشور، برای رسیدن به دوران تثبیت نیاز به بخش فیلم‌های ایرانی بود. قوانین پخش

فیلم تغییر کرده بود و بخش مهمی از فیلم‌های محبوب ممنوع شده بودند. نه خبری از «شعله» بود که آن سال‌ها برایش صف‌های طولی می‌یستند و نه خبری از «برس لی» که شاید انگیزه‌های خرابکارانه را تقویت می‌کرد. چند فیلم آمریکایی بود و اندکی فیلم بلوک شرقی و مستندهایی که همه بازتاب انقلاب بودند. برای احیای سینما نیاز به فیلم سینمایی بود اما اندک زمانی بعد از پیروزی انقلاب امکان ساخت

فیلم جدید ممکن نبود؛ پس همه چیز برای دگرگونی فیلم‌های جامانده از اکران پیش‌انقلاب مهیا شده بود. فیلم‌هایی که با چند نمای جدید و استفاده از تصاویر تازه از اثر متعلق به عصر پهلوی بدل به اثری انقلابی شده بودند. در این قسمت تلاش داریم صرفاً به معرفی این آثار بپردازیم تا در گام بعدی مهم‌ترین آثار و تأثیرشان بر آینده سینمای ایران را

بررسی کنیم. سال ۱۳۵۸ تنها دو فیلم تولید می‌شود. الباقی محصولات پیش‌انقلابی است که حالا باید از صافی تازه‌ای عبور می‌کردند. گزارش‌ها درباره تعداد این آثار متنوع است اما طبق پژوهش جمال امید، ۳۹ فیلم در صفا اکران بودند و ۲۴ عنوان نیز در مرحله ترمیم و تهیه. با این حال همه این آثار امکان اکران نیافتند و ما در اینجا به آثار اکران شده می‌پردازیم.

فریاد مجاهد



«فریاد مجاهد» به کارگردانی مهدی معدنیان و تهیه‌کنندگی ستار هریس داداش‌زاده، نخستین فیلم اکرانی پس‌انقلاب بود. فیلم شه‌ریور ۵۸ اکران شد تا محمود کوشان، از چهره‌های شاخص سینمای فارسی بگوید، کارگران فنی استودیوها و بازیگران دست‌چندم... ناگهان همه کاره سینما شدند. اشاره او به داداش‌زاده مشهور به فیروز بود که پیش‌تر در نقش‌های منفی اکشن ظاهر شده بود. فیلم‌سراآغاز سینمای «فیلمفارسی انقلابی» و روایتگر تلاش‌های علی نجاتی (بهمن مفید) برای حرکت انقلابی مسلحانه پس از وقایع خرداد ۴۲ بود. فیلم که با سخنرانی یک روحانی در فضای دینی علیه شاه آغاز می‌شود بدون داشتن یک خط سیر منطقی با اعدام علی در مقام انقلابی مذهبی به همراه چند انقلابی چپ‌گراست. البته فیلم بعدها لقب اولین فیلم جنجالی سینمای ایران را هم یکدک کشید که در شماره‌های پیشین به داستان توقیف آن با دخالت مسعود کیمیایی اشاره شده بود. فیلم در همان لحظات ابتدایی انقلاب با مشورت با آیت‌الله محمد یزدی رقم خورد و با اکرانش با استقبال عموم همراه شد. فریاد مجاهد موفق به کاشتن برخی از کلیشه‌های آینده سینمای انقلابی شد، هرچند سازندگان آن بعدتر با ممنوعیت فعالیت سینمایی مواجه شدند.

پرواز به سوی مینو



«پرواز به سوی مینو» به کارگردانی تقی کیوان سلحشور و به قلم عسگر قدس، محصول سازمان سینمایی تعاون بود که توسط گروهی جوان عشق سینما شکل گرفته بود. عنوان فیلم هم اسم رمزی بود که ساواک برای تیرباران مخالفان نظام پهلوی استفاده می‌کرد. حبیب اسماعیلی و اکبر یادگاری نیز ستارگان فیلمی بودند که ۹۸ اکران در سینماها اکران شد. فیلم که روایت کتایفروش شدن کارگری اخراج‌شده و حبس کشیده است، برخلاف فریاد مجاهد با استقبال مخاطبان روبه‌رو نشد. در این فیلم نیز همانند فریاد مجاهد قهرمان فیلم در انتها توسط دژخیم تیرباران می‌شود، آن هم به جرم موفقیت در ربایش یکی از روسای ساواک. منتقدان فیلم آن را اثری شبیه به فیلم‌های جیمزباند توصیف کردند که صرفاً با چند شعار مرگ بر شاه اثری انقلابی شده بود.

مرد خدا، زر خرید



رضاصفايي رکورددار ساخت فیلم در ایران بود و شاید اگر انقلاب نمی‌شد او این رکورد را برای پس از انقلاب نیز از آن خود می‌کرد. با پیروزی انقلاب از او دو فیلم روی پرده می‌رود. اولین آن «مرد خدا» براساس فیلمنامه مهدی معدنیان از ۲۷ فروردین ۵۸ اکران شد. فیلم با حضور منوچهر وثوق و بدالله شیراندازی، روایت مالک چند خانه (شیراندازی) است که مجموعه‌ای از مستأجران زیر لوایش زندگی می‌کنند، مستأجرانی که هر یک نماینده تپ‌های مرسوم فیلم‌های فارسی هستند. فیلمبرداری فیلم پس از انقلاب به پایان رسید و رویکرد سنت‌گرا و مذهبی درون فیلم که با تأکید بر حجاب و تغییر فضای سیاسی همراه شده بود امکان اکرانش را مهیا کرد. «زر خرید» نیز با حضور منوچهر وثوق چیزی شبیه به مرد خدا بود که با حذف چند صحنه امکان اکرانش پدید آمد. رضا صفايي در کتابش، «من و سینما» می‌نویسد این جنگ بود که مانع از ادامه اکران فیلم‌هایش شد و البته ادامه فیلمسازی اش.

بر فراز آسمان‌ها



اگرچه نام فردین در تاریخ سینمای پس از انقلاب به نوعی به «برزخی‌ها» خلاصه شده اما واقعیت این است که پس از انقلاب این «بر فراز آسمان‌ها» است که فردین را برای دنیای پس‌انقلاب برای اندک زمانی تثبیت می‌کند. فیلم به کارگردانی خود او و محصول تغییر رویه‌اش پس از سال ۵۳ است که دیگر در فیلمفارسی نقش آفرینی نکرد. فردین فیلم را براساس متن احمد بهیمنی می‌سازد که در واقع اقتباسی از فیلم هندی «پرستش» شاکتی سامانتا بود. قصه فیلم هم داستان رامین (فردین)، خلبانی است که به آینه (گلی زنگنه) دل می‌بازد و نتیجه عشق‌شان پسری است که با مرگ رامین، به دست مادرش به پرورشگاه سپرده می‌شود. آینه بابت قتل به زندان می‌افتد و پس از آزادی با پسرش (فردین) روبه‌رو می‌شود و همه چیز به صورت هندی رقم می‌خورد. فیلم اثری ضعیف بود و مورد توجه منتقدان قرار نگرفت، برای مثال جمال امین‌زکیب بازیگرهای فیلم را ناکارآمد توصیف کرد. فیلم پیش از انقلاب آماده بود و اکران نشدنش به جهت اعتصاب اهالی سینما بود که از قضا فردین درصد آن اعتصاب بود. فیلم بهمن ۵۸ اکران می‌شود اما با اقبال چندانی روبه‌رو نمی‌شود تا آخرین کارگردانی فردین در همان نقطه رقم بخورد.

سرخپوست‌ها

غلامحسین لطفی پیش از انقلاب، با تأسی از زندگی سیاه‌لشگران کوچه ارباب جمشید، تصویری تلخ از زندگی عشق‌بازگیری‌هایی می‌سازد که پایان رویاهایشان، کابوسی است دهشتناک. فیلم با بهره‌گیری از تصاویری مستند از حضور چند ستاره و مواجهه آنان با سیاهی‌لشگران، ۲۸ آذر ۵۸ اکران می‌شود و با وجود استقبال مخاطب، از سوی جامعه نقد، منکوب می‌شود. اما تاریخ نوع دیگری برای «سرخپوست‌ها» رقم خورد. لطفی قید کارگردانی را تا سال ۷۴ می‌زند و بدل به بازیگر سینمای کم‌دی می‌شود؛ اما دیده شدن فیلمش پس از سال‌ها همچون کشفی از دل تاریخ بود. با تغییرات فرهنگی پس از دوم خرداد، «سرخپوست‌ها» به اثری کالت بدل شد و نقش آفرینی مجید مظفری و پرویز فنی‌زاده بدل به نقطه عطفی در سینمای ایران می‌شود تا نام فیلم در فهرست بهترین آثار ایرانی منتقدان قرار گیرد.

فریادرس/حق و ناحق



اگر تصور می‌کنید در سینمای پس‌انقلاب رضا صفايي با دو فیلم رکورددار است، در اشتباهید. عزیز رفیعی نیز با دو فیلم به این مهم دست می‌یابد. «فریادرس» و «حق و ناحق» با فاصله اندکی از هم در تیر ۵۸ اکران می‌شوند که هر دو بر همان سیاق آثار رفیعی بود. حق و ناحق، داستان حیدر مسلمی (بهمن مفید) است که در مسیر سفر به مشهد با زنی جوان (مستانه جزایری) روبه‌رو می‌شود که در امازاده‌ای استغاثه می‌کند. زن که اسیر فاحشگی است به کمک حیدر نجات پیدا می‌کند. از آن سو برادر حیدر، احمد (منوچهر وثوق) نیز در سفری خواهر دوقلوی مرجان، زن نجات‌یافته را می‌بیند و دل‌باخته او می‌شود. فیلم بر سیاق آثار فارسی با عروسی و دعوا با گروه‌های ارادل دنبال می‌شود و البته فاش شدن حقیقت خواهران دوقلو. فیلم تلاشی بود برای تقبیح روسپگری و تکریم باکرگی که شاید همین دوگانه با رویکرد امر به معروفی و نهی از منکر حیدر و احمد، بردارن درست‌کار فیلم شناس اکران پس‌انقلابی فیلم را فراهم کرده بود. فریادرس نیز با حضور بهمن مفید، روایتی از زلزله بوئین‌زهراست که طی آن مردی خیر و باایمان (بهمن مفید) با یاری مردم و جمع‌آوری اعانه، به کمک زلزله‌زدگان می‌رود. وی در برانهای کودکی را می‌یابد که همه فامیلش را از دست داده است. مرد، کودک را میان خانواده خود می‌برده و عهده‌دار تعلیم و تربیتش تا جوانی و مرحله‌ای می‌شود که خود او تشکیل خانواده می‌دهد.

نفس تیر



آخرین تلاش خانواده کوشان در سینمای ایران در استودیو پارس فیلم، مهر ۵۸ اکران شد. فیلم داستان قاچاقچی سابقه‌داری به نام صادق سرداری (رضایک ایمانوردی) است. احمد پیمان (شهرزاد رامتین)، فرمانده جدید پاسگاه، که با همسرش تازه به منطقه منتقل شده است، موقع تعقیب صادق زخمی می‌شود. صادق او را به بیمارستان می‌رساند و توسط مأموران دستگیر می‌شود اما در دادگاه تبرئه و همدستش متهم می‌شود. صادق در درگیری دیگری موقع فرار، همسرش را از دست می‌دهد و فرزندی را که همسرش پیش از مرگ به دنیا آورده به احمد می‌سپارد و به زندان می‌رود. ۱۰ سال بعد صادق سرافرازند می‌رود و مجاب می‌شود پسرش نزد احمد بماند و به دنبال پولی می‌رود که پیش از زندانی شدن به رفیقش داده است. دوستش از پرداخت پول طفره می‌رود و پسر احمد را گروگان می‌گیرد. صادق و احمد با او درگیر می‌شوند و صادق با ضربه چاقویی زخمی می‌شود و در آغوش احمد جان می‌دهد. مرگ صادق در آغوش احمد شاید استعاره‌ای از مرگ فیلمفارسی در آغوش موسسان آن، یعنی برادران کوشان بود.

جنگ اطهر



محمدعلی نجفی به همراه گروهی از همفکرانش در حسینیه ارشاد پیش از انقلاب دفتر آیت‌فیلم را تاسیس می‌کند و محصول اولین تلاشش «جنگ اطهر» می‌شود. فیلم براساس فیلمنامه محمود استاد محمد، داستان اطهر (فرامرز قریبان) معلم مدرسه‌ای است که در تلاش برای برپای یک نمایش است اما با مخالفت مدرسه و البته توصیه ساواک نمایش توقیف می‌شود. بازرگی اصلی نمایش، فتاح اما درگیر مشکلات خانوادگی است. عمویش او را مجبور به کار در میکده می‌کند و این با نگرش مذهبی فتاح در تضاد است. اطهر در تلاش برای نجات دانش‌آموزش جانش را از دست می‌دهد. فیلم با تمام ضعف‌هایش اما اثر مهمی است. وقتی در سال ۵۸ اکران می‌شد این تصور را پدید نمی‌آورد که قرار است ۲۰ سال آینده سینمای ایران بر مبنای این فیلم گذاشته شود. آیت‌فیلم هسته اصلی سازمان سینمایی فارابی می‌شود و سازندگان آن برخلاف تمام کارگردانان آثار اکرانی سال ۵۸ هیمنه خود را بر سینمای ایران سوار می‌کنند. تپ‌های درون فیلم در دنیای سینمای پس از انقلاب تکثیر می‌شوند و حتی فرم‌روایی آن واسطه‌ای برای بهره‌مندی از امکانات دولتی در ساخت فیلم می‌شود.

تکیه بر باد



فیلم ساخته فریدون زورک بود که اساسا برای همسرش، مرجان، خواننده مشهور آن دوران فیلم می‌ساخت. «تکیه بر باد» با حضور مرجان داستان ابراهیم عسکری، جوان آسمان جلی است که دختری به نام مریم را در آستانه خودکشی نجات می‌دهد. مریم بتیم صاحب ثروتی موروثی است که در تصاحب عمویش قرار گرفته است. پس کل فیلم روایت جدال‌های ابراهیم و مریم برای رسیدن به هم و البته ثروتی است که باید به دست صاحبش برسد. فیلم که شاید در عصر پهلوی جوان بسند به حساب می‌آمد، با وجود حضور مرجان با شکست تجاری به کارش پایان می‌دهد و زورک منهای بازی در فیلم روز شیطان (۱۳۷۳) از سینمای ایران حذف می‌شود.

برادر کشی

ایرج قادری در سال‌های پایانی دوره پهلوی پرکار بود و عجیب نیست پای یک فیلمش هم به دنیای پس‌انقلاب باز شده باشد. فیلم او آخرین فیلم سال ۵۸ است و داستانش اقتباس فیلمفارسی‌وار از «رومئو و ژولیت» شکسپیر است. دو خانواده، به دلیل قتل که بین‌شان اتفاق افتاده، اختلاف دیرینه و کینه‌ریشه‌داری دارند. با این حال سام و بلقیس، پسر و دختری از این دو خانواده عاشق یکدیگر می‌شوند. قادری شاید کمی بدشانس بود که یکی از زندانیان در تیرین فیلم‌هایش با وقوع انقلاب همراه شد. «برادر کشی» با فروش خوبی روبه‌رو شد و برخی از نقاط قوت آن گفتند، اما با نهمان به دنیای انقلاب برای قادری فرازونشیب‌هایی آفرید که روایتش مفصل است. باید به این نکته اشاره کرد که برخی فیلم‌ها نیز بدون مجوز در سینمای شهرستان‌ها اکران شدند، از جمله «آخرین نفس» از کامران قدکچیان، «ماجراهای علاءالدین و چراغ جادو» از پرویز نوری، «ساخت ایران» از امیر نادری و «روزهای بی‌خبری» از امیر شروان که با تثبیت بروکراسی هیچ‌گاه رنگ اکران ندیدند.

سرنوشت سازان



جهانگیر جهانگیری اگرچه اولین فیلمش را پیش از انقلاب ساخت، اما نسبت نداشتن با دوران پهلوی موجب شد تا او کارگردان پس‌انقلاب و ساخت‌اکشن‌هایی شود که در دل خود مولفه‌های فیلمفارسی را حمل می‌کردند. فیلم «سرنوشت‌سازان» با بازی بیک ایمان‌وردی، همان داستان زن بی‌سرپناه و مردی است که او را نجات می‌دهد، با همان بزین‌ویکوب‌ها و مسخره‌بازی‌های مرسوم سیمای بیک ایمان‌وردی در نقش سرد هزار چهره. فیلم در آذر ۵۸ اکران شد و با فروش خوبی هم روبه‌رو می‌شود و مسیر فیلمسازی جهانگیری را هموار می‌کند.

مریم و منی



کبری سعیدی مشهور به شهرزاد باز یگر و رقاص سینمای فارسی بود که ناگهان گام در مسیری عجیب نهاد. کتاب شعری منتشر کرد که نظر ابراهیم گلستان را گرفت و با نوشتن رمان، تصویری متفاوت از خود نشان داد. اما نقطه عطف کارنامه‌اش اولین فیلم زنانه پس‌انقلاب بود؛ هرچند فیلم محصول دنیای پهلوی بود. با این حال اکران فیلم برای سعیدی خوش‌بین نبود و او بازیگرش، پوری بنایی برای همیشه از سینمای ایران حذف شدند. فیلم که با حمایت مالی چند بازیگر مشهور آن سال‌ها ساخته شده بود، خام‌دستانه ارزیابی شد. اما حجاب قهرمان فیلم در خیابان، آن چیزی بود که مورد توجه قرار نگرفت؛ نگرشی که محصول تغییرات اجتماعی و فرهنگی در آستانه انقلاب به حساب می‌آمد.

عبور از مرز شب

در اواخر دوره پهلوی نوعی سینمای رمانتیک براساس روابط دختر و پسران جوان اما منطبق با مد آن روز پدید آمده بود که فرزاد دلجو به نوعی نماینده آن تصویر بود. محمدباقر خسروی «عبور از مرز شب» را بر همین اساس ساخت که روایت عشق ناکام میان یک پسر مسلمان و دختری مسیحی است. جمال امید در کتابش ایده فیلم را متعلق به «بویی» اثر راج کاپور می‌داند. فیلم بهمن ۵۸ اکران می‌شود. نکته جالب آن بود که با توجه به فقدان ارزش‌های هنری و مخالفت منتقدان با فیلم و تأکیدشان بر سانتیمانتال بودن و منطبق نبودن اثر با جهان واقعیت، مخاطبان از فیلم استقبال کردند، شاید به سبب نمایش تصویری از جوان‌هایی که آن روزها انقلاب کرده بودند.

با عشق مردن



اکبر صادقی منهای «شمر» فیلم دیگری از دنیای پیش‌انقلاب داشت که داستان امیر (سعید راد) است که در درگیری با برادرش درمی‌یابد، دخترخاله‌اش از رابطه نامشروع با او با رادار شده و حالا باید به جست‌وجوی او بپردازد. فیلم دی ۵۸ اکران شد و با وجود حضور سعید راد توفیقی در اکران نیافت.



قربان زاده و سجادی چه بر سر استقلال آوردند؟
مدیرعامل جدید کار سختی پیش رو دارد



اوضاع خطیر استقلال

کاظم اولیایی: کریمی استقلال را با باشگاه بدنسازی اشتباه گرفت

قربان زاده برخلاف دستور
رئیس جمهور عمل کرده است



تلاش باشگاه برای توافق با تمدیدی ها
سرلک و آل کثیر
باید تخفیف بدهند

فرهاد نفرزاده: از ادبیات مربی تیم ملی متاسفم
باخت به بلغارستان
زنگ خطر نیست، خود خطر است

قراردادهای جدید قرمزها زیر ذره بین بیرانوند
کنعانی از پرسپولیس
دور شد؟

قربان زاده و سجادی چه بر سر استقلال آوردند؟ مدیرعامل جدید کار سختی پیش رو دارد

اوضاع خطیر استقلال



محمدرضا حاجی عبدالرزاق

خبرنگار گروه ورزش

استقلال این روزها دچار یک نوع پارادوکس شده است. از یک سو هواداران این تیم به گذشته‌های پرافتخار این باشگاه فکر می‌کنند که دستاوردهای گذشته در کجای این تاریخ برای پسران آبی پایتخت حاصل شده و از سوی دیگر به این فکر می‌کنند که سربال عادی سازی و معمولی کردن یکی از پرافتخارترین تیم‌های قاره کهن از کجا و توسط چه کسانی آغاز شده و چرا تا به امروز تمامی ندارد. آنها تا حدود زیادی به اتفاقات پیرامونی باشگاه بدبین شده‌اند و فعلا که برای استقلالی‌ها هر سال دریغ از پارسان است.

قبل از ورود به مساله اصلی و اینکه چه کسی در وضعیت فعلی استقلال نقش اساسی را ایفا کرده، بزرگ‌ترین ابهامی که در ذهن اهالی فوتبال و استقلالی‌ها به وجود می‌آید این است که چطور حجت کریمی دو سال در هیات‌مدیره استقلال حاضر بود اما بعد از حذف این تیم از آسیا تازه اقداماتش را برای نجات این تیم آغاز کرده و چرا قبل از آن فکر عاجلی برای این داستان نشد، هرچند باید این سوال را در رده‌های بالاتر از مدیریت ببینیم.

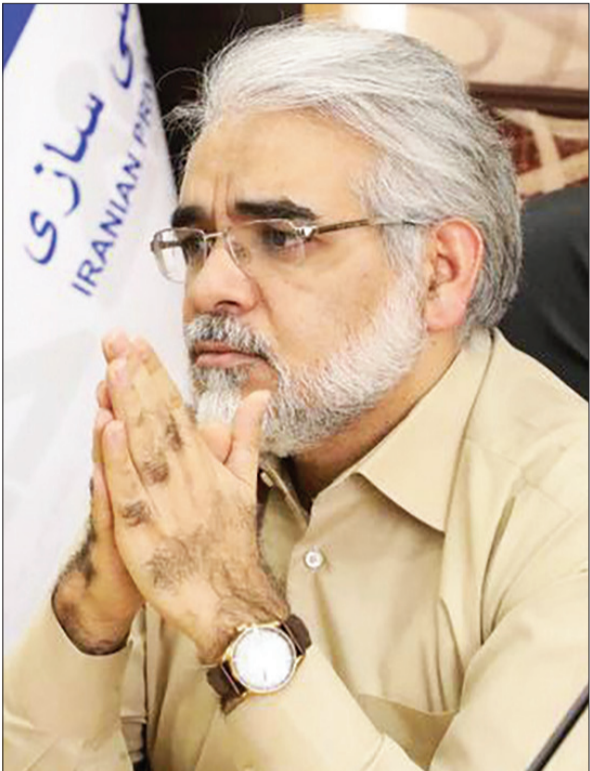
درحال حاضر چندین دوره است که مجمع باشگاه استقلال توسط سازمان خصوصی‌سازی اداره می‌شود و آنها استقلال را هدامت می‌کنند. کریمی و فتح‌الله زاده و... هیچکدام با اراده خودشان روی صندلی مدیریتی نشسته‌اند بلکه آقایان آنها را انتخاب کرده‌اند. اما اینکه حالا موقع پاسخگویی خصوصی سازی‌ها به همراه رفقایشان در وزارت ورزش دارند فرار رو به جلو می‌کنند و با فرافکنی سعی می‌کنند از زیر بار مسئولیت فرار کنند خود سوال بزرگی هست که باید پاسخ آن را بدهند.

از سوی دیگر نکته مهم‌تر اینکه تکلیف ده درصد سهام خریداری شده توسط هواداران چه می‌شود و امروز باید یک نفر هم پاسخگوی این ماجرا باشد. امروز کسانی که سهم خریدند و سهامداران باشگاه به شدت نسبت به این مساله معترض هستند. بنابراین آقایان وظیفه دارند نسبت به این دسته از هواداران پاسخگو باشند این درحالی است که بدون هیچ سودی برای سهامداران، سهام استقلال هزینه شده و دیگر خبری از بازگشت این سرمایه هم نخواهد بود.

با همه این احوال چند ابهام بزرگ‌تر نیز در این ماجرا پیش می‌آید که باید امروز مورد مطالبه و پرسشگری قرار بگیرد:

۱) امروز باشگاه استقلال در زمان وزارت حمید سجادی چهارمین مدیرعامل خود را تغییر خواهد داد. این وضعیت باشگاه بدون شک حاصل دست‌پخت وزارت ورزش است. اگر آقایان در این وزارتخانه این موضوع را نمی‌پذیرند پس دخالت‌های موجود مثل مصاحبه اخیر مدیر روابط عمومی و مشاور وزیر ورزش مبنی بر اینکه هنوز استعفای کریمی به وزارت نرسیده برای چیست؟ مگر نه این است که این باشگاه به وزارت اقتصاد و دارایی واگذار شده است؟ پس چرا هنوز هم مسئولان وزارت ورزش درباره شرایط استقلال به اظهارنظر می‌پردازند؟ اگر هم که آقایان قبول دارند که این آثی است که پخته‌اند و حاصل دست‌پخت آنهاست، استعفا را دقیقاً برای چنین روزهایی گذاشته‌اند.

۲) دلیل اصلی دعوای اخیر وزارت ورزش و سازمان خصوصی سازی که هر دو از بدنه دولت هستند چیست و چرا در این برهه زمانی تمامی ندارد؟ مگر نه اینکه هر دو از بدنه دولت هستند؟ چرا در روزهایی که باید با آرامش فوتبال کشور را هدایت کرد، این دو نهاد به جان هم افتاده و دل‌کن ماجرا نیستند؟ آنها انگار قبول دارند حداقل در ماجرای استقلال مقصر هستند و با این جنگ و دعوای‌ها می‌خواهند



تقصیر خود را کمتر کنند.

۳) در این بین باید گزینه‌های هم به ماجرای قربانزاده و گاف‌های اساسی او برزیم. جایی که وی در مصاحبه‌ای از بی‌انضباطی مالی در استقلال صحبت به میان آورد و بعد اعلام آمادگی می‌کند که هر کسی توانایی تامین ۵۰۰ میلیاردی دارد به ماجرا ورود کند! یا اینکه چطور بعد از حذف استقلال از آسیا به ناگهان به بدنه این باشگاه پول تزریق شده تا امواتش راه بیفتد؟ آیا به یکباره بی‌انضباطی مالی جای خود را به انضباط مالی داده و مشکلات استقلال حل و فصل شده است؟

۴) در وهله بعدی آقای قربانزاده باید پاسخگو باشد که اعضای که توسط خصوصی سازی به استقلال تزریق شدند چه گلی بر سر این باشگاه زده و چه آورده‌ای داشته‌اند؟ در این بین چه اتفاقی می‌افتد که دو عضو فوتبالی و غیراقتصادی حذف می‌شوند و یک عضو اقتصادی به‌عنوان رئیس هیات‌مدیره و سپس سرپرست باشگاه انتخاب می‌شود تا با این انتخاب استقلال به قهقرا برود. مگر نه اینکه مجمع عمومی و فوق العاده باشگاه با ریاست ایشان برگزار شد؟ و مگر این طور نیست که وقتی وزارت ورزش جلوی برگزاری مجمع را گرفت ایشان تهدید به افشای پشت پرده‌ها گرفت و اعلام کرد این آخرین فرصت است؟ حالا او با فرار رو به جلو انتخاب خودش را به نفر بیست و دوم لیست تقلیل می‌دهد؟ خانی و حیدرزاده نفر چندم بودند، ضمن اینکه شنیده می‌شود خانی در اداره کاربایی آقای قربانزاده برای حضور در باشگاه پرسپولیس مصاحبه کرده است!

۵) قربانزاده حتی برای اینکه خودش را به امور استقلال مسلط بدانند در یک صوت این امر را القا می‌کند اما بعداً فرافکنی کرده و توپ تصمیمات را بر زمین کریمی می‌اندازد! کریمی که مشخص است در ماجرای بیچارگی استقلال تا چه اندازه نقش دارد اما این سوال پیش می‌آید که چطور تا قبل از استعفای آقای

سرپرست، همه چیز گل و بلبل بوده و حالا هوادار بیچاره در این وانفاسی که زمان از دست‌رفته باید شاهد جنگ و دعوی بی‌حاصل آقایان باشد. ضمن اینکه چرا اعضای که توسط قربانزاده به‌عنوان اعضای هیات‌رئیسه استقلال انتخاب شدند بعد از افتضاح مدیریتی اخیر، کریمی را عزل نکرده و کار به استعفای او کشید و چرا تا همین شب گذشته هم این استعفا مورد پذیرش قرار نگرفته است؟

۶) مشخص نیست وقتی مجمع با ریاست قربانزاده برگزار شده و او امور استقلال را مدیریت، راهبری و هدایت کرده چرا حالا این چهره مسئولیت این اتفاقات را نمی‌پذیرد و مشخص نیست چه زمانی قرار است تکلیف یکی از باشگاه‌های پرطرفدار ایران مشخص شود.

۷) در هر صورت اینکه وزارت ورزش در غائله اخیر استقلال بیشتر مقصر است یا سازمان خصوصی سازی؛ پاسخ آن برای هوادار این تیم تفاوتی ندارد و استقلالی‌ها می‌خواهند تا مثل سالیان دور دویاره باشگاه محبوب‌شان به جایگاه اصلی خود بازگردند. این که امروز دو نهاد از دولت هر کدام به سهم خود در وضعیت سیاه استقلال نقش بسزایی را ایفا کرده و حالا در جنگ و دعوا با هم، کی بودی کی بود من نبوده‌ام راه انداخته‌اند این خود بزرگ‌ترین توهین به افکار عمومی و هواداران استقلال محسوب می‌شود.

۸) همه این‌ها درحالی هستند که دیروز خبر رسید ایجت یا مگا هم به باشگاه توتیس داده اما به نظر می‌رسد این خبر و خبرهایی از این دست فقط به‌مانند نوک کوه بیخ است و با وجود این ابهامات، اتفاقات وحشتناک‌تر دومینوار درحالی درحال محقق شدن هستند که به نظر می‌رسد دقیقاً باب میل نهادهای بالادستی استقلال باشند. همان‌هایی که با دعوای جدال‌های بی‌مورد وضعیت این تیم را به این روز انداختند.

پول آمد، ستاره‌ها در رادار صنعت‌نفت

مدیر تیم: امنیت برقرار است، ویسی می‌تواند به آبادان برگردد

این اردو زودتر از اینها در شهرکرد برگزار شود اما به تأخیر افتاد و ویسی هم هنوز به این اردو نرسیده است. سرپرست تیم صنعت نفت در این مورد به ما گفت: «همان اتفاق هم خارج از زمین فوتبال بود و درگیری هم ایجاد نشد. باشگاه نیز در همان شب با قدرت وارد عمل شد و مشکل را حل کردیم. از این رو آقای ویسی و همکارانش می‌توانند با خیال راحت به تمرینات برگردند. امنیت تمرینات در شهرکرد و حتی آبادان را تضمین می‌کنیم. هرچه بود همان شب تمام شد و قرار نیست موضوع ادامه پیدا کند.»

بودجه حل شد یا نه

یکی از مشکلات همیشگی تیم نفت آبادان همواره مشکلات مالی بوده است. این تیم همین امسال و قبل از ادامه همکاری با عبدالله ویسی نیز با همین چالش روبه‌رو شد و تأخیر در ادامه همکاری با ویسی و شروع تمرینات به همین دلیل بود. با این حال در تهران رای ویسی راززند و درنهایت او را به تیم پیوند زدند. آنها با وجود وعده‌های مالی اما هنوز بودجه مشخصی را برای این باشگاه تعیین نکرده‌اند. اما به نظر می‌رسد مشکل این تیم حل شده و حداقل امسال مسکلی از جهت هزینه و بودجه ندارند؛ چرا که اخیراً مذاکرات این فهد طالب دروازه‌بان و مدیریت باشگاه نفت به مراحل پیشرفته رسیده است. حالا حضور فهد طالب، دروازه‌بان تیم ملی عراق و تیم نیروی هوایی این کشور در نفت آبادان که طی روزهای گذشته به وجود آمده بود، حالا جدی شده است. از مبلغی بالغ بر ۱۵ میلیارد تومان برای قرارداد این بازیکن خبر می‌رسد. در این خصوص از قنواتی سوال کردیم که به ما گفت: «همواره در مسائل مالی کمبود است. تلاش می‌کنیم اما این بار با تدبیر مدیران و جلسات خوبی که در منطقه داشتند حمایت مالی خوبی داشته باشیم. ما امیدواریم حمایت منطقه و مجموعه شهری را در اختیار داشته باشیم. بودجه هم مشخص و تعیین شده است. وعده‌ها در حال محقق شدن است و می‌خواهیم مشکلات مالی را از طریق کمک‌های مالی حل کنیم. در مورد بازیکنان هم بهتر است از کادرفنی سوال کنند اما قطعاً

به گفته سرمری تیم صنعت‌نفت، خانواد این بازیکن به او گفتند باید امسال به این فوتبال‌لیست در تیم بازی می‌بدهد.

موضوعی که ویسی زیر بار آن نرفت و باعث شد عده‌ای در محل تمرین با چاقو و قمه او را دوره کرده و تهدیدش کنند که نمی‌گذارند در آبادان مربیگری کنند. در نتیجه این اتفاقات موضوع به مراجع ذی‌ربط اطلاع داده شد و مسئولان باشگاه قول دادند پیگیری این موضوع باشند. ویسی به آبادانی‌ها تأکید کرده بود که اگر مشکل حل نشود به آبادان بر نمی‌گردد. این موضوع باعث شد تا اهمیت اقدام این تعداد افراد که باعث برهم‌خوردن نظم تمرینات شده بودند مشخص شود. در نتیجه با اقدامات صورت گرفته موضوع پیگیری و ظاهراً مشکل حل شد. در چنین شرایطی قطعاً این سوال پیش می‌آید که آیا با بازگشت ویسی به آبادان امنیت این مربی و امنیت تمرینات تضمین می‌شود؟

علی قنواتی، مدیر تیم صنعت نفت در این مورد به «فرهیختگان» گفت: «اقدامات امنیتی جدی در این خصوص انجام شده است. از همه مهم‌تر هواداران خوب تیم صنعت‌نفت از باشگاه و سرمری تیم حمایت کردند. دیگر فقط ما مدعی کوتاه کردن دست این افراد نیستیم بلکه هواداران، مدعیان جدی حفظ امنیت تمرینات و اعضای تیم و باشگاه هستند. از این رو مسئولان مربوطه اطمینان دادند هیچ مشکلی در ادامه پیش نخواهد آمد. همه این اتفاقات رخ داده در تمرینات را قبیح دانسته و حمایت خود را از تیم صنعت‌نفت نشان دادند. خیال‌تان راحت که دیگر چنین اختلافاتی پیش نمی‌آید و مشکل امنیتی به وجود نخواهد آمد.»

اردو یا فرار از آبادان

ویسی که تمرینات تیم صنعت‌نفت را ترک کرده بود قرار است در اردوی شهرکرد به تمرینات این تیم اضافه شود. گویا این اردو از دیروز برپا شده و قرار است ویسی با یک روز تأخیر و از امروز به جمع سایرین اضافه شود. شاید این تصور وجود داشت که ویسی به دلیل اینکه نمی‌خواهد فعلاً به آبادان برگردد، اردوی شهرکرد را تدارک دیده است؛ چرا که قرار بود

تعداد را برقرار می‌کنیم و بی‌رویه خرج نخواهیم کرد، حال این بازیکن می‌خواهد ایرانی باشد یا خارجی. به شایعات هم توجه نکنید ما بودجه داریم اما قصد ریخت و پاش نداریم.»

ستاره‌ها در رادار صنعت نفت

سرمری تیم صنعت نفت در هفته‌های اخیر صحبت‌های عجیبی مطرح کرد و از قرارداد بازیکنان و خواسته‌های نجومی آنها گفت. از این رو با توجه به روند بازیگری‌های این تیم این طور به نظر می‌رسد که آنها برخلاف خواسته ویسی روی مدار بازیکنان معمولی حرکت می‌کنند و همچنان در این باشگاه خبری از بازیکنان اسمی و بی‌فولی ستاره نیست.

سابقه همیشه نشان می‌دهد که صنعت‌نفت حتی برای تمدید قرارداد با بازیکنان هم مشکل دارد چه برسد به جذب بازیکنان جدید. واقعیت این است که معمولاً در حساب این باشگاه پول نبوده و نمی‌توان از آنها توقعات اینچنینی داشت اما این بار موضوع فرق کرده است. شاید باورش سخت باشد اما آبادانی‌ها این بار آتقدرها هم بی‌پول نیستند و پشت پرده مذاکراتی داشته‌اند که شاید علاقه‌مندان به این تیم را غافلگیر کند. قنواتی در این مورد به «فرهیختگان» گفت: «ویسی از زمانش به بهترین شکل ممکن استفاده کرد و همان طور که تاکنون نشان داده بیشتر به جذب بازیکنان جوان و آینده‌دار علاقه دارد. ما دو اردوی تدارکاتی، در شهرکرد و تهران برگزار می‌کنیم. اردوی تهران با هدف جذب بازیکن برگزار می‌شود. اغلب بازیکنانی که می‌خواهیم با آنها مذاکره کنیم در تهران هستند. از این رو در اردوی تهران آنها را دعوت کرده و مذاکرات را جدی دنبال خواهیم کرد. ما می‌توانیم با نظر ویسی این فصل تیم خوبی ببندیم؛ هرچند نگاه ما بیشتر به سمت بازیکنان جوان و آینده‌دار است اما به بازیکنان مطرح و به اصطلاح ستاره هم نیم‌نگاهی داریم. در صورتی که مذاکره با گزینه‌های ویسی نهایی شود با آنها توافق قطعی را انجام داده و در صورت توافق، آنها نیز به ما ملحق می‌شوند. هدف ما امسال قرار گرفتن در بین تیم‌های بالای جدول است و با برگزاری اردوهای مختلف حتماً تیمی قوی وارد مسابقات خواهیم کرد.»

کاظم اولیایی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

کریمی استقلال را با باشگاه بدنسازی اشتباه گرفت

قربان زاده برخلاف دستور رئیس جمهور عمل کرده است

انتخاب‌های قربان زاده چه خاصیتی برای استقلال داشتند؟

کاظم اولیایی در گفت‌وگو با خبرنگار «فرهیختگان» درخصوص مجادله اخیر بین حسین قربان زاده رئیس سازمان خصوصی سازی با حجت کریمی سرپرست مدیریت مستغنی باشگاه استقلال گفت: «در ارتباط با استوری‌های آقای قربان زاده لازم به ذکر است که مشترکاً در حوزه ورزش و اقتصاد تابه‌حال کسی را ندیده بودیم که تا این اندازه دوست داشته باشد در تمامی مسائل گذشته و حال و آینده اظهارنظر کند. مگر اطلاعات او نسبت به گذشته باشگاه پرطرفدار و پرافتخار استقلال چقدر است؟ مگر چقدر وقت اضافه برای کار حساسش دارد که تا این اندازه خودش را انگشت‌نما می‌کند؟»

توقع داشتیم مدیران وارد فضای کری خوانی نشوند

وی ادامه داد: «برای جامعه ورزش و به خصوص طرفداران فوتبال جای سوال است که اطلاعات او در حوزه ورزش، فوتبال و به ویژه استقلال چه عمقی دارد؟ چه شناختی از تاریخ ۷۸ ساله باشگاه استقلال دارد؟ او به راحتی می‌آید و مقایسه می‌کند و دودریب را به جان هم می‌اندازد و وارد رقابت دو باشگاه می‌شود. توقع ما این بود که مدیران کلان سطح خود را چنان بالا نگه دارند که وارد این مباحث و این بازی‌ها نشوند که بخواهند کری خوانی کنند و بگویند فلان تیم بهتر و آن یکی بدتر است.»

قربان زاده نسبت به انجام وظایفش پایبند باشد

اولیایی تأکید کرد: «قربان زاده اشتباه می‌کند. اگر مصاحبه‌های او را از گذشته ببینید، قول و قرارهایی که برای خصوصی سازی سرخابی‌ها داده به خوبی نمایان هستند. او تا امروز چندبار قول انجام این کار را داده که در فلان تاریخ این دو تیم را واگذار می‌کنیم و... آیا امروز این اتفاق افتاده است؟ بهتر است به کار خودش بپردازد. بزرگ‌ترین مشکل در فوتبال و باشگاه استقلال این است که افراد خیره در راس کارهای کارشناسی قرار ندرند و تازه مستاجران دارند به جای صاحبخانه‌ها اظهارنظر می‌کنند. او بداند که خودش میهمان مستاجران است و صاحبخانه نیست که این طور صحبت می‌کند. او به این شکل حق اظهارنظر درباره ورزش کشور، فوتبال و باشگاه‌های پرطرفدار را ندارد. امیدواریم به قول و قرارهای که نسبت به انجام کارش داده، پایبند باشد.»

بیشتر این بلاها توسط قربان زاده بر سر استقلال آمد

وی افزود: «بیشتر این بلاها توسط او سرر استقلال آمده و او راه غلط را رفته است. قربان زاده فراموش نکند برخلاف دستور رئیس جمهور عمل کرده است. اگر سازمان‌های نظارتی و مخصوصاً بازرسی نهاد ریاست جمهوری به وظیفه‌اش خوب عمل نمی‌کنند و سازمان بازرسی کل کشور سر مسائل ریز درگیر شده است، تقصیر ما نیست. اگر این نهاد‌های نظارتی و سازمان‌های بازرسی با دقت به عملکرد حسین قربان زاده دقت می‌کردند، می‌فهمیدند ۱۸۰ درجه خلاف سند تحول دولت سیزدهم عمل کرده که با امضای رئیس جمهور ابلاغ شده است و باید عملکرد وی مورد بررسی قرار گیرد. ضمن اینکه عمده این خلفات از بابت دوستانش است که به‌عنوان مسئول در باشگاه استقلال انتخاب شده‌اند، حتی دو عضو اخیر هیات‌مدیره انتخاب قربان زاده بوده‌اند. او بگوید این انتخاب‌ها به چه درد استقلال خوردند. قرار بود چه کاری برای این تیم انجام بدهند؟»

سرخابی‌ها با وام اداره می‌شوند

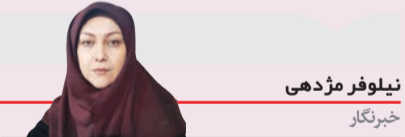
مدیرعامل اسبق استقلال یادآور شد: «اداره این دو باشگاه با قرض و وام که هنر نیست، هر دو باشگاه به این شکل اداره می‌شوند، یعنی قرض می‌کنند و حتی به قول خودشان سهامی که به‌منظور افزایش سرمایه دو باشگاه بوده گرو گذاشته و وام گرفته‌اند و حالا باید این پول را با بهره‌اش به بانک برگردانند. این کار که هنر نیست. این نوع مدیریت که از بانک وام بگیریم و تیم را اداره کنیم و به خودمان بگوییم به! عجب خوب مدیریت می‌کنیم که به این شکل اقوام هم می‌توانند هر تیمی را اداره کنند.»

قربان زاده فکر کرد اینجا اداره کاربایی است!

اولیایی تصریح کرد: «دخالت او در امور فوتبال غیرقابل کتمان است. انگار اداره کاربایی است و لیستی تهیه کرده و گفته‌اند چه کسی در راس است و چه کسی در ذیل! حالا آنهاایی که در راس برای باشگاه انتخاب کردند چه خاصیتی داشته‌اند؟ همین دو عضو که ایشان انتخاب کرده‌اند چه گلی بر سر استقلال زده‌اند؟ از قدیم گفته‌اند آشپز که دوتا شد آش یا شور می‌شود یا بی‌نمک، و این اتفاق امروز در استقلال رخ داده است و به خاطر اینکه دو نهاد بالادستی امروز در امورات این تیم دخالت می‌کنند این بلاها بر سر استقلال آمده است.»

کریمی فکر کرد استقلال مثل باشگاه ورزشی اوست!

وی درباره اینکه به نظر می‌رسد چنین سرنوشتی برای حجت کریمی متصور باشیم، گفت: «آقای کریمی بزرگ‌ترین معضلش این بود که از این فضا شناختی نداشت. هرکس دیگری هم بیاید و شناختی نداشته باشد به سرنوشت کریمی دچار می‌شود. ایشان جای کوچکی مثل باشگاه بدنسازی را اداره و فکر می‌کند استقلال هم مثل آنجاست. او توجهی به کار کارشناسی نکرد و خواست باشگاه را با پابین به بالا و از جلوی در نگهبانی و سپس از سمت سکوها اداره کند. هر هواداری هر نقطه‌نظری دارد، اجرا کرد تا جایی که آوردن همان اراذل هم کار همان هواداران بود.»



نیلوفر مژده‌هی

خبرنگار

در فصل پیش‌رو خبرهای خوبی از صنعت‌نفت به گوش می‌رسد. در شرایطی که چند فصل پرمشکل را از نشتی‌های آبادان دیدیم و آنها در فصل اخیر سقوط را در یک قدمی خود حس کردند اما به نظر می‌رسد این بار آنها راه خود را پیدا کرده‌هم مربی و بازیکنان مشخص هستند و هم بودجه گرفتند. اگر شرایط به همین شکل پیش برود شاید مردم آبادان رنگ خوشی ببینند و اگر باز هم وعده‌ها عملی نشود نمی‌توان از ویسی‌ها هر مربی دیگری توقع داشت بدون پول کاری برای برزیلی‌های آبادان انجام دهد.

مسئولان به ویسی قول امنیت دادند

تیم صنعت‌نفت در شرایطی که مشغول آماده‌سازی بود با بحران روبه‌رو شد. این تیم ظاهراً قرار بود برای آماده‌سازی برنامه‌ریزی کند اما برخی اتفاقات باعث شد سرمری این تیم تمرین و سپس آبادان را ترک کند و به تهران برگردد. اخیراً تمرینات نفت آبادان با حواشوی زیادی همراه بود. حواشی همراه با چاقوکشی، عریه‌ده کشی و تهدید عبدالله ویسی. این اتفاقات ویسی را برای حضور مجدد در آبادان دچار تردید کرد. او شرط کرده تنها در صورتی به تمرینات برمی‌گردد که مسئولان باشگاه این مشکل را حل کنند.

موضوع از این قرار بود که خانواده یکی از بازیکنان صنعت‌نفت آبادان که فرزندشان پنج، شش سال فقط اسمش در لیست نفت رد می‌شد و پول دریافت می‌کرد، اکنون هم به دنبال سهم خواهی بودند. مدیران و سرمری جدید صنعت‌نفت مقابل این موضوع ایستادند و همین منجر به آغاز درگیری‌ها و درنهایت چاقوکشی و تهدید ویسی در تمرینات شد. گویا این بازیکن در سال‌های اخیر حتی یک بار هم جزء لیست ۱۸ نفره نفت آبادان نبود و در این سال‌ها از طریق رانت و زور و سهم خواهی خود را در لیست نفت آبادان جای داده بود.



ورزش



قراردادهای جدید قرمزها زیر ذره بین بیرانوند

کنعانی از پرسپولیس دور شد؟



حمیدرضا اسکندری
خبرنگار گروه ورزش

پرسپولیس بعد از قهرمانی در دو جام راهی تعطیلات شد و در نهایت بعد از تقریباً چهل روز استراحت دور جدید تمریناتش را از روز چهارشنبه هفته گذشته آغاز کرد. در این مدت حواشی زیادی پیرامون این تیم وجود داشت. از احتمال جدایی یحیی گل محمدی گرفته تا تأخیر زیادی که در تمدید قرارداد بازیکنان آزاد به وجود آمد، فسخ قرارداد علیرضا بیرانوند و مذاکره جدی او با باشگاه استقلال، اعصاب بازیکنان به خاطر مسائل مالی و... که همه این مسائل به نوبه خود نقش زیادی در تأخیر ایجاد شده در استارت سرخپوشان و به نوعی دیر جمع شدن آنها داشته است. اما با اتفاقات مثبتی که در دو سه روز اخیر در پرسپولیس رخ داد تا حد زیادی آرامش به این تیم برگشت و سرخپوشان در شرایطی فعلی با جذب دو سه بازیکن با تیمی کامل خود را آماده شروع لیگ بیست و دوم خواهند کرد. در ادامه مروری داریم بر اتفاقاتی که باعث شد اوضاع پرسپولیس بهتر شود و برنامه‌های پایانی این باشگاه در فصل نقل و انتقالات.

ماوریت ویژه به کاپیتان

یحیی گل محمدی اواسط هفته پیش بود که بعد از صحبت با علیرضا بیرانوند متوجه می‌شود که او تصمیمش برای رفتن به استقلال جدی است و قصد ندارد پیشنهاد وسوسه‌انگیز این باشگاه را رد کند. با توجه به همین مساله یحیی در تماس با وحید امیری از او می‌خواهد که به عنوان کاپیتان پرسپولیس و دوست صمیمی بیرانوند او را مجاب کند که از تصمیمش صرف‌نظر کند. در همین راستا امیری خود را به تهران رسانده و به همراه وکیلش، ایوژر تیموری که دوست صمیمی مشترک این دو بازیکن است به سراغ بیرانوند می‌روند. این دو بعد از ساعت‌ها صحبت با بیرانوند او را مجاب می‌کنند که به اعتبار خود ضربه زده و در جمع سرخپوشان ماندنی شود. در این میان تماس‌هایی هم از سوی فدراسیون با بیرانوند گرفته می‌شود مبنی بر اینکه اگر باشگاه پرسپولیس شکایت کند احتمال محرومیتش وجود دارد. در کنار این مساله نیز استقلالی‌ها از موضع خود در قبال پیشنهاد سنگین مالی به بیرانوند عقب‌نشینی کرده و این دروازه‌بان متوجه می‌شود که شرایط حساسی پیچیده شده است. در ادامه ماجرا امیری و تیموری راهی باشگاه پرسپولیس شده و بعد از صحبت با رضا درویش شرایط را برای بازگشت بیرانوند و عقد

قرارداد جدید فراهم می‌کنند؛ هر چند درویش همچنان تأکید می‌کند که نمی‌تواند به بیرانوند بیشتر از سقف قرارداد باشگاه قراردادی جدیدی امضا کند.

فزوری که بیرانوند از اعتماد به وکیلش کرد

وکیل بیرانوند نقش اصلی را در ماجرای فسخ قرارداد علیرضا بیرانوند با پرسپولیس برعهده داشت و تأکید او این بود که این فسخ قانونی است اما با تماس‌هایی که از سوی فدراسیون با این دروازه‌بان گرفته شد، بیرانوند فهمید که بابت اعتماد بیش از حد به وکیلش اشتباه بزرگی مرتکب شده است. اما نکته جالب توجه اینکه بیرانوند چون قرارداد قبلی‌اش را فسخ کرده بود برای ماندن در پرسپولیس باید قرارداد جدیدی امضا می‌کرد. در همین راستا او در این قرارداد باید قوانین جدید را هم رعایت می‌کرد. در قرارداد قبلی بیرانوند آپشن‌هایی را داشت که ۵۰ درصد به اصل قراردادش اضافه می‌کرد. مشابه اتفاقی که این فصل رخ داد و علی یبرو جدا از قراردادش نزدیک به ۷ میلیارد تومان هم پاداش گرفت. اما قوانین جدید اجازه نمی‌دهد بازیکنی بیشتر از ۳۰ درصد قراردادش آپشن اضافه کند و از طرفی بند فسخ هم نمی‌تواند داشته باشد. از این رو بیرانوند در این قرارداد جدید هم بند فسخ ۲۵۰ هزار دلاری‌اش را از دست داد و هم اینکه فقط ۳۰ درصد قراردادش آپشن اضافه کرده است. طبق برخی اخبار درافتی قرارداد

جدید بیرانوند با پرسپولیس ۱۵ میلیارد تومان به سه میلیارد آپشن و بدون بند فسخ است.

بیرانوند می‌خواست هرساله ببندد

شاید برای خیلی‌ها عجیب باشد اما در نشست چهارشنبه‌شب علیرضا بیرانوند با رضا درویش، این دروازه‌بان به قدری تحت‌تأثیر حضور هواداران در مقابل ساختمان باشگاه قرار گرفته بود که برای جبران اشتباهش قصد داشت قرارداد ۵ ساله با پرسپولیس امضا کند. او این پیشنهاد را به درویش داد اما اطرافیانش به وی اعلام کردند احساسی تصمیم نگیرد که بعداً پشیمان شود و بهتر است همان قرارداد دوساله را امضا کند.

قراردادهای جدید زیر ذره بین بیرانوند

بیرانوند به عنوان دروازه‌بان شماره یک پرسپولیس و یکی از کاپیتان‌های تیمش شدیداً مخالف این است که بازیکنی بیشتر از او در تیم دستمزد دریافت کند. از این رو او به‌طور دقیق قراردادهایی که در باشگاهش امضا می‌شود را زیر ذره بین دارد. با توجه به این ماجرا، باشگاه پرسپولیس مجبور است با همین رقمی که با بیرانوند قرارداد امضا کرده با بازیکنان تازه‌وارد و تمدیدی‌ها امضا کند. این اتفاق در مورد قرارداد سعید صادقی و مسعود ریگی هم رخ داد. در واقع رضا درویش خودش

به بیرانوند اعلام کرد که تحت هیچ شرایطی بیشتر از سقف تعیین شده به بازیکنی نخواهد داد. ناگفته نماند صادقی تمایل داشت راهی فوتبال امارات شود که در نهایت مشتری پیدا نکرد و پیشنهاد داخلی بهتر از پرسپولیس هم نداشت تا اینکه مجبور به تمدید قرارداد شد.

درویش حرف آخر را به مدیر برنامه کنعانی زد

مدیر برنامه‌های محمدحسین کنعانی‌زادگان در روزهای اخیر مذاکراتش را با رضا درویش ادامه داد و هنوز توافقی بین طرفین حاصل نشده است. دلیل این مساله هم این است که درویش تحت هیچ شرایطی حاضر نیست به کنعانی‌زادگان بیشتر از ملی‌پوشان دیگر پرداختی داشته باشد. مخصوصاً بعد از قضیه‌ای که در مورد بیرانوند رخ داد و این دروازه‌بان نیز در قرارداد جدیدش سقف قرارداد را رعایت کرد. در چنین شرایطی کنعانی‌زادگان برای بازگشت به پرسپولیس باید خواسته مالی خود را تا حد زیادی کاهش دهد که بعید است این اتفاق رخ دهد اما شاید در روزهای آینده اتفاقات جدیدی در این زمینه رخ دهد.

مدیریت مناسب باشگاه

باشگاه پرسپولیس بعد از فسخ یکطرفه قرارداد علیرضا بیرانوند در عرض یکی دو ساعت با حواشی زیادی مواجه شد. حضور یحیی گل محمدی و جر و بحث او با رضا درویش، اختلاف نظر برخی اعضای هیات مدیره باشگاه پرسپولیس با درویش و تجمع هواداران مقابل باشگاه همه اتفاقاتی بود که ساعاتی بعد از فسخ یکطرفه بیرانوند در باشگاه پرسپولیس رخ داد. اگر چه درویش بعد از این ماجراها موقع خروج از پارکینگ با مخفی شدن در اتومبیلش اقدام عجیبی انجام داد اما در ادامه کار او حواشی تیمش را به خوبی مدیریت کرد. از این جهت که تحت هر شرایطی بر سر حرف و تصمیم خود مبنی بر اینکه به تمامی ملی‌پوشانش یک اندازه و در یک زمان به مانند همه بازیکنان پرداختی داشته باشد، ماند. علیه بیرانوند مصاحبه نکرد تا او را مقابل هواداران قرار دهد و در واقع وکیل او را مقصر اصلی این تصمیم او معرفی کرد. با توجه به همین مساله موقعی که بیرانوند تصمیم به بازگشت گرفت اصلاً از درویش دلخور نبود و جالب اینکه مدیرعامل پرسپولیس وکیل او را ۴۰ دقیقه پشت در اتاقش نگه داشت و در نهایت پادرمیانی مسئولان باشگاه پرسپولیس باعث شد که این فرد به داخل جلسه راه داده شود!

تلاش باشگاه برای توافق با تمدیدی‌ها

سرلک و آل‌کثیر باید تخفیف بدهند

باشگاه پرسپولیس به میلاد سرلک به اندازه بازیکنان ملی پوش و سقف قرارداد پرداختی خواهد داشت و این موضوع را به این بازیکن و مدیر برنامه‌هایش اعلام کرده است. در همین راستا سرلک هنوز تصمیم قطعی خود را برای ماندن در جمع سرخپوشان نگرفته و در حال بررسی پیشنهادهای داخلی و خارجی خود است. درویش از این بازیکن خواسته امروز تصمیم‌هایی خود را اتخاذ کند، اما در مورد عیسی آل‌کثیر نیز باشگاه پرسپولیس به اوسقف قرارداد باشگاه را نخواهد داد و رقمی کمتر از آن را مدنظر دارد. از این جهت که او ملی‌پوش نیست و ۳۳ سال سن دارد. درویش به عیسی هم شرایط باشگاه را اعلام کرده و او هم طرف امروز و فردا باید تکلیفش را مشخص کند. همان‌طور که قبلاً اشاره داشتیم پرسپولیس در خط‌حمله شهاب زاهدی و مهدی عبدی را دارد و یک مهاجم خارجی را هم جذب خواهد کرد. ضمن اینکه محمد عمری نیز توانایی بازی در خط‌حمله سرخپوشان را دارد.

گوهری به جای خلیفه، اراکی شد

گل محمدی، به دنبال بازگرداندن گلر جوان

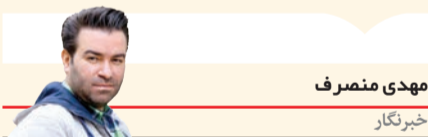
تقریباً یک ماه پیش بود که اشاره داشتیم به اینکه آکادمی باشگاه پرسپولیس خیلی راحت امیر خلیفه، دروازه‌بان تیم جوانان و ملی‌پوش خود (تیم ملی جوانان) را از دست داد. دروازه‌بانی که محمدمحمدی به یحیی گل محمدی در موردش گفته بود او بهترین جانشین برای علیرضا بیرانوند خواهد بود. در واقع خلیفه دوست داشت امسال به تیم بزرگسالان پرسپولیس راه پیدا کند، اما وقتی یحیی در این زمینه نشد او به توصیه مجتبی حسینی ابتدا قصد داشت راهی تیم بزرگسالان پیکان شود ولی وقتی این مربی راهی آلومینیوم شد، به این تیم رفت. حسینی در کنار این دروازه‌بان، احمد گوهری را هم می‌خواست که یحیی هم از این فرصت استفاده کرده و با موافقت با جدایی قرضی گوهری به آلومینیوم، خلیفه را به تیمش برگرداند.

تمام معادلات پیچیده لیست پرسپولیس

احتمال خرید ۳ خارجی

پرسپولیس برای فصل جدید رقابت‌های لیگ برتر نام سیامک نعمتی، کمال کامیابی‌نیا و احمد گوهری را از لیست بزرگسالان خود خارج کرد و به زودی این اتفاق هم در مورد لئاندرو پیرا هم رخ خواهد داد. با توجه به اینکه برای این فصل پرسپولیس مجبور است نام مهدی عبدی، محمد عمری و وحدت خانوف را به لیست بزرگسالانش اضافه کند، در صورت ماندن عیسی آل‌کثیر و میلاد سرلک لیست بزرگسالانش باز هم یک نفر زیادی خواهد داشت. از این رو اگر قرار باشد این باشگاه کنعانی‌زادگان را هم به خدمت بگیرد آن وقت باید دو بازیکن دیگر از نفرات بزرگسالش را از لیست خارج کند. این درحالی است که کنعانی هم سهمیه بزرگسالان به حساب می‌آید و هم جزء سهمیه خارجی، مثل شرایطی که شهاب زاهدی داشت. با توجه به این موضوع ممکن است یحیی گل محمدی قید جذب کنعانی را بزند و از بین سرلک و عیسی یکی را حفظ کند. اما پرسپولیس می‌تواند از سهمیه بازیکن با شرایط خاص (قرضی، سرباز و...) نیز استفاده کند؛ از همین رو احتمال اینکه یحیی خواهد از یک دروازه‌بان خارجی یا داخلی اما قرضی و یک مهاجم و یک هافبک خارجی که قرضی باشند در تیمش بهره‌برده، زیاد است. این نفرات حتی اگر بزرگسال هم باشند می‌توانند به لیست سرخپوشان اضافه شوند. ناگفته نماند یحیی حتماً مهاجم و هافبک خارجی برای تیمش می‌خواهد و با رفتن گوهری احتمالاً مجبور شود جانشین او را از خارج بیابد؛ چرا که او دنبال گلری است که در صورت مصدومیت بیرانوند خیالش از بابت ذخیره او راحت باشد. اما در صورت پرسپولیس برای اینکه دیگر مجبور نباشد قید بازیکنان فعلی تیمش را بزند باید با شرایطی که گفته شد بازیکن جدید به خدمت بگیرد. بازیکنی که یا قرضی بیاید یا اینکه زیر ۲۳ سال باشد.

گفت‌وگو



مهدی منصرف

خبرنگار

تیم ملی والیبال کشورمان در دومین دیدار خود در هفته سوم لیگ ملت‌های والیبال با مصاد جمعاً ۱۶ تیرماه با نتیجه ۳ بر ۲ مغلوب بلغارستان شد تا مشخص شود که شرایط تیم ملی در مسابقات امسال نه تنها بهتر نمی‌شود که بازی به بازی در حال بدتر شدن است. دیداری که ملی‌پوشان کشورمان علی‌رغم برتری ۲ بر یک در پایان ست سوم باز هم توانایی زدن ضربه‌آخر را نداشتند و در نهایت نیز مغلوب قهرنشین مسابقات شدند. موضوعی که حتی اظهارنظر عجیب و قابل تأمل فرهاد طلوع کیان که در غیاب بهروز عطایی هدایت تیم کشورمان را برعهده داشت را نیز به دنبال داشت: «بردن را فراموش کرده‌ایم»

در شرایطی که با شکست مقابل بلغارستان اندک امیدهای باقی‌مانده برای صعود تیم کشورمان به جمع ۸ تیم در فاصله دو بازی به پایان مرحله مقدماتی به‌طور کامل بر باد رفت، فرهاد نفرزاده سرمربی پیشین تیم‌های نوجوانان و جوانان در گفت‌وگو با فرهیختگان، از گذشتن کار از رزنگ خطر و قرار گرفتن در موقعیت خطر برای والیبال کشورمان صحبت کرد. گفت‌وگوی نفرزاده را در ادامه بخوانید.

منتاسفانه روند ناامی‌های تیم والیبال همچنان تداوم دارد و این بار مقابل بلغارستان مغلوب شدیم.

با توجه به نتایج هفته اول و دوم و پشت سر گذاشتن دو بازی از هفته سوم، تیم‌ها در حال رسیدن به خط پایان مرحله مقدماتی هستند تا تکلیف تیم‌های صعودکننده و ناگام مشخص شود. با توجه به ارزیابی تیم‌ها، بلغارستان یکی از ضعیف‌ترین تیم‌های شرکت‌کننده در مسابقات بود. این تیم تا قبل از دیدار مقابل مانتهای یک برد داشت و از طرفی الکساندر نیکولوف بهترین بازیکن‌شان در دو هفته ابتدایی از این تیم جدا و به تیم جوانان این کشور برای مسابقات قهرمانی جهان اضافه شده بود. فرصت بسیار خوبی برای تیم ما بود تا یک برد مقابل این تیم ضعیف، آماده پیروزی مقابل آرژانتین شویم و پاسه پیروزی هفته سوم را به پایان برسانیم.

منتاسفانه با شکست مقابل بلغارستان اندک امیدهای ما نیز باد رفت.

فرهاد نفرزاده در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: از ادبیات مری تیم ملی متاسفم

باخت مقابل بلغارستان زنگ خطر نیست، خود خطر است

مردم از بازی‌های تیم ملی راضی نیستند ■ در مسابقات کسب سهمیه المپیک هیچ شانس نداشتیم

لهستان و هلند را در آستانه شکست قرار دادیم؟ این حرف‌ها صحبت‌های خوبی نیست، اما متاسفانه کادرفنی بعد از هر بازی بهانه‌جویی می‌کند و مسائل عجیبی را پیش می‌کشد.

در صورت حضور بهروز عطایی ما شانس کسب نتایج بهتری را داشتیم؟

فکر می‌کنم بازیکنان و کادرفنی ما آن چیزی را که باید برای تیم عرضه می‌کردند را نکردند. بعد از پایان هفته دوم تیم ما به فرانکفورت رفت و آنجا تمرین کرد. این برنامه‌ای بود که کادرفنی از دو ماه قبل برنامه‌ریزی کرده بود و به امروز و دیروز برنمی‌گردد. با توجه به هزینه‌های زیاد ارزی و قیمت بالای یورو، ۲۰ تا ۳۰ نفر یک هفته در آلمان ماندند. این برای فدراسیون والیبال هزینه زیادی داشت. تیم ما می‌توانست بعد از پایان هفته دوم با یک پرواز چندساعته از هلند به تهران بازگردد و در تهران تمرین کند تا داستان‌های سفارت آمریکا در آنکارا و فرانکفورت رفت و برگشت پیش نیاید. ذهن مردم و خودشان را درگیر کردند و همه اینها دست به دست هم داد تا کادرفنی به جای اینکه حواش به تمرینات باشد، به مسائلی توجه کند که در حیطه وظایف آنها نیست.

مردم در سالیان اخیر علاقه زیادی نسبت به والیبال نشان داده‌اند، اما نتایج اخیر باعث نازاحتی آنها شده است.

مردم نشان دادند که قدرت درک و فهم بازی خوب حتی در صورتی که همراه با شکست باشد، را دارند. اما در حال حاضر فشارخ از برد و باخت و صعود یا عدم صعود به المپیک مردم از بازی‌های تیم ملی راضی نیستند. زمانی که عزیزان تیم ملی را در پایان المپیک توکیو از آلکتو تحویل گرفتند، تیم ما در کجای جدول رده‌بندی فدراسیون جهانی بود؟ در همان برهه و بعد از چهار هفته که ما هفت نفر از بازیکنان المپیک خود را از دست داده بودیم، با یک ترکیب جوان و کم‌تجربه‌تر در قهرمانی آسیا در ژاپن و در حضور ۱۰ هزار نفر با شکست سه بر صفر این تیم



ندارنده تیم‌های ضعیف‌تر از خود مان بیازیم.



فرهاد طلوع کیان، مربی تیم ملی بعد از شکست مقابل بلغارستان در اظهارنظری عجیب عنوان کرد که بردن یادمان رفته است. این اظهارنظر را چطور تحلیل می‌کنید؟

خیلی متاسفم چنین افرادی در کادرفنی تیم ملی هستند که با این ادبیات صحبت می‌کنند. بعد از این همه سال که بین رتبه ۸ تا ۱۶ رده‌بندی فدراسیون جهانی والیبال هستیم و تیم‌های پایه ما جزء بهترین تیم‌های قهرمانی آسیا و جهان هستند و پشتوانه‌ها و تیم خوبی داریم، شاهد چنین اظهارنظری از کادرفنی تیم هستیم. اگر بردن یادمان رفته است؛ چگونه در این بازی دو بر یک جلو بوییم یا آلمان و چین را بردیم

قهرمان شدیم. موضوعی که نشان می‌دهد تیم در جایگاه بالایی قرار داشت. سال گذشته و بعد از یک سال ما در هفته اول سه بر صفر به ژاپن باختیم، اما در نهایت با وجود کم‌تجربگی کادرفنی و بازیکنان به جمع هشت تیم نهایی لیگ ملت‌ها صعود کردیم و هفتم شدیم، اما حالا بعد از گذشت دوسال تیم ما بهتر که نشده هیچ، بدتر هم شده است. تیم ما باید در این دو سال بهتر می‌شد، اما به‌رده‌بندی در رنکینگ فدراسیون جهانی نگاه کنید؛ ما از ۱۰۰ تیم برتر خارج شدیم و با حذف روسیه در جایگاه پانزدهم قرار داریم و اگر این تیم بود نیز دوازدهم بودیم. اگر نتایج هفته سوم لیگ ملت‌ها محاسبه می‌شد ما با باخت مقابل بلغارستان که رتبه خیلی پایین تری دارد، امتیاز منفی بیشتری می‌گرفتیم.

در این شرایط باید چه کار کنیم؟

وضعیت ما خوب نیست و این وضعیت بهتر هم نخواهد شد. اگر قرار بود بهتر شود با توجه به دلایلی که گفتم باید شاهد این موضوع بودیم. در حال حاضر ژاپن جای ما را در رنکینگ فدراسیون جهانی گرفته و این بهترین گواه است. دیگر این رنگ خطر نیست و خود خطر است. رنگ خطر هفته اول و دوم بود، اما بازی با بلغارستان دیگر رنگ خطر نیست و عین واقعیت است. بازیکنان بلغارستان در بازی مقابل ما بسیار ضعیف بودند و توپ‌شان سخت از تور رد می‌شد، اما ما نتوانستیم این تیم را ببریم. از لحاظ تاکتیکی تیم ما خیلی دچار چالش است.

با این شرایط پیش‌بینی شما از نتایج تیم ملی در قهرمانی آسیا در ارومیه، بازی‌های آسیایی و مسابقات کسب سهمیه المپیک چگونه است؟

تیم ما با توجه به میزبانی قهرمانی آسیا و حضور تماشاگران قطعاً با همین وضعیت موجود نیز شانس قهرمانی دارد. در بازی‌های آسیایی نیز شانس صعود به فینال را داریم؛ البته باید ببینیم ژاپن با ترکیب اصلی شرکت خواهد کرد یا تیمش را درگرو می‌کند. اگر ژاپن با تیم اصلی نیاید ما توانایی شکست دیگر تیم‌ها و قهرمانی را داریم. در مسابقات کسب سهمیه المپیک در برزیل با هر وضعیتی هیچ شانس نداشتیم و در این مسابقات جزء دو تیم انتخاب شده نخواهیم بود. باید ببینیم در پایان لیگ ملت‌های سال ۲۰۲۴ در رنکینگ چه وضعیتی خواهیم داشت تا ببینیم به المپیک صعود می‌کنیم یا نه. با وضعیت موجود این تیم در برزیل قطعاً جزء دو تیم صعودکننده نخواهد بود، اما آرزوی موفقیت تیم ملی و بهبود شرایط موجود را دارم.



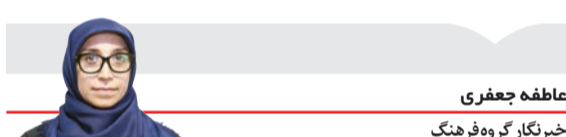
جامعه ایران با حضور طیف‌های مختلف در جشن چند میلیونی غدیر، اتصال دینی با وجود تکثر اجتماعی را به رخ اپوزیسیون و متحجران کشاند

وحدت عین کثرت

وسیع باهم در ارتباط باشند و اجتماعات بزرگی همچون جشن بزرگ غدیر علاوه بر اینکه نمایشگاهی جذاب از انسان‌های درون یک شهر است، این امکان در کنار هم بودن آدم‌ها را برایشان فراهم می‌کند. حضور یک فرد در اجتماع بزرگ انسانی، نه تنها او را در پیوند و ارتباط با دیگری توانمند می‌سازد، بلکه به او یک هویت جمعی می‌بخشد و اعتمادبه‌نفسش را بالاتر می‌برد. در جامعه مدرن شده امروز ارزش و جایگاه ویژه‌ای برای اجتماعات انسانی قائل هستند و جامعه‌شناسان این رویدادها را فرصتی برای انسان گرفتار در فردیت می‌دانند تا از بند تنهایی بیرون آیند. به نظر می‌رسد که هر چه پیش‌تر برویم، جشن بزرگ غدیر، این امکان را بیشتر فراهم می‌کند که آدم‌های بیشتری از جامعه ایران با آن درگیر شوند. اگر ابعاد انسانی این جشن بزرگ، گرفتار تصمیمات فردی و سلیشه‌ای قرار نگیرد و همچنین بتواند امکان‌های متنوعی را برای حضور حداکثری جامعه ایران فراهم کند، در سال‌های بعد می‌توان شاهد برکات بیشتری از این رویداد بزرگ ملی باشیم.

دو گروه هستند که نمی‌خواهند تمام جوانب جامعه ایرانی که در جشن غدیر حضور داشته را نمایش دهد؛ گروهی که مادام در حال تصویرسازی کلیگ و مجموع از جامعه ایران است و می‌خواهد لباس دیگری بر تن مردم ایران بپوشاند. در چنین تصویرسازی‌ای، اجزایی از اجتماع انسانی داخل خاک ایران را می‌بینیم که از گزاره‌های دینی فاصله گرفته‌اند و در حسرت برگزاری جشن‌های هالوین و ولنتاین هستند. برای این گروه که عموماً در رسانه‌های خارجی بی‌توجه بوده، دیدن اجتماع بزرگ انسانی غدیر گران تمام می‌شود و در بیشتر مواقع آن را بایکوت یا تحریف می‌کنند. اما گروه دومی را هم داریم که نمی‌تواند همه واقعیت جامعه دیندار امروز ایران را ببیند؛ اینها که متأسفانه در بدنه مدیریتی و سازمانی کشور هم حضور دارند، فاقد این توانایی هستند که چتر اجتماعی چنین رویدادهایی را بر گستره وسیعی از جامعه ایران پهن کنند. خطر این گروه دوم اگر از اولی بیشتر نباشد، کمتر نیست و از عوامل موثر در تشدید شکاف اجتماعی هستند. جامعه امروز ما پیش از هر زمان دیگر نیازمند کانال‌هایی است تا افراد در یک گستره

فهم است. این شادی عمومی محلی برای اجتماع همه مردم ایران است با همه آن تفاوت دیدگاه‌ها و البته تپ‌های متنوعی که دارند و اگر فردی با دیدن یک خانم ضعیف الحجاب در این جشن دینی، تعجب می‌کند به خاطر این است که نه می‌تواند پیچیدگی‌های جامعه ایران را درک کند و نه می‌تواند از آن تصویر کلیشه‌شده‌ای که برایش ساخته‌اند، رها شود. پیش از این در گزارش‌هایی در مورد اینکه جامعه ایران سانسور می‌شود صحبت کردیم با طرح این پرسش که چرا گروه‌هایی تلاش دارند تصویر ناقص از جامعه ایرانی به نمایش بگذارند. در اسفندماه سال گذشته گزارشی با عنوان «ایرانی که نمی‌بیند» در روزنامه «فرهیختگان» منتشر شد که بر مبنای نتایج یک مرکز افکارسنجی آمده بود که ۸۸ درصد بانوان کم‌حجاب تهرانی خدا باورند. واضح است رسانه‌هایی که اهداف و رویکردها فقط در پهنه سیاسی تعریف می‌شود، علاقه‌ای به دین این آمار ندارند و به دنبال برجسته کردن رفتار غیردینی بخش محدودی از مردم ایران و تمهیم دادنش به کلیت جامعه ایران هستند.



عاطفه جعفری خبرنگار گروه فرهنگ

برای دومین سال پیاپی در روز عید مبارک غدیرخیم، اجتماع بزرگ انسانی در سراسر کشور برپا شد و خیابان‌های ایران با شور و شوق خانواده‌ها گره خورد. این رویداد بزرگ، فارغ از ابعاد شکل‌گیری و ضریب بافتنش، می‌تواند به عنوان یکی از جلوه‌های انسانی از جامعه ایران مورد بررسی قرار گیرد. سال‌هاست که رسانه‌ها و به‌خصوص تلویزیون، نتوانسته‌اند تصویری عمومی از جامعه دینی ایران به نمایش بگذارند و هرگاه سراسر یک فرد دیندار رفتند، شمایلی کلیشه‌شده از آن سساخته است. قطعاً برای آنهایی که عادت ندارند، جامعه ایران را فارغ از این کلیشه‌های مرسوم ببینند، دیدن تصاویر مردم در جشن بزرگ غدیر غیرقابل

فرصت شادی را حذف نکنید

می‌کنند. از طرفی می‌توان به رابطه نشاط و سلامت اجتماعی که یک رابطه دوسویه است، اشاره کرد. در واقع افرادی که از سلامت جسمی و روانی برخوردارند احساس شادمانی بیشتری دارند. از طرف دیگر افرادی که شادمان‌تر هستند کمتر از افراد آفسرده بیمار می‌شوند و کمتر نیز در اثر امراض می‌میرند. البته در دنیای امروز تمرکز بر فرد و خود زیاد شده است. بسیار شنیده و دیده‌ایم که می‌گویند خودت مهم هستی و به جمع و دیگران کاری نداشته باش؛ موضوعی که می‌تواند انسان‌ها را ناخودآگاه به سمت فردگرایی ببرد و از توجه به اجتماع بازدارد و حتماً باید برای این موضوع برنامه‌ای داشت. چنین جشن‌هایی که به دین ما گره خورده است و بردن آن به خیابان و کارناوال داشتن حتماً می‌تواند کمک‌کننده باشد برای اینکه نشاط در جامعه به وجود بیاید و انسان‌ها را از آن فردگرایی نجات دهد. محمدی در مورد این موضوع می‌گوید: «به ذات برگزاری این مراسم خوبی است، چون جامعه ما با توجه به مذهبی بودن به این جور جشن‌ها احتیاج دارد. ما فقط برای مراسم نیمه‌شعبان چنین مراسمی را در خیابان‌ها برگزار می‌کردیم و چندین سال است که آن هم پرشور برگزار نمی‌شود و همه چیز به داخل مساجد و هیئات برده شده است. بگذارید کمی از منظر اسلام به نشاط در جامعه توجه کنیم. از نظر اسلام و قرآن، مومن شادترین انسان است، چون هرگز از سختی روزگار گلیزه ندارد و در سبک زندگی اسلامی شکوه و ناله نمی‌کند. دنیا را محل ماندن نمی‌داند و یک توقفگاه موقت به حساب می‌آورد. سختی‌ها را تحمل می‌کند و در انتظار وصال پروردگار، لحظه‌ها را با احساس رضایت و شادمانی سپری می‌کند. خداوند تبارک و تعالی نیز به خاطر این رضایت شادمانی مومن، عاشقانه او را دعوت به بهشت مخصوص خود می‌کند. لحظه‌های شادمانی را برای او رقم می‌زند. اسلام دین شادی و حلاوت و نشاط است، اما شادی آمیخته با فساد را تجویز نمی‌کند و برای مسلمانان سبک‌سری، هرزگی و توهین را به‌بهانه شادی روانی نمی‌داند. خداوند می‌فرماید در راس همه عوامل شادی و نشاط ایمان به خدا و تقوی الهی است و در سایه دین است که شادی واقعی به‌دست می‌آید.»

بعد از همه این مقدمه‌ها می‌رسیم به موضوع اصلی این گزارش، برگزاری جشن‌هایی که باعث نشاط اجتماعی می‌شوند؛ پذیرش این موضوع که یکی از نیازهای بشر امروزی ایجاد فرصت‌هایی برای شادی و نشاط است، حرفی درست و منطقی است؛ چراکه امروزه بیش از هر زمانی نیاز به شادی احساس می‌شود. در گذشته نیاکان ما به خوبی برای ارتقای سلامت روان به مناسبت‌های مختلف جشن می‌گرفتند تا شادی را به خود و دیگران هدیه کنند. محمدعلی محمدی، جامعه‌شناس درباره نشاط اجتماعی می‌گوید: «به‌طور کلی می‌توان گفت که احساس نشاط به احساسات مثبت فرد و رضایت خاطر او از زندگی مربوط می‌شود و یکی از خلیقات اساسی در زندگی فرد است و نقش مهمی در چهارچوب حیات روانی و اجتماعی بازی می‌کند. خداوند سبحان در کتاب آسمانی خود قرآن نگاه جامع و همه‌جانبه به مسأله نشاط دارد خداوند نتیجه فضل و رحمت خود را برای بندگان شادمانی می‌داند و در جای دیگر شادمانی را نتیجه کسب پیروزی افراد در امور تلقی می‌فرماید. معنای چنین سخنی این است که در دین اسلام زندگی با نشاط نعمت و رحمت خداست و اسلام همواره به زدودن اندوه از دل افراد مومن سفارش می‌کند؛ کم‌اینکه لفظ شادی در قرآن ۲۵ بار تکرار شده است. همچنین احادیث زیادی نیز در این مورد بیان شده که به یک مورد آن اشاره می‌کنم؛ امام صادق (ع) می‌فرمایند: «شاد کردن مومنان و مسلمنان هم تراز شاد کردن خداوند قرار گرفته است.» عوامل زمینه‌ساز نشاط اجتماعی مختلفی است؛ از جمله آنها می‌توان به عوامل مختلفی از قبیل شایسته‌سالاری، مشارکت اجتماعی، برنامه‌های تفریحی و ورزشی، امنیت شغلی، موفقیت‌های اجتماعی، معنویت، احساس امنیت اجتماعی و روانی، تقویت هویت فرهنگی (دینی، ملی و بومی)، الگوهای تربیتی، وضعیت اقتصادی جامعه و... اشاره کرد. زمانی که مردم جامعه از نشاط اجتماعی برخوردار باشند، وفاق، همبستگی، تعلق اجتماعی، تعاملات اجتماعی مطلوب، رضایت از زندگی و سلامت روانی و اجتماعی افراد افزایش می‌یابد و موانع آن‌سبب‌های اجتماعی نیز کاهش می‌یابد؛ زیرا مشارکت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری در میان مردم بیشتر می‌شود و مردم آن جامعه احساس زنده بودن

لازمه جامعه اسلامی: داشتن نشاط اجتماعی

نمی‌دهد و فقط هنگامی به آنها می‌پردازد که ناظری بر کارش وجود داشته باشد. حالا بعد از همه این موضوعات، می‌رسیم به زندگی اجتماعی در جامعه دینی که مطمئناً کمی متفاوت با جوامع دیگر است. اسلام برای زندگی اجتماعی اهمیت ویژه‌ای قائل است، تا جایی که حتی در عبادات که ارتباط بین خلق و خالق است، اصل بر انجام دسته‌جمعی بوده و مشق‌های زیادی برای آنها قرار داده شده است. پیامبر (ص) می‌فرمایند: «از جماعت جدا نشوید، از پرانگیزی بپرهیزید.» همچنین می‌فرماید: «دست‌خدا را بر سر جماعت است. هنگامی که یکی از آنها از جمعیت جدا شود و به انزوا روی آورد شیطان او را می‌رباید، همان‌گونه که گرگ، گوسفند جدا شده از گله را می‌رباید.» وحید سهیلی، پژوهشگر علم اجتماعی اسلامی در مورد معنای خاص جامعه می‌گوید: «می‌توانیم از دو جنبه به بحث جامعه‌نگاه کنیم که این بحث، بحث مهمی است. ما یک بار معنای لغوی اجتماع و جامعه را لحاظ می‌کنیم. در معنای لغوی به خود لفظ که نگاه می‌کنیم، این لفظ دلالت به مفهومی می‌کند که شایسته‌یاد تفاوتی بین اجتماع و جامعه را احساس نکنیم. آن چیزی که به لحاظ تاریخی در غرب اتفاق افتاد، این بود که جامعه‌اروصل به زندگی اجتماعی کردند که در مدرنیته دوران مدرن به‌وجود آمده؛ یعنی به لحاظ تاریخی، جوامع غربی از اصطلاح جامعه استفاده چندانی نمی‌کردند و از اجتماعات انسانی صحبت می‌کنند. مخصوصاً هر چه به ابتدای تاریخ برمی‌گردند، استفاده از اصطلاح جامعه کم‌نگ‌تر می‌شود و هر چه به مرز مدرنیته نزدیک‌تر می‌شوند، مولفه‌های زندگی جمعی را پررنگ‌تر دنبال می‌کنند و از اصطلاح جامعه راحت‌تر استفاده می‌کنند. به همین خاطر جامعه‌شناسی که در غرب شکل گرفت، دنبال مطالعه جامعه مدرن بود و به همین دلیل مردم‌شناسی را مقابل آن قرار دادند که جوامع بدوی، یعنی اجتماعات را مورد مطالعه قرار می‌دادند. البته بعدها این اصطلاح دوباره تغییراتی پیدا کرد؛ کم‌اینکه در تاریخ هر علمی این اتفاق رخ می‌دهد. اما به لحاظ تاریخی، کمی بین اجتماع و جامعه در اصطلاح جامعه‌شناسان تفاوت قائل می‌شوند. از منظر اسلامی، بین اجتماع و جامعه یعنی بین حیات اجتماعی انسان یک تفکیک وجود دارد که شکل غربی آن در قرن ۱۸ و ۱۹ اتفاق افتاد و خیلی به این موضوع قائل نمی‌شود و چنین دیدگاهی وجود ندارد. انسان‌ها همیشه در یک زندگی اجتماعی بودند و به قولی مدنی بالطبع بوده و هستند و در واقع ذیل یک سری از نیازها و اموری که در طبع، فطرت و وجودشان قرار داده شده، یک بعد از زندگی‌شان بعد حیات اجتماعی است. این تفکیک بین اجتماع و جامعه در جامعه‌شناسی موجود تقریباً مرسوم است. مخصوصاً بین نظریه‌پردازان کلاسیک که در نگاه اسلامی چنین دیدی وجود ندارد.»

اجتماعی شدن فرآیندی است که به انسان شیوه‌های زندگی کردن در جامعه را می‌آموزد، به او شخصیت می‌دهد و توانایی‌هایش را در جهت ایفای وظایف فردی به‌عنوان عضوی از جامعه توسعه می‌بخشد. این صحبت‌نسرین دانایی، جامعه‌شناس ما را به سمت این می‌برد که بدون اجتماع زندگی کردن ناممکن است، مخصوصاً زندگی در جامعه اسلامی. هر فردی در خلال اجتماعی شدن شناخت لازم برای ایفای نقش‌های اجتماعی را به دست می‌آورد. این روند بسیار گسترده و پیچیده که در طول زندگی هر فرد تداوم می‌یابد، شامل آموزش زبان، باورها و نگرش‌ها و ارزش‌های جامعه است و به فرآیندی رفتارهای مناسب با هنجارهای پذیرفته‌شده جامعه منجر می‌شود. بنیادی‌ترین بخش در حضور جمعی، در دوران کودکی رخ می‌دهد اما این روند در سراسر عمر آدمی ادامه پیدا می‌کند. کودک از سویی به‌طور کامل بیرون از جامعه است و از نیازهای فیزیولوژیک خود که از طریق آمادگی جسمانی اش مشخص می‌شود، پیروی می‌کند. از سوی دیگر جامعه‌شناسی می‌تواند به‌طور مستقیم به او بیفزاید، مگر به‌طور کلی از طریق والدین او آن هم برای ارضای نیازمندی‌های جسمانی اش. حتماً تفاوت است، بین کسی که سعی می‌کند به صورت فردی در ارتباطات اجتماعی حاضر شود با کسی که در جمع حضور پیدا می‌کند؛ چرا که همین حضور بر رفتار فرد تأثیرگذار است. جامعه‌شناسان معتقدند برای آنکه اعضای جامعه ارزش‌های فرهنگی جامعه خود را بپذیرند و با دیگر افراد جامعه همانند شوند باید از راه‌های اصلی جامعه‌پذیری یعنی یادگیری و درونی کردن هنجارهای اجتماعی استفاده کرد. برای اینکه افراد در جامعه به سمت حضور در اجتماع و ارتباطات اجتماعی بروند، یادگیری مهم‌ترین چیز است. یادگیری فرآیندی است که به وسیله آن هر موجود زنده اطلاعات لازم را برای تغییر رفتار از طریق تجربه کسب می‌کند. مثلاً فکر کنید که کودکی که والدینش او را وادار به رعایت نظافت، داشتن اخلاق خوب و پیروی از آداب معاشرت می‌کنند؛ تابع نوعی یادگیری می‌شود که به وسیله تکرار حرکات و رفتارهای ویژه در ذهن او تثبیت می‌گردد. عوامل بسیاری در یادگیری یادگیری مؤثرند؛ مانند توانایی، جدیت، شایستگی، تندرستی، رغبت یادگیرنده، عادت‌های شغلی، گروه همگنان، معلمان، شکل و محتوای آنچه از رسانه‌های گروهی بر فرد عرضه می‌شود و تکرار، تقلید، یادداشت و تنبیه و آزمایش و خطا. هر فردی در فرآیند اجتماعی شدن، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی جامعه خود را کسب می‌کند و آن حالت را برای خودش درونی می‌سازد. این امر نیاز به طی مراحل دارد مثل کشش متقابل با دیگران، تجربه‌پذیری عاطفی و... حالا اگر ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در فرد درونی نشود، فرد آن را با رغبت و رضایت انجام

ادامه از صفحه ۱۲

یادداشت

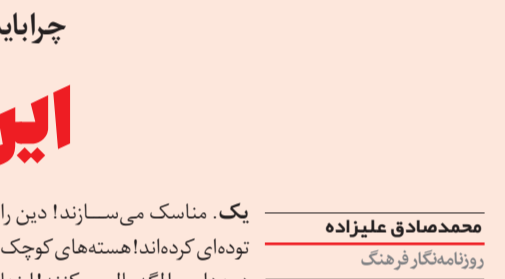


میلاذ جلیل‌زاده

خبرنگار گروه فرهنگ

جشن بزرگ غدیر امسال هم مثل سال قبل باشکوه بود. اینجا جایی نیست که بشود گفت حکومت با اتوبوس از جاهای دیگر آدم آورده تا جمعیت را زیاد کند. نه امکان چنین کاری وجود داشت نه حجم جمعیت طوری بود که بشود با اتوبوس و امثال آن فراهمش کرد. از طرفی اینها همه تهرانی هستند و تهران یعنی همان شهری که عموما طور دیگری شناخته می‌شود. مگر تهران یک شهر مدرن شده نیست که نسبت به سایر نقاط ایران، فاصله بیشتری با سنت‌ها گرفته‌است؟ مگر عادت جماعت مذهبی بیشتر این نیست که اجتماعات‌شان مربوط به سوگواری باشد؟ مگر اجتماعات مذهبی فراگیر، چه عزا و چه جشن، معمولا در واحدهای محلی کوچک سازماندهی نمی‌شوند؟ خیلی‌ها فکر می‌کنند اگر نسبت‌های فامیلی و علقه‌های محلی نباشد تا افراد را دور هم جمع کند، عزاداری محرم هم به این شکوه و عظمت نمی‌رسید. اما جشن بزرگ غدیر همه را یکجا کنار هم جمع کرده‌است. خیلی چیزها با نگاه به همین رویداد نسبتا جدید، تعریف تازه‌ای می‌طلبند و خیلی از گزاره‌های کلیشه‌ای اعتبارشان را خواهند باخت. حالا بیایید سسوال‌های جدیدتر و البته جدی‌تری از خودمان بی‌رسیم. چرا تا به حال چیزی شبیه راهپیمایی غدیر نداشتیم؟ آیا موانع این مسیر از

یادداشت



محمدصادق علیزاده

روزنامه‌نگار فرهنگ

شاید سرفصل نغدهایی استس که این روزها بر گرد همایی‌هایی از جنس میهمانی ۱۰ کیلومتری و ۸ کیلومتری و ۵ کیلومتری و هر چند کیلومتری‌اش می‌تازند به زیر اخیه می‌کشندش! واقعیت را بخواهید حرف زدن در این فقره محتاج آن است که فرد قبلا تکلیفش را با چند سسوال و موضوع مشخص کرده باشد. تا موضع فرد نسبت به فقراتی که در ادامه مطرح می‌شوند مشخص نشده باشد، اصولا موضع و حرف و نظرش در رابطه با ایسن موضوعات، با همه تقدها و بی‌سلیغی‌هایی که بعضا در مقام اجرا بر آنها وارد است، صرفا عباراتی بی‌ریشه و روی هوایند.

دو. «مناسک» چیست؟ سوای برخی مناسک مسلم دینی که حول اصول مسلم شکل گرفته‌اند نظیر حج، جاری شدن خطبه عقد، روزه رمضان و امثالهم مگر برای الباقی مفاهیم دینی، فرم و شکل مسلمی داریم؟ فی‌المثل فرم و شکل مفهوم حجاب به‌رغم ثابت بودنش در اصول مسلم دینی مگر در فرهنگ مسلمانان آندونزی و شیعیان عراق و مسلمانان ترک یا اوغورهای چین «یکسان» و «همسان» است؟ اصلا همین مناسک عاشورایی را بگذاریم زیر ذره‌بین تحلیل که حضرات بند قبل سالی یک‌بار در پدیده‌ای نظیر اربعین سراسش می‌روند. «سنت» را گذاشته‌اند معیار و هر آیینی که هم‌فرم این سنت نباشد به زعم حضرات، انحراف در مناسک است و توده‌ای کردن دین و الخ! یکی هم پیدانمی‌شود بگوید اگر رد بسیاری از همین سنت‌های عاشورایی را بگیرید و در طول تاریخ عقب عقب بروید، نهایتش به آل‌بویه می‌رسید. صفویان آل‌بویه بشخور عمده مناسک -به‌تعبیر حضرات سنت‌های- عاشورورا هستند. حال اگر در زمان آل‌بویه باشیم و بخواهیم با منطق

یادداشت



هومن جعفری

خبرنگار

چه نیازی به نوشتن و فلسفه بازی برای غدیر داریم؟ چه نیاز به توجیه یا توضیح این جشن؟ غدیر جشن کوه‌ها و محله‌های ماست، حالا خیابانی شده. رشد کرده. سر و شکل گرفته، زمان بچگی ما عید محله‌ها بود. عید فامیل. عید ما سیدها که باید مورد تبریک و خوشامدگویی بقیه قرار می‌گرفتیم. غدیر زمان ما از این جشن‌های امروزی نداشت. نمی‌گویم بهتر بود یا بدتر. آن روزها زمانه دیگری بود که امروز دیگر در موردش نمی‌توان قضاوت کرد.

حالا عید در زمانه هشتگ‌ها و در مواجهه با شبکه‌های اجتماعی و همسایگی فضای مجازی شکل می‌گیرد و آن خانه‌ها و نذرآدان‌ها و مولودی خوانی‌ها، انگار شعبه‌ای هم در فضای مجازی دارند. انگار می‌توان دید و لمس کرد و فهمید که درست عین همه چیزهای دیگری که در زندگی عادی خودمان داریم، هر عیدی، هر مناسبتی، هر شادی و عزایی، هر چیزی به یک «ایونت» یا رخداد تبدیل می‌شود که باید جنبه بیرونی و تبلیغی و مجازی پیدا کند. اصل ماجرا این استس که حالا «پرفورمانس» یا «نمایش» دیگر فقط شکل عرضه نیست. انگار

پیرامون دومین جشن بزرگ غدیر در تهران و تفسیرهایی که از آن می‌شود

این شگفتی نیست، حقیقت است

جانب آدم‌های سنتی بود یا افراد دارای دیدگاه مدرن؟ کدام گروه این پتانسیل بزرگ و شوق عظیم را در بطن جامعه، با هر جبری مدفون نگه داشته بود و اجازه تولدش را نمی‌داد؟ بدون تردید هم بخشی از کسانی که خودشان را مدافع سنت می‌دانند در این تاخیر سهیم هستند و هم تعدادی از آنها که خود را حامی مدرنیسم می‌دانند. مشکل اصلی از فهم کلیشه‌ای این مفاهیم برمی‌خیزد.

کدام سنت، کدام مدرنیته؟

از این عبارات زیاد شنیده‌ایم؛ تلفیق سنت و مدرنیته، جدال سنت و مدرنیته، تردید یا تردیدبین خطوط سنتی و جهان بینی مدرن و… طبیعتا همه وقتی می‌گویند سنت، یک معنای واحد را مستفاد نکرده‌اند و در مورد مدرنیسم هم همین است. پس آنچه روی‌روی هم قرار می‌گیرد هم لزوما یک معنای واحد نمی‌دهد. در خیلی از موارد، چالشی ایجاد شده که اصیل نیست یا لااقل در ذهنیت و روش افرادی دیگر می‌توانست چالش نباشد و در مواردی دیگر میل اشتباه به تلفیق دو امری که روح متفاوتی دارند، یک مولود بدفرم و بی‌اصالت پدید آورده‌است. اگر کسی سنت را مقابل مدرنیسم می‌گذارد اولا باید ببینیم آیا آنچه او سنت پنداشته، یک معنای عام و حقیقی دارد یا نه. بعد باید به سراغ این برویم که ببینیم او فهمش از مدرنیسم چیست؟ آیا او همان چیزی را خصم یا دیگری تصور کرده که بقیه هم مقصودشان از مدرنیسم همان است؟ درمورد تلفیق اینها هم باید باز به همین نحو کنکاش کرد. سال گذشته وقتی استقبال مردم تهران از جشن کیلومتری غدیر شکل

چرا باید از ایده‌هایی مانند میهمانی‌های هر چند کیلومتری دفاع کرد؟

این منتقد‌های آیین ندان

«سنت» و «مناسک‌سازی» و «فریبهی مناسکی» با آیین‌های عاشورایی برخورد کنیم تکلیف چیست؟ چگونه است که گردهمایی مسلمان و موحدین حول یک «اصل» و آیین ساختن از آن حول مفهوم «عاشورا» در عصر آل‌بویه می‌شود معیار مناسک ولی همین کار در عصر حاضر می‌شود «مناسک‌سازی»؟

سه. آیین (به مفهوم جامعه‌شناختی‌اش نه به مفهوم ایدئولوژیکش) را در مطالعات جامعه‌شناختی هم به رسمیت شناخته‌اند. در عجبم از آکادمیسین‌های وطنی که آن را حول مفاهیم دینی برنمی‌تابند. آیین‌گرد هم آمدن اعضای یک اجتماع است. نوعی گرد هم آمدن که از سر اجبار نیست، داوطلبانه و از روی اختیار است. کارکردش؟ ایجاد «هویت»، تقویت هویت فردی و پیوند زدن فرد با جهان بینی و مفاهیمی که حتی از نظر زمانی و مکانی ممکن استس با آن فاصله داشته باشد. درواقع فرد با حضور در این آیین‌ها، کیستی و چیستی خود را به این مفاهیم پیوند زده و خود و زندگی‌اش را ذیل این مفاهیم معنادار می‌کند؛ حال می‌خواهد این جهان بینی فرهنگ کی‌پاپ باشد یا پرپها یا حج اسلامی یا جهان‌بینی سرخ‌پوستی که آیینش را در قالب رقص دور آتش به معینت و عالم خارج درمی‌آورد.

پدیده‌هایی نظیر میهمانی‌های هر چند کیلومتری هم از همین سنخند. نوعی آیین و گردهمایی و جمع شدن انسان‌ها که بعضا حتی خطبه غدیریه هم برایشان خوانده نمی‌شود و کودکان روی سرسره‌های بادی لذت‌شان را می‌برند اما نفس این گردهمایی ذیل یک جهان‌بینی تعریف شده‌است. خب سوال اینجاست در زمانه‌ای که فرهنگ بولدوزرآب فرنگی از زمین و زمان و فیلم و اینترنت، فکر و ذهن و روان انسان شرقی را هدف گرفته و به ضرب و زور در پی این همانی دختر و پسر ایرانی با هم جنس‌های فرنگی‌اش است، چه ایرادی دارد در پی احیای مجدد هویت شرقی و ایرانی و اسلامی باشیم و در

فرهنگ

farhikhteganonline

۰۰۰۰

فرهنگستان

www.fdn.ir

چارسو

واکنش وزیر ارشاد به ضد و نقیض‌های نظارت بر نمایش خانگی



محمد مهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در گفت‌وگو با تسنیم با اشاره به مصوبه اخیر شورای عالی انقلاب فرهنگی درخصوص نظارت بر شبکه نمایش خانگی، گفت: «در بند ۱ آن توافقنامه همه وظایفی که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تا امروز در حوزه فضای خارج از صوت و تصویر فراگیر دارد، برعهده وزارتخانه است. به‌جز چند مورد خاص ازجمله بحث سریال‌ها که آنجا نمایندگان‌ی از ارشاد کنار دوستان هستند و در بحث پخش زنده‌ها هم این تفکیک اتفاق افتاده است. درواقع حدود دو‌مورد از این وظایف نیز که در اختیار همکاران‌مان در صداوسیماست به‌دلیل نزدیکی کارکردش با این کار همکارانم در شورا‌های صدور مجوز و ساخت آن حضور دارند. همچنین برای اینکه سیاست‌ها و برنامه کاملی هم اتفاق بیفتد، کارگروهی مشترک با ابلاغ رئیس‌جمهور و مسئولیت دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی و عضویت وزیر ارشاد و رئیس صداوسیما، دبیر شورای عالی فضای مجازی و چند شخصیت حقیقی و حقوقی دیگر درحال شکل‌گیری است. قرار شده آنجا طرف سه‌ماه بنشینند و سیاست‌های کامل این بحث را تدوین کنند.» وی همچنین گفت: «ما آیین‌نامه نظارتی‌مان در این حوزه یک آیین‌نامه مشترک است؛ هم در سینما و هم در نمایش خانگی. ما بنا داریم بر فیلم‌های سینمایی را -که در جریان نمایش خانگی و وی‌اودی‌ها بارگذاری شده‌اند و بارگذاری می‌شوند- با استفاده از آیین‌نامه‌های موجودمان نظارت کنیم. شاخص‌ها و معیارهایمان تفاوت نکرده، درواقع تفاوت محل انتشار باعث تفاوت معیار نمی‌شود. با معیارهایی که به‌صورت روشن و قانونی برای نظارت بر خارج از فضای صوت و تصویر فراگیر داریم در این حوزه هم نظارت و ارزیابی اتفاق می‌افتد.»

سازمان منافقین مملو از سوزه دراماتیک است!



لیلی عاج که با فیلم «سرهنگ ثریا» در نخستین جشنواره بین‌المللی فیلم حوا حضور دارد، درباره شکل‌گیری ایده این فیلم به بیان خاطراتی از زمان تولید آن پرداخت و بیان کرد: «پدر و مادرم در اصل متعلق به گیلانغرب از شهرستان‌های مرزی و جزء شهرهای مقاوم در جنگ تحمیلی هستند. پدربزرگم کشاورز بود و در زمین کشاورزی‌شان تابلویی سبز قرار داشت که روی آن نوشته بود چند کیلومتر تا کر بلا باقی مانده‌است. وقتی حمله مرصاد اتفاق افتاد، او در آن زمین مشغول کشاورزی بود و برای حفظ جان خود که بده پناه برد و گم شد. این خاطره کودکی همیشه همراه من بود و دلم می‌خواست روزی درباره آن بنویسم.» او افزود: «من برای ساخت یک فیلم مشغول نوشتن این خاطره شدم اما به‌نظرم فیلمنامه‌ای که نوشته شده، درست درنیامد و درگیر سوزه سازمان منافقین شدم. جست‌وجوهای زیادی کردم و فیلم‌ها و مستندهایی را که درباره سازمان بود، می‌دیدم تا اینکه به یک عکس برخورد کردم. این عکس مربوط به خانواده‌هایی بود که کنار سیم‌خاردهای یادگان اشرف ایستاده بودند.» کارگردان فیلم سرهنگ ثریا تصریح کرد: «به‌نظرم تصویر این عکس انعکاس یک رخداد متفاوت و عکسی گویا و مادرانه بود و به‌عبارتی درام داشت، بنابراین سوزه فیلم من از قصه پدربزرگم به‌سمت خانواده‌ها تغییر کرد، لذا اول درباره این عکس و قصه یادگان اشرف نمایشنامه‌ای را نوشتم که روی صحنه رفت و کتاب آن هم چاپ شد و سپس نسخه سینمایی آن را در سرهنگ ثریا کلید زدیم.» او درباره تحقیقات صورت گرفته برای نگارش فیلمنامه این اثر سینمایی بیان کرد: «سراسر سال ۱۴۰۰ را درگیر تحقیق و نگارش فیلمنامه سرهنگ ثریا بودم. این سازمان بارها انقلاب ایدئولوژیک داشته، پوست‌اندازی کرده و تغییر روش داده‌است، بنابراین خودش به‌تنهایی به‌عنوان یک گروهک انحرافی پر از سوزه‌های دراماتیک است.»

سرانجام وعده کمک ۲۰ میلیاردی رئیس‌جمهور به هنرمندان پیشکسوت



به گزارش خبرگزاری فارس، چندی پیش وعده‌ای از کمک ۲۰ میلیاردی به موسسه هنرمندان پیشکسوت در رسانه‌ها مطرح شد، کمکی که گویا رئیس‌جمهور قول آن را داده‌است. حال بعد از گذشت مدتی از این خبر امروز در برنامه تولد مردادماه‌های این موسسه، داریوش ارجمند به‌عنوان رئیس هیات‌مدیره موسسه هنرمندان پیشکسوت پشت تریبون رفت و از محقق نشدن قول رئیس‌جمهور خبر داد. «وی با گلایه از عدم تحقق بودجه‌ای که قرار بود به موسسه هنرمندان پیشکسوت تعلق گیرد، گفت: «مرد است و قولش. قرآن می‌گوید به عهد خود وفا کنید اما ۱۵ ماه پیش آقای رئیسی قولی به یکی از همکاران ما دادند که هنوز خبری از آن نیست.» وی تأکید کرد: «آقای رئیسی یک شاهی از ۲۰ میلیاردی که شما قولش را داده‌اید به ما نرسیده‌است. به‌قول خود وفا کنید که موسسه هنرمندان پیشکسوت بتواند نفس بکشد.»

این هنرمند ادامه داد: «آقای رئیسی امروز که دیگر عضو شانگهای هم شدیم پس پول ما که قولش را داده‌اید بدهید.» بعد از انتشار این سخنان محمود سالاری، معاون هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از تأمین و پرداخت اعتبارات از طرف رئیس‌جمهور به موسسه هنرمندان پیشکسوت خبر داد. محمود سالاری تأکید کرده که این کمک در بودجه سال ۱۴۰۲ موسسه پیش‌بینی شده و بدون هرگونه محدودیت و نگرانی پرداخت خواهد شد.

رئیس هیات‌امانی موسسه هنرمندان پیشکسوت در ادامه اظهار داشت: «طبق روال معمول در سه‌ماهه ابتدای هر سال در بسیاری از دستگاه‌های اجرایی مشکلاتی درخصوص کمک‌های مالی وجود دارد که به مرور حل‌وفصل می‌شود و قطعا تک‌ریم هنرمندان پیشکسوت به‌عنوان سرمایه‌های اجتماعی کشور و حمایت از موسسه هنرمندان پیشکسوت از اولویت‌های وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی است و این موضوع نباید باعث نگرانی اعضای موسسه شود.»

برابر هجوم امپریالیستی فرهنگی که حتی کشورهایی مانند فرانسه و انگلیس را هم حساس کرده دست‌انداز و سرعت‌گیر ایجاد کنیم؟ اصلا ایدئولوژی را کنار بگذاریم و کارکردگرایانه نگاه کنیم؛ این رویدادها(Event) در حکم حصارهای فرهنگی و تمدنی‌اند که در برابر هجوم مغولان عصر جدید در حکم پاسبان فرهنگ ایرانی شرقی‌اند. این قلم معتقد است نه‌فقط در فقره غدیر بلکه در سایر فقرات مذهبی و ملی از روز ملی خلیج فارس گرفته تا میلاد حضرت صاحب‌(عج) باید این آیین‌ها را گسترش داد و در توسعه کمی و کیفی آنها کوشید نه اینکه بای دیفالت با آنها مخالفت کرد و تیشه به ریشه‌شان زد. آیین، می‌تواند قلعه‌ها و حصارهای فرهنگی این دیار باشد و با حفظ ملاحظات و مراقبت می‌توان این حصارها و قلعه‌ها را افزایش داد. آیین‌ها محمل نرم‌افزاری فرهنگ ایرانی شرقی‌اند.

چهار و آخر. آیین در حکم تقویت هویت فردی است. آیین‌گره‌زننده چیستی و کیستی فرد به جهان‌بینی دیگری است اعم از اینکه کی‌پاپ باشد یا راهیان نور دفاع مقدس! اگر مساله هویت داریم، اگر مساله دفاع در برابر امپریالیسم صنعت فرهنگ غالب بر دنیا را داریم و اگر مساله احیا و زنده نگه داشتن فرهنگ و جهان‌بینی ایرانی شرقی مسلمان، حتما یکی از مهم‌ترین راهکارهایش آیین است. تقویت هویت «دین‌داران» و به رخ کشیدن این‌س هویت نه‌فقط الان که در معرض تهاجم تمدنی غرب قرار گرفته‌ایم که اصلا از همان صدر اسلام هم یک مساله بود و مگر جز این است که پدیده‌هایی نظیر حج، رجزهای حماسی در جنگ خواندن و تأکید ائمه هدی(ع) بر یادمان‌سازی عاشورا و زنده نگه داشتن آنها در طول زمان چیزی جز آیین بوده؟ حال این اصول در میان مسلمانان پاکستان شکلی پیدا می‌کنند و در میان مسلمانان هند شکلی دیگر. پس پیش به سوی تقویت و توسعه کمی و کیفی آیین‌ها!

عید یا ایونت؟ مساله این است…

معناگریز و محتواگریز و فرم‌پذیر و فرم‌پسند امروز، کارکرد اصلی و نمادین خود را از دست ندهد. یادمان باشد ما باید جشن غدیر را وارد فضای مجازی کنیم نه اینکه فضای مجازی را وارد جشن غدیر کنیم! جشن خوب است. به زندگی بی‌رنگ ما رنگی دگر می‌بخشد. نظم خسته‌کننده موجود را خراب می‌کند و یک تنوع و تغییر کوتاه ولی دلپسند را اضافه می‌کند. جشن هاتما ما با مفهومی دارند. بار معنایی! هر جشنی که می‌گیریم بزرگداشت چیزی است. تولد خودمان یا عزیزان‌مان یا چیزه‌هایی که برای ما حاصل و حامی ارزش‌هایند. سالگردها همین حکم را دارند. سالگرخ در دادن اتفاقی که می‌تواند ازدواج ما یا ازدواج دو چهره محبوب باشد یا رقم خوردن اتفاقی آتقدر پرمعنا و اثرگذار که باید همچنان گرامی داشته شود.

جشنی که ما دوستش داریم، جشن معنا یا محتواست. دنیایی که امروز در آن زندگی می‌کنیم، دنیای محتواگریز و فرم‌پسند است. این ربطی به غدیر ندارد. ربطی به اسلام یا ایرانیت هم ندارد. زندگی در عصر پلتفرم‌ها به همه به غلط آموخته که فرم بر محتوا مقدم است. از همین رو، در بزرگداشت عیدها و ایام مهم، وقتی قصد داریم در فضای مجازی از آن یاد کنیم یادمان باشد محتوا مهم‌تر است. هر چیز باید در تناسب باشد. محتوا و فرم دو روی سکه یک محصول فرهنگی‌اند. در تطبیق جشن‌ها و اعیاد دینی این نکته از هر چیز دیگری مهم‌تر است. خودمان را با فرم‌ها فریب ندهیم. مردم هنوز دلبسته محتوایند.



جشن غدیر غم‌های جمعی را می‌برد

تاثیر آیین‌های شادی در فضای اجتماعی در گفت‌وگو با صاحب‌نظران

می‌گویند جامعه ایرانی شاد نیست. برنامه برای سوگواری هست اما کمتر به شادی توجه می‌شود. آیا شادی جمعی نیاز یک جامعه محسوب می‌شود؟ یا برنامه‌های ماندن میهمانی غدیر که امسال برای دومین بار برپا شد می‌تواند

نمونه نقضی بر این ادعا باشد؟ برای رسیدن به پاسخ‌های صحیح درباره این پرسش‌ها، لزوم شادی در جامعه و مصداق‌هایی که می‌تواند این نشاط اجتماعی را گسترش دهد، سراسر کارشناسان مختلف رفتیم و نظر آنها را جویا

شدیم. امان‌الله قرآنی مقدم جامعه‌شناس، حسین جلالی نماینده مردم رفسنجان و عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی و حمید بهمنی کارگردان سینما از کارشناسانی بودند که در این رابطه صحبت کردند.

شادی جمعی راهی برای افزایش نشاط در جامعه

امان‌الله قرآنی مقدم، جامعه‌شناس با تاکید بر اینکه عوامل شادی آفرین در جامعه باید پررنگ‌تر شوند، عنوان کرد که میهمانی ۱۰ کیلومتری که به مناسبت عید غدیر برگزار می‌شود، می‌تواند شادی را در جامعه افزایش دهد. این استاد دانشگاه با بیان اینکه شادی یک پدیده نام‌آورد و عوامل زیادی در به وجود آمدن آن موثر است، گفت: «از خانواده و محلی که در آن به دنیا آمده و زندگی می‌کنید، تا اخباری که روزانه پیگیری آن هستید، می‌تواند میزان شادی و نشاط شما را تعیین کند.»

قرآنی مقدم با اشاره به نظریه میدانی کرت لوین، تاکید کرد: «نیروهایی که باعث می‌شود فرد شاد نباشد از خانواده آغاز می‌شود. اگر خانواده آرامش و نشاط داشته باشد، این شادی به همه اعضای خانواده و خودبه‌خود به جامعه‌تسری پیدا می‌کند.»

قرآنی مقدم معتقد است جامعه غمگین، تاثیر خود را در همه زمینه‌ها خواهد گذاشت و آب و هوای غم‌آلود می‌تواند خشم و خشونت را در کشور رواج داده و از نظر اقتصادی، کارایی افراد را کاهش دهد، از نظر سیاسی پدیده‌ی ایجاد کند و از نظر فرهنگی و اجتماعی سلامت روح و روان افراد جامعه را به خطر بیندازد و عمر را کوتاه کرده و آسیب‌های اجتماعی را افزایش دهد.

لزوم تعریف دوباره شادی

حسین جلالی، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی نیز معتقد است جامعه به گسترش فضاهای شاد نیاز دارد. وی با بیان اینکه اسلام‌دین نشاط، شادایی و سرزندگی است، شادی را براساس مفاهیمی دیگر مورد سنجش قرار داد و گفت: «متأسفانه گاهی درباره مصداق‌های شادی دچار اشتباه و سوءتفاهم می‌شویم و شادی‌های کاذب را شادی جمعی و نشاط دینی تصور کرده و فکر می‌کنیم نشاط جمعی در جامعه کم است.»

حسین جلالی اما این تصور را ناشی از یک اشتباه دانست و به همین دلیل معتقد است ابتدا باید تعریف درستی از شادی و نشاط جمعی ارائه داد که برای آن می‌توان به اسلام و توصیه‌های دینی رجوع کرد.

او در این باره توضیح داد: «اسلام درباره مفاهیمی چون نگاه به سبزه یا آب توصیه کرده و آنها را شادی بخش و مستحب دانسته است که قطعا منظور نگاه به یک گلدان یا شیر آب در منزل نیست و توصیه به حضور در طبیعت است. از سوی دیگر ما در اسلام به امام زمان (عج) هم شادی را تجربه می‌کنیم و می‌گوییم «السَّلامُ علی ربيع الانام و نضرة الایام»؛ ایشان را بهار خواب‌زدگان و به‌خواب‌رفتگان و شادی‌بخش روزگاران می‌خوانیم و ایشان را یک چهره آرامش‌بخش و شادی‌بخش تعریف می‌کنیم. پس باید گفت دین منافاتی با شادی جمعی و نشاط ندارد و فقط باید تعریف درستی از آن داشته باشیم و به مصداق اشتباه رجوع نکنیم و شادی کاذب را از شادی واقعی جدا کنیم.»

حمید بهمنی، کارگردان سینما هم از منظر دیگر همین نظر را دارد. او در این باره گفت: «در حوزه دین اگر شادی آفرینی را جست‌وجو کنیم متوجه می‌شویم که دین اسلام تنها با شادی و شاد کردن دیگران مشکلی ندارد، بلکه آن را ترویج هم می‌کند؛ اما جنسی از شادی که دین به آن توصیه می‌کند حتماً شادایی‌هایی که برخی فیلم‌های به‌ظاهر طنز به مخاطب تزیق می‌کنند، متفاوت است. مثلاً در دین ما آمده اگر مسلمانی بتواند دل فردی را شاد و شرایط سخت زندگی را برای او آسان کند، ذخیره‌ای برای دنیا و آخرت او خواهد بود.»

میهمانی کیلومتری؛ مصداقی از نشاط و شادی اجتماعی

با این حساب سوال پیش می‌آید که چه برنامه‌هایی می‌تواند به ایجاد فضای نشاط در جامعه کمک کند؟ حسین جلالی، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، جشن‌هایی چون میهمانی ۱۰ کیلومتری عید غدیر که روز جمعه، ۱۶ تیرماه برگزار شد را یک مصداق خوب از جشن و شادی جمعی برشمرد و گفت: «تجربه‌هایی چون برگزاری جشن‌های دهه ولایت، دهه کرامت، نیمه‌شعبان یا عید غدیر که با حضور مردم و خانواده‌ها برگزار می‌شود یک نمونه خوب از این شادی جمعی است.» وی افزود: «گروه‌های سرود، گروه‌های نمایش خیابانی، پذیرایی و اطعام و همه اینها شرایطی را ایجاد کرده که گویی شادی از سر و روی شهر می‌بارد.»

جلالی در نمونه‌های کوچک‌تر به تجربه برگزاری افطاری، شب‌زنده‌داری، حضور در نماز جماعت یا نمازجمعه و دیدار با برادران و خواهران دینی به‌عنوان یکی از مصداق‌های

نشاط جمعی اشاره کرد که در اسلام هم توصیه شده و علاوه بر اینکه احیای یک امر معروف است، در قالب ملاقات، نشست و صحبت با خواهران و برادران، یک شادی جمعی هم محسوب می‌شود. او البته تاکید کرد باید این موارد به‌ویژه تجربه جشن‌های خیابانی مانند میهمانی ۱۰ کیلومتری غدیر بیشتر به مردم معرفی شود تا حضور فعال‌تری داشته باشند و از آن بهره‌مند شوند.

حمید بهمنی، کارگردان و فیلمنامه‌نویس کشورمان نیز تقریباً نظری مشابه دارد. او با اشاره به راهیمایی ۱۰ کیلومتری غدیر اظهار داشت: «قبل از اینکه ما به بحث شاد بودن واقعه غدیر فکر کنیم باید به مفهوم اصلی غدیر ببیندیشیم و از این جهت که مولای ما توسط پیامبر اکرم (ص) معرفی شده است باید خوشحال باشیم؛ لذا واقعه غدیر آنقدر برای مسلمانان مهم است که می‌توان از عید غدیر به‌عنوان شاخصه شادی آفرینی با مفاهیم دینی یاد کرد.»

شادی در سینما و تلویزیون نیاز به بازنگری دارد

اقتضای مختلف مردم در میهمانی کیلومتری با مراسم مشابه با حضور خود یا شرکت در میان برگزارکنندگان، سهمی از این وظیفه جمعی را بر دوش می‌کنند، اما در فضای نخبگانی این وظیفه ایجاد نشاط چگونه ایجاد می‌شود؟

حمید بهمنی، کارگردان سینما و مدیرعامل اسبق موسسه شهید آوینی وظیفه هنرمندان حوزه طنز و کمدی را مهم عنوان کرد و گفت: «هنرمندی که قرار است در شادی جامعه، نقش آفرینی داشته باشد نباید در پی شادی‌های زودگذر و تنها به فکر فتح گیشه و مخاطب باشد؛ در حوزه سینما دیده شده هر چه شادی

در سطح باشد به همان نسبت نیز، تاثیرگذاری آن کوتاه‌تر است. اما هنگامی که طنز در سینما، تلویزیون و رسانه خانگی به‌درستی طراحی شده باشد، ماندگاری آن هم عمیق‌تر خواهد بود. مصداق این سخن، فیلم‌هایی همچون «لیلی با من است» و «اخراجی‌هاست که همچنان تاثیرگذار هستند.»

کارگردان فیلم‌های سینمایی «آخرین نبرده» و «گلوگاه شیطان» افزود: «هم‌اکنون ما شاهد ساخت فیلم‌های طنز زیادی در سینما هستیم که حتی نام‌شان با آمدن فیلم‌های بعدی از یاد می‌روند و جایگاه خودشان را نزد مخاطب از دست می‌دهند، درحالی‌که اگر این فیلم‌ها تاثیرگذار باشند حتماً به این زودی به فراموشی سپرده نمی‌شوند.»

حمید بهمنی با بیان اینکه متأسفانه شادی در برخی از فیلم‌های طنز، زینده ملت مانیتست، اظهار داشت: «سابقه طنز در ادبیات کشور ما از سابقه دیرینه‌ای برخوردار است. اما طنز در سینما به‌دست‌سستی نوع آن رسیده و به مفاهیم درونی آن توجه نمی‌شود و لازم است که این روند توسط مدیران کلان فرهنگی و هنرمندان متعهد اصلاح شود.»

کارگردان فیلم سینمایی «آن مرد آمد» با اشاره به رسانه ملی هم گفت: «اگر چه صداوسیما برای ترویج طنز سالم تلاش کرده، اما همچنان در این مقوله سردرگم است. مثلاً برنامه خندوانه اگرچه به‌ظاهر شادی‌آور بود، اما باافلاصله هم از یاد می‌رفت. در عوض برنامه «مخفل» که در ماه رمضان از تلویزیون پخش شد-یکی از برنامه‌های خوب همراه با طنز درونی و شوخی‌های لطیف بود که هیچ خط‌قرمز را نرد کرد و به‌دست‌سطحی نگری هم نزدیک نشد و علاوه بر شادی‌آور بودن بر مفاهیم دینی و اجتماعی هم تاکید داشت.»

گزارش

در پانزدهمین شب فرهنگ مطرح شد

بهشتی: تخریب میراث فرهنگی در ۷۰ سال اخیر بیش از مغول‌ها بوده است

پورحسین: تبارسازی می‌کنند تا به آرامش برسند



پانزدهمین دفتر از شب‌های فرهنگ با موضوع «دیدار با میراث فرهنگی» با حضور جمعی از اهالی فرهنگ و هنر برگزار شد.

به گزارش «فرهنگستان» در پانزدهمین شب از سلسله برنامه‌های شب‌های فرهنگ که به موضوع نقد و بررسی میراث فرهنگی اختصاص یافته بود، چهره‌هایی همچون سیدمحمدبهشتی، رضا پورحسین و علی دانشور کیان به‌ارائه نظرات خود در خصوص وضعیت میراث فرهنگی پرداختند.

در ابتدای این برنامه سیدمحمد بهشتی، عضو شورای عالی میراث فرهنگی و گردشگری به وضعیت میراث فرهنگی پرداخت. بهشتی با اشاره به اینکه میراث فرهنگی موضوعی سهل و ممتنع است، گفت: «آنهاهی که نسبت به میراث فرهنگی شناخت ندارند آن را سهل دانسته و آن را محدود به مراکز تاریخی می‌دانند اما آنهاهی که نسبت به این حوزه شناخت دارند می‌دانند که باید با خشوع و تواضع با مقوله میراث فرهنگی برخورد کرد. اگر میراث فرهنگی را بشناسیم خواهیم فهمید که انواع میراث فرهنگی در جلوه‌های مختلف با یکدیگر یک وجه اشتراک دارند و آن جلوه‌ای از فرهنگ است. فرهنگ وجه اشتراک آثار تاریخی و میراث فرهنگی است و آثار فرهنگی تصویر کیستی جامعه را نمایان می‌کنند. بهشتی با اشاره به قدمت و پشتوانه فرهنگی ایران در حوزه میراث فرهنگی اضافه کرد: «حتی همین اسم دره‌ها و کوه‌ها و گیاهان بخشی از میراث فرهنگی ماست که نسبت به آن بی‌تفاوت هستیم و آن را نمی‌شناسیم. اگر روستایی خالی از سکنه می‌شود ما فقط بابت عدم تولید گندم آن متضرر نمی‌شویم بلکه بابت از بین رفتن میراث فرهنگی در آن روستا متضرر می‌شویم و این خسران زبان‌بارتر از باقی آسیب‌هاست.» وی همچنین ادامه داد: «یک روز ما ۷۰ هزار گویش داشتیم ولی امروز شاید ۲۰ هزار گویش هم باقی نمانده و اهمیت این کوچ اجباری به شهرها را درک نمی‌کنیم. آنچه مهم است این دلالت‌های فرهنگی است که از دست می‌دهیم.»

اولین رئیس سازمان میراث فرهنگی با اشاره به سیر فاصله گرفتن جامعه ایرانی از میراث فرهنگی گفت: «در ۷۰ سال گذشته میزان نابودی آثار فرهنگی در ابعاد مادی و معنوی بیش از هزاره پیش از آن است. ما در هزاره قدیم مغول‌ها را تجربه کردیم ولی با این وجود نسبت نابودی میراث فرهنگی در مقایسه با همین ۷۰ سال اخیر قابل قیاس نیست. در این ۷۰ سال وضعیت ما در حوزه آثار منقول و غیرمنقول و ابعاد مختلف میراث نامحسوس و... و اولیاست. «بهشتی با اشاره به اینکه امروزه ما نسبت به فرهنگ خود دچار اوتیسم شده‌ایم، گفت: «امروز ما فرهنگ و ایران را نمی‌شناسیم. این عدم شناخت از سرزمین خود باعث شده تا ما در فرهنگ دچار اوتیسم شویم. ما در ۷۰ سال اخیر سازمان زمین‌شناسی، هواشناسی و انواع علوم را داریم اما به دلیل عدم شناخت میراث فرهنگی در حوزه زلزله و سیل و... آسیب‌پذیر شده‌ایم.» وی در توضیح بیگانگی جامعه ایرانی با میراث فرهنگی گفت: «از دوره شاه پهلمااسب تا دوره رضاشاه، تهران با وجود محصور بودن در میان سه گسل بزرگ، هیچ‌گاه در زلزله‌ها آسیب جدی نمی‌دید چون تهران محصور بود و با این گسل‌های نیاوران و

مفهوم هویت باشد. کسی که این مختصات را بداند دارای هویت است. برای همین وقتی می‌گوییم جوان هویت ندارد به این معنی است که مثلاً دانشجوی پزشکی ما نمی‌داند بعد از تحصیل کجاست و چه آینده‌ای دارد. یعنی هویت خودش را پیدا نکرده است.»

پورحسین با اشاره به اشتراک میان مفهوم اهلیت و هویت گفت: «اهلیت منجر به تعلق شده و این تعلق و اهلیت به سازش می‌انجامد. برای همین بعد از هویت، از تعلق صحبت می‌کنند. تعلق وطنی و سرزمینی حتی دینی ما کاهش پیدا کرده. حتی تعلق به زبان و... نیز کم شده است. چون هویت ما کم‌رنگ شده است. تعلق مقوله وابسته به هویت است و این هویت هم مفهوم مشترک بین میراث فرهنگی و سلامت روان است.» وی با اشاره به اینکه در حوزه روانشناسی با تعادل جویی بعد از هویت‌یابی به آرامش و سازش می‌رسند، گفت: «در روانشناسی کودک مفهومی به‌عنوان پایگاه امن مطرح می‌شود که در این مفهوم مادر اولین پایگاه امن کودک هست. مادر همچنین در کهن‌الگوها تکثیر می‌شود و در وهله‌های مختلف تاریخی قرار می‌گیرد و تکرار نمی‌شود. برای همین است که حتی در قیابیل بدوی هم مادر مفهومی است که از دیگر نقش‌ها متمایز است و جایگاه ویژه‌ای دارد. انسانی که به‌مادام هویت خود برمی‌گردد تعلق پیدا کرده و این مساله برای انسان آرامش بخش است.»

رئیس دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران در ادامه سخنان خود با اشاره به اینکه میراث فرهنگی منبع و منشأ هویتی است، گفت: «میراث فرهنگی از زاویه هویتی خود، ما را به آرامش می‌رساند و گزنه تیر و تخته و سنگ و چوب که به ما آرامش نمی‌دهد بلکه این گشتار میراث فرهنگی ریشه برای من ایجاد می‌کند و اگر اهلیت داشته باشم احساس آرامش می‌کنم.»

پورحسین در جمع بندی سخنان خود با اشاره به اینکه میراث فرهنگی مقوله هویت‌ساز است گفت: «به همین دلیل است که می‌گویند هر شيء به‌اصل خودش برمی‌گردد. در واقع هر شيء وقتی به‌اصل خود بر می‌گردد به سمت آرامش می‌رود. کسی که تبار و ریشه ندارد سعی در تبارسازی دارد تا به آرامش برسد. اگر می‌خواهیم احساس بهجت کنیم باید به هویت ایرانی و اسلامی خودمان برگردیم.»

در بخش پایانی این نشست علی دانشور کیان استاد یار دانشگاه تهران به بحث زبان فارسی و میراث فرهنگی پرداخت. این استاد دانشگاه با اشاره به اهمیت کلمات و زبان در پیشرفت جوامع گفت: «هر کلمه که گفته می‌شود، تا به آن توجه نکنیم نمی‌توانیم گام دوم را برداریم و اگر دنیای غرب پیشرفت کرد به درک عمیق از مفاهیم توجه کرد و علت رشد آن هم همین است. دانشور همچنین فرهنگ و ادب و تمدن را بخش مهمی از میراث فرهنگی دانست و گفت زبان بستر ادبیات است و اگر فرهنگ دارای ساختار است به دلیل قدمت آن در حوزه زبان و میراث فرهنگی است. گفتنی است سلسله برنامه‌های شب‌های فرهنگ هر ماه به همت اکبر نبوی، پژوهشگر و منتقد سینما و با حضور جمعی از پیشکسوتان و اهالی هنر برگزار می‌شود.

در روانشناسی اجتماعی است و بحث عمده‌ای حول آن شکل گرفته است. مقالات متعدد از اثر میراث فرهنگی بر سلامت روان فرد و جامعه وجود دارد و این مساله ثابت شده است و نیاز به توضیح نیست. اما ما باید منطبق و چرایی این تاثیر را فهم کنیم و آیا می‌توانیم به مفهوم مشترک بین این دو مقوله برسیم؟»

پورحسین در ادامه و در به پاسخ به این پرسش گفت: «مهم‌ترین مفهوم در سلامت روان، سازش و ساز کاری است. همه مباحث روانشناختی برای رسیدن به سازش نسبی است. برای همین در روانشناسی کلاسیک از آرامش استفاده نمی‌کنیم چون دست‌نیافتنی است و از سازش استفاده می‌کنیم. حیات روانی انسان و جامعه مفهوم تعادل جویی است. انسان ذاتاً میل به تعادل دارد.» وی با اشاره به اینکه تجهیز زیستی انسان را به سمت تعادل می‌فرستد گفت: «آرامش جایی در زندگی اینجایی ما ندارد ولی می‌توانیم به سازش برسیم. اگر سازش را در چهارچوب درون فرهنگی بررسی کنیم، واژه هویت است و دو مقوله میراث فرهنگی و سلامت روان در یک مفهوم مشترک به یکدیگر می‌رسند و آن هویت است.»

این استاد دانشگاه با اشاره به اینکه هویت واژه مبهمی است، گفت: «امروزه شاید مکرر می‌گوییم جوان و نوجوان ما هویت ندارد یا هویت او کم شده است. این هویت چیست؟ در واقع هویت شناسنامه ماست و تمیز یافتگی ما نسبت به دیگران را نشان می‌دهد. به تعبیر دیگر هویت به معنای مختصات من در موقعیت است. آگاهی از مختصات خود در صحنه هستی و جامعه بشری و موقعیت‌های مختلف می‌تواند

کهریزک فاصله داشت. شاید روستاهای اطراف تهران آسیب می‌دیدند ولی شهر تهران در امان بود. در ۷۰ سال اخیر انواع سازمان‌ها مثل زمین‌شناسی و... را تاسیس کردیم ولی به‌شناخت از خود نرسیدیم و صرفاً به این مقوله‌ها به چشم پارامترهای متغیر نگاه می‌کنیم.»

بهشتی با اشاره به اینکه امروزه دانسته‌هایمان بی‌فایده است، گفت: «زمین‌شناسی، هواشناسی و مرکز آمار داریم ولی مثل گذشته از آن دانسته استفاده نمی‌کنیم و امروز منتظر زلزله هستیم.» عضو فرهنگستان هنر با اشاره به اینکه میراث فرهنگی امور ثابت در دوران هیاهوهاست، گفت: «در دوره‌ای که گرفتار هیاهوی متغیرها هستیم و انواع متغیرها مانند هوش مصنوعی و متاورس قدرت خود را به رخ می‌کشند، میراث فرهنگی مثل ریشه درختی است که اگر نباشد این درخت دیگر زنده نیست و امکان حیات و رشد ندارد. این ریشه‌ها را باید بشناسیم نه اینکه صرفاً اطلاع داشته باشیم بلکه باید باخبر شویم و اهلیت ما نسبت به سرزمین مان اصلاح شود.»

بهشتی در جمع بندی سخنان خود مساله اهلیت را مهم‌ترین مقوله در حوزه میراث فرهنگی یاد کرد و گفت: «برای آنکه حال مردم خوب شود و بتوانیم مثل تاریخ زاینده باشیم و نقش تعیین کننده در جهان داشته باشیم باید دوباره اهلیت ما نسبت به فرهنگ و سرزمین مان اصلاح شود.»

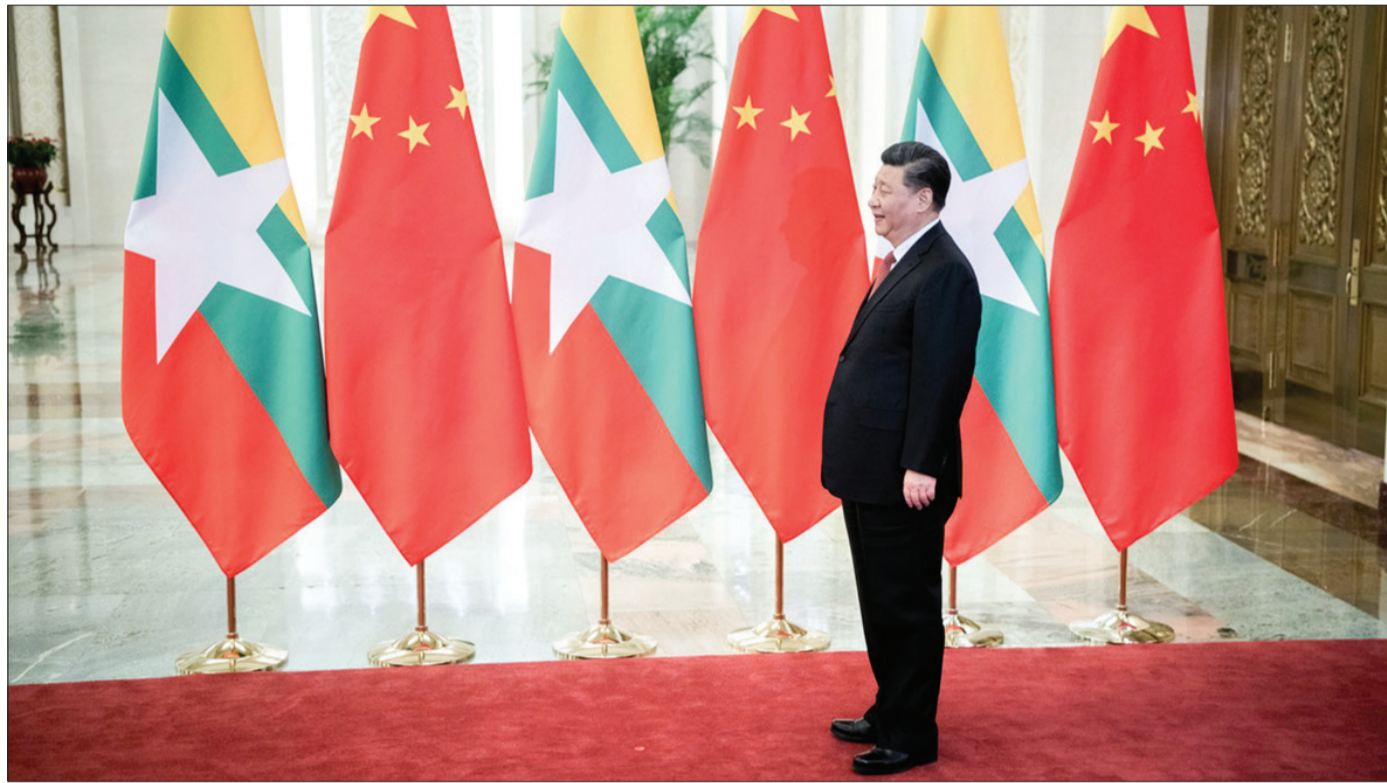
در ادامه این نشست رضا پورحسین به نقش میراث فرهنگی بر سلامت روان جامعه پرداخت و گفت: «موضوع میراث فرهنگی و سلامت روان یک بحث بین رشته‌ای

چگونگی شکل دادن به جنگ داخلی برمه از سوی چین و آمریکا

آیا میانمار خط مقدم جنگ سرد جدید است؟

سجاد عطازاده
مترجم

به میو خین (پژوهشگر انستیتو صلح ایالات متحده) و لوکاس میرز (پژوهشگر جنوب شرق آسیا در مرکز ویلسون) در مقاله‌ای با عنوان «آیا میانمار خط مقدم جنگ سرد جدید است؟/ چگونگی شکل دادن به جنگ داخلی برمه از سوی چین و آمریکا» که در وب‌سایت فارن افرز منتشر شده، میانمار را عرصه جدید رقابت ایالات متحده و چین معرفی می‌کند. اگرچه این مقاله با نگاه سوگیرانه غربی و بدون توجه به مسائلی مانند قتل عام مسلمانان میانمار توسط ارتش این کشور، سکوت آنگ سان سوچی و دیگر مدعیان طرفدار دموکراسی و سابقه خونین آمریکا در منطقه آسیای جنوب شرقی نوشته شده است، اما می‌تواند ضمن روشن کردن ابعاد جدیدی از مسأله میانمار، عمق رقابت چین و آمریکا در منطقه آسیای جنوب شرقی را نشان دهد. در ادامه متن ترجمه این مقاله را می‌خوانید.



جنگ داخلی تجدید شده

برخلاف ایالات متحده، چین به هرج و مرج در میانمار به دیده تردید نگاه کرده است. پکن قبل از سرنگونی دولت آنگ سان سوچی، از روابط خوبی با دولت او برخوردار بود. از منظر چین، شروع جنگ داخلی در همسایگی این کشور- چین و میانمار مرز مشترک ۱۳۰۰ مایلی دارند- خبر بدی برای ثبات منطقه‌ای و سرمایه‌گذاری چند میلیارد دلاری این کشور در میانمار در قالب ابتکار کمربند- جاده به شمار می‌رود. چین یکی از تأمین کنندگان اصلی تسلیحات ارتش برمه بوده و هست، اما هرگز به رهبری ارتش که آن را بیش از حد غیرقابل پیش‌بینی می‌بیند، اعتماد نداشته است. پکن همچنین از برخی گروه‌های مسلح قومی میانمار حمایت می‌کند، از جمله با چشم‌پوشی از تجارت زیرزمینی تسلیحات. به همین دلیل و البته دلایل دیگر، رهبران پکن تصمیم گرفتند در دوران بسا کودتا خود را به یکی از طرفین متعهد نکنند. اگرچه آنها هرگز حکومت نظامی را محکوم نکرده‌اند و صراحتاً خواستار بازگشت به حاکمیت غیرنظامی نشده‌اند، اما کانالی را برای ارتباط با دولت وحدت ملی باز کرده و رژیم را تحت فشار قرار داده‌اند تا حزب آنگ سان سوچی، لیگ ملی برای دموکراسی را منحل نکند. هنگامی درگیری بین حکومت نظامی و یک گروه مسلح قومی منجر به گلوله‌باران تصادفی یک شهر مرزی چین شد، بنابر گزارش‌ها، پکن به حکومت نظامی هشدار داد که تکرار چنین حادثه‌ای «پاسخ لازم» را به دنبال خواهد داشت. رهبران چین همچنین فاصله خود را با ژنرال‌های حاکم حفظ کرده‌اند. زمانی که وانگ یی، وزیر خارجه وقت چین در تابستان ۲۰۲۲ از میانمار بازدید کرد، از ملاقات با مین آنگ هلاتینگ، رهبر حکومت نظامی امتناع کرد، اقدامی که در آن زمان به‌عنوان یک بی‌اعتنایی دیپلماتیک بزرگ تلقی می‌شد.

رویکرد ایالات متحده به میانمار پس از کودتا متشکل از موازنه محتاطانه و عمل‌گراییه بین ارزش‌ها و منافع بوده است. واشنگتن با حکومت نظامی مخالف است اما درین حال نسبت به ضربه زدن با متحدان و شرکای خود در منطقه که برخی از آنها از زمان کودتا با ارتش برمه همکاری داشته‌اند نیز محتاط است. مقامات بلندپایه ایالات متحده با رهبران مقاومت اپوزیسیون برمه دیدار کرده‌اند و دولت ایالات متحده هم تحریم‌های هدفمندی را علیه مقامات عالی‌رتبه نظامی این کشورها وضع کرده است. اما تحریم‌ها با ارزش‌ترین درایی حکومت نظامی راه‌هیچ‌وجه هدف قرار نداده است: شرکت نفت و گاز میانمار، یک شرکت نظامی که حدود ۱٫۵ میلیارد دلار درآمد سالانه دارد و دسترسی دولت میانمار را به ارز خارجی فراهم می‌کند. به‌علاوه واشنگتن از اعمال تحریم‌های ثانویه علیه طرف‌هایی که با حکومت نظامی تجارت می‌کنند، مانند شرکت‌های انرژی تایلندی و شرکت‌های مالی سنگاپوری، خودداری کرده است. خویشتن‌داری ایالات متحده احتمالاً با هدف آرام کردن سایر کشورهای منطقه انجام گرفته است؛ به‌ویژه تایلند که دولت آن - که خود طی یک کودتا در سال ۲۰۱۴ به قدرت رسیده است- همچنان از حکومت برمه حمایت می‌کند و روابط اقتصادی نزدیکی با رژیم حکومت نظامی دارد. متحدان و شرکای مهم ایالات متحده در منطقه هند-آرام نیز، مانند استرالیا، هند و ژاپن، «نگرانی» خود درباره بحران برمه‌ایز کرده‌اند، اما نگران آن هستند که فشار بیش‌ازحد روی میانمار دولت حکومت نظامی را روی نفوذ بیشتر چین باز کند. در نتیجه، آنها روابط اقتصادی و دیپلماتیک خود را با حکومت نظامی حفظ کرده و حتی هند روابط خود را با این کشور گسترش داده، بنابراین بعید است که این کشورها به حمایت از مقاومت برمه برخیزند.

کودتای فوریه ۲۰۲۱ میانمار را در مسیر درگیری و ویرانی قرار داد. کودتاچیان از حمایت کمی در میان مردمی برخوردار بودند که پشت سر آنگ سان سوچی، رهبر معزول شده جمع شده بودند. صدها هزار نفر در جریان اعتراضات مسالمت‌آمیز به خیابان‌ها ریختند. اعضای دولت سرنگون شده هم با چندین گروه سیاسی و قومی دیگر متحد شدند تا یک دولت غیرنظامی وحدت ملی را برای بازگرداندن دموکراسی تشکیل دهند. پاسخ ارتش خشونت‌بی‌امان و اغلب بی‌رویه علیه مخالفان بود. در بهار ۲۰۲۱، میانمار به سمت یک جنگ داخلی مجدد گام برداشت و مخالفان دیکتاتوری نظامی اسلحه به دست گرفتند و قول دادند که به‌جای عقب‌نشینی، دست به مقابله بزنند. این مقاومت در میان تقریباً دوچین گروه مسلح قومی کشور متحدانی پیدا کرد؛ سازمان‌هایی که در حاشیه جغرافیایی میانمار قرار دارند و برخی دارای روابط اقتصادی و سیاسی نزدیک با چین همسایه هستند و از زمان تأسیس میانمار در سال ۱۹۴۷ برای افزایش خودمختاری یا استقلال کامل مبارزه کرده‌اند. گروه‌های مسلح قومی و طرفدار دموکراسی، اگرچه با دشمنی بی‌رحم و مجهزتر از خود روبه‌رو بودند، اما به‌سرعت در بسیاری از مناطق روستایی، به‌ویژه در امتداد مرزهای میانمار با هند، چین و تایلند، جای پای خود را به دست آوردند. در اواسط سال ۲۰۲۱، ژنرال مین آنگ هلاتینگ، رهبر حکومت نظامی پذیرفت که نیروهایش کنترل کل این کشور را در دست ندارند. آنها از آن زمان در حومه‌شهرها مواضع خود را حفظ کرده‌اند، اما در تصرف شهرها و شهرک‌ها مشکل داشته‌اند که یکی از دلایل آن برخورداری ارتش از توپخانه سنگین و نیروی هوایی است. از اواخر بهار ۲۰۲۳، به نظر می‌رسد دو طرف در یک‌بست راهبردی گرفتار شده‌اند.

از زمانی که ارتش برمه طی کودتایی در اوایل سال ۲۰۲۱ قدرت را به دست گرفت، این کشور درگیر وضعیتی مرگبار بوده است. آنچه با اعتراض توده‌ای مسالمت‌آمیز علیه حکومت نظامی آغاز و سپس به مقاومت مسلحانه تبدیل شد و این کشور را دوباره به سمت جنگ داخلی برد. این درگیری از آن زمان و با کنار هم قرار گرفتن نیروهای جدید طرفدار دموکراسی و گروه‌های مسلح قومی که دهه‌ها با دولت مرکزی مبارزه کرده‌اند، به یک شورش طولانی تبدیل شده است. در میان نشانه‌های فزاینده بروز یک بن‌بست راهبردی، هم حکومت نظامی و هم مقاومت به نظر مصمم به مبارزه هستند. کشورهای همسایه نیز تلاش‌هایی در راستای میانجیگری داشته‌اند اما چشم‌اندازی از نیل به صلح از طریق مذاکره وجود ندارد. در بیشتر دو سال گذشته، بحران برمه علی‌رغم اینکه در هنگامه تشدید تنش بین قدرت‌های بزرگ رخ داده بود، کمتر مورد توجه ایالات متحده و چین قرار گرفته است. واشنگتن و شرکای آن حمایت خود را از جناح طرفدار دموکراسی میانمار ابراز کرده‌اند، اما ملاحظات ژئوپلیتیکی تمایل آنها را برای اقدام قهرآمیز علیه حکومت نظامی محدود کرده است. درین حال، اگرچه پکن از برخی جهات طرفدار دیکتاتوری نظامی است اما در ابتدا تصمیم گرفت منتظر بماند و به تماشای روند اوضاع بنشیند. اما این خویشتن‌داری قدرت‌های بزرگ اکنون در حال شکست است. پکن با تلقی نادرست از چندین تحول موجود به‌عنوان نشانه‌هایی مبنی بر اینکه نیروهای ضد رژیم میانمار در حقیقت نیروهای نیابتی آمریکا هستند، با عزم فزاینده‌ای برای حمایت از حکومت نظامی حرکت می‌کند. نتیجه چیزی است که می‌توان آن را «جنگ سردی شدن» نامید: جنگ داخلی سبب مداخله قدرت‌های بزرگ شده است، زیرا هر کدام از آنها بر این گمان هستند که انفعال سبب منتفع شدن طرف مقابل خواهد شد. این امر دیگر کشورهای منطقه، به‌ویژه کشورهای عضو انجمن کشورهای جنوب شرق آسیا (آسه‌آن) را در تنگنا قرار داده است. یکی از اصول اساسی آسه‌آن این است که نباید بین ایالات متحده و چین دست‌به‌انتخاب بزند و در عوض، این گروه برای حفظ روابط خوب با این هر دو قدرت بزرگ ارزش قائل است. اما از آنجا که جنگ داخلی میانمار جنبه‌هایی از یک درگیری نیابتی جنگ سرد را به خود گرفته است- وضعیتی که تا حدی به دلیل عدم تمایل اولیه دولت‌های منطقه برای متحد شدن علیه حکومت نظامی ایجاد شده است- همسایگان این کشور ممکن است به‌زودی دقیقاً با این انتخاب روبه‌رو شوند: انتخابی نه‌فقط بین یک حکومت نظامی و یک مقاومت طرفدار دموکراسی، بلکه بین چین و ایالات متحده. در همین حال، برای واشنگتن و متحدان آن، برقراری یک حکومت نظامی مدیون پکن در میانمار، منجر به کاهش نفوذ این کشور در آسیای جنوب شرقی و دامن زدن به بی‌ثباتی در این منطقه خواهد شد.

توقف بی‌طرفی

ایالات متحده باید درک کند که دیگر نمی‌تواند میانمار را از نظر راهبردی بی‌اهمیت بداند. با توجه به موقعیت این کشور در نقطه تلاقی آسیای جنوبی و آسیای جنوب شرقی، میانمار باثبات برای برقراری ثبات در منطقه ضروری است. به‌عنوان اولین گام، ایالات متحده باید همان‌طور که در قانون برمه متعهد شده است، توجه بیشتری را به میانمار معطوف کند و شرکای خود را متقاعد سازد تا سیاست‌های خود را با یکدیگر هماهنگ کنند. با این حال دولت ایالات متحده نباید جنگ داخلی میانمار را به‌عنوان رقابتی با حاصل جمع صفر با چین ببیند، زیرا نزدیکی جغرافیایی و منافع مهم این کشور در میانمار، آن را به بخشی ضروری از راه‌حل تبدیل می‌کند. واشنگتن باید تلاش کند تا سیاست خود را در حوزه میانمار با پکن هماهنگ کند. مقامات ایالات متحده باید با توسل به عمل‌گرایی رهبران چین، دعاوی خود را مطرح کنند: منافع مشترک ایالات متحده و چین در ثبات منطقه به این معناست که حکومت نظامی باید برود؛ و از آنجایی که حکومت نظامی تنها در صورتی که هیچ‌راهی برای پیروزی نظامی نبیند، یک راه‌حل صلح‌آمیز از طریق مذاکره را در نظر خواهد گرفت، کمک ایالات متحده به نیروهای مقاومت تحت قانون برمه تهدیدی برای چین به‌شمار نمی‌رود، بلکه در راستای اهداف خود پکن است. علاوه‌بر این، پکن باید به‌خوبی آگاه باشد که فقدان کامل حمایت مردمی از حکومت نظامی، آن را به یک شریک بلندمدت خطرناک تبدیل می‌کند. کشورهای آسیای جنوب شرقی باید تلاش کنند تا پویایی‌های متعلق به اعصار جنگ سرد، منطقه آنها را دچار شکاف نسازد، این مسأله باید برای آنها اولویت بوده و بر هنرهای غیرقابل اجرا عدم‌مداخله و اجتناب از راجحیت یابند. اقدامات اخیر تایلند برای تقویت حکومت نظامی میانمار کاملاً اشتباه است و به رژیم این احساس نادرستی می‌دهد که می‌تواند قدرت را حفظ کند. علاقه آسه‌آن به ثبات منطقه‌ای تنها به یک راه‌حل اشاره دارد؛ حذف عامل بی‌ثبات‌کننده اصلی میانمار از قدرت، یعنی حکومت کودتا.

علاقه و مشارکت جدید چین در میانمار، درگیری‌های دوران جنگ سرد در آسیای جنوب شرقی، مانند جنگ در کامبوج، لاوس و ویتنام را به ذهن تداعی می‌سازد. در آن زمان نیز مانند اکنون، جناح‌های داخلی رقیب به دنبال کسب حمایت ابرقدرت‌ها بودند و این کشورها هم اغلب از این تلاش‌ها حمایت می‌کردند، زیرا بیم قدرت‌گیری طرف مقابل را داشتند. میانمار نیز امروز از این قاعده مستثنا نیست. رقابت بین چین و رقیب‌های آن -بیش از همه، ایالات متحده و هند- در حال تغییر شکل سیاست داخلی در بسیاری از کشورهای منطقه هند-آرام است، زیرا بازیگران محلی مجبور به انتخاب یکی از طرفین هستند. مالدیو و سریلانکا سال‌هاست که گرفتار کشش ژئوپلیتیکی بین هند و چین بوده‌اند. مسأله نفوذ چین و پذیرش یا رد جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای روبه‌رشد آن، به یک شاقول سیاسی در سایر نقاط آسیای جنوبی، بخش‌هایی از آسیای جنوب شرقی و اقیانوسیه تبدیل شده است. اما خطرات موجود به‌ویژه در درگیری‌های مسلحانه مانند میانمار بسیار زیاد است، جایی که مشارکت فزاینده چین خطر رنج طولانی‌مدت و تنش‌های بیشتر بین قدرت‌های بزرگ را به دنبال دارد. بد توجه به وضعیت روابط ایالات متحده و چین و بعد ایدئولوژیک جنگ داخلی میانمار، شاید اجتناب‌ناپذیر بود که طرف‌های متخاصم درگیر وارد رقابت‌های ژئوپلیتیکی گسترده‌تر شوند. اما مقصر اصلی در این میان بازیگران منطقه‌ای هستند که مدت‌هاست مسئولیت‌پذیری را کنار گذاشته‌اند و در نتیجه میدان بازی را به پکن واگذار کرده‌اند. آسه‌آن به‌خصوص در این میان ضعیف عمل کرده است. به دلیل تمرکز این نهاد بر ایجاد اجماع و عدم مداخله، ثابت شده است که اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا قادر به اعمال فشار جدی بر حکومت نظامی نیست. ابتکار دیپلماتیک شاخص آن درباره این مناقشه که یک توافق غیرقابل اجرا در سال ۲۰۲۱ بود که به اجماع پنج نقطه‌ای معروف است، به‌سرعت از دور خود خارج شد زیرا بازیگران‌های اجرایی مناسب برخوردار نبود. در همین حال،

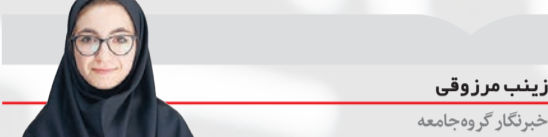
چین حالت تهاجمی به خود می‌گیرد

مجموعه پیچیده منافع آمریکا و چین در میانمار به این کشور این امکان را داد که حداقل برای مدتی از چاه ویل رقابت آمریکا و چین دور بماند. طرف‌های متخاصم در میدان نبرد ممکن است درگیری خود را بخشی از مبارزه جهانی بین دموکراسی و خودکامگی بدانند؛ ادعایی که در حمایت صریح مقاومت میانمار از اوکراین و همدردی‌های حکومت نظامی با روسیه مشهود است اما آمریکا و چین نگاهی مشابه به این رخداد ندارند و آنها جنگ داخلی را تمرینی برای موازنه و مصون‌سازی و نه جنگی نیابتی می‌بینند. در سپتامبر ۲۰۲۱ واشنگتن و پکن حتی برای جلوگیری از تصرف کرسی میانمار در سازمان ملل توسط حکومت نظامی، با یکدیگر همکاری کردند. با این حال، اوضاع در سال گذشته بدتر شده، زیرا پکن احتیاط اولیه خود را در موضوع میانمار کنار گذاشته و آغوش خود را به روی حکومت نظامی باز کرده است. محرک این تغییر شکل گیری، این ادراک در چین است که ایالات متحده مسیر خود را تغییر داده و واشنگتن اکنون کاملاً از مقاومت طرفدار دموکراسی حمایت کرده و در حال تقویت نفوذ خود بر آن است. دو تحول به‌طور خاص باعث تحریک پکن شده است: قانون جدید ایالات متحده درباره میانمار و تصمیم سال گذشته دولت وحدت ملی برای افتتاح دفتر در واشنگتن. اما در حقیقت هیچ یک از این گام‌ها نشانگر وقوع تغییری معنادار در سیاست ایالات متحده نیست. قانون مورد بحث، قانون موسوم ۲۰۲۳ برمه، هدف واشنگتن برای کنار زدن دولت کودتا را تکرار می‌کند و خواستار ارائه کمک‌های نظامی غیرکشنده (عمدتاً تجهیزات ارتباطی) به نیروهای ضد دولت است. با این حال در این قانون نه حمایت نظامی در قالب ارائه تسلیحات مهلک و نه اعمال تحریم بر تجارت نفت و گاز حکومت را دنبال می‌کند و حتی در پرداخت کمک‌های غیرکشنده نیز با تأخیر مواجه بوده‌ایم. تلاش‌های ایالات متحده به نیابت از شورشیان میانمار در مقایسه با مثلاً حمایتی که ایالات متحده از

اوکراین در جنگ علیه روسیه انجام داده، ناچیز است؛ حتی می‌توان گفت عملاً وجود ندارد. در مورد دفتر جدید حکومت وحدت ملی در پایتخت ایالات متحده نیز هدف این دفتر ایجاد هماهنگی و تقویت حمایت از مقاومت است، اما اینکه آیا در این وظیفه موفق خواهد شد یا خیر، مسأله دیگری است. واکنش پکن به این اتفاقات قرار گرفتن بیشتر در پشت حکومت نظامی بوده تا به دو سال جدایی نسبی پایان دهد. در ماه می، چین گانگ وزیر امور خارجه چین با مین آنگ هلاتینگ ملاقات و اعلام کرد که چین به میانمار کمک خواهد کرد تا «در چهارچوب حقوقی و قانون اساسی به آشتی دست یابد»؛ جمله‌ای که در ادبیات دیپلماتیک به معنای حمایت از رژیم میانمار به شمار می‌رود. در اوایل سال جاری، حکومت میانمار حزب آنگ سان سوچی را ممنوع کرد، کاری که احتمالاً بدون احساس رضایت پکن آن را انجام نمی‌داد. اظهاراتی هم از سوی افراد نزدیک به حکومت شنیده شده که واسطه‌های چینی همچنین از مقاومت طرفدار دموکراسی خواسته‌اند که بیش‌ازحد به غرب نزدیک نشوند. دنگ شیجون، فرستاده ویژه جدید پکن به میانمار نیز حالت تهاجمی به خود گرفته است. در ماه‌های اخیر، دنگ جلسات متعددی با رهبران حکومت نظامی و نمایندگان چندین گروه مسلح قومی برگزار کرده است و بنا بر گزارش‌ها برای برقراری آتش‌بس بین طرفین به اعمال فشار می‌پردازد. این آتش‌بس به نفع رژیم بوده و مقاومت را از بین خواهد برد؛ آتش‌بس با گروه‌های مسلح قومی همسو با چین، بین این گروه‌ها و متحدان دموکراسی خواهان که برای آموزش، نیروی انسانی و تجهیزات به گروه‌های مسلح قومی متکی هستند، شکاف ایجاد خواهد کرد. از سوی دیگر، رژیم به‌طور هم‌زمان در جبهه‌های کمتری خواهد جنگید و می‌تواند سربازان خود را به مهم‌ترین نقاط اعزام کند. نتیجه این اتفاقات یک حکومت نظامی تشنج شده خواهد بود که از بقای خود مطمئن است و تمایل به دوام نبرد دارد.

شرکت متا با راه‌اندازی «تردز» می‌خواهد «توییتر» را زمین بزند

جنگ جهانی شبکه‌های اجتماعی



زینب مرزوقی

خبرنگار گروه جامعه

صبح پنجشنبه که بیدار شدم با خیل انبوهی از سلام و خوشامد‌ها در استوری کاربران اینستاگرام مواجه شدم. ظاهرا یک سوشال‌مدیای جدید بود که زیرمجموعه شرکت بزرگ متا معرفی شده. قطعا شما هم با چنین چیزی مواجه شده‌اید. از آنجا که ظاهرا تردز زیرمجموعه مناسمت، بدون هیچ کد دعوت و اطلاعات خاصی اجازه ایجاد حساب کاربری داده بود و تنها با چند کلیک، کاربران اینستاگرام با همان نام کاربری اما در یک شبکه اجتماعی دیگری عضو شده بودند. فهمیدن همین امر، کنجکاوی‌ام را برای ساخت یک اکانت در این شبکه اجتماعی برانگیخت تا من هم هرچه بیشتر در تنه‌های عصر مدرن و تکنولوژی غرق شوم. ساختن اکانت در تردز، از آنچه فکرش را می‌کردم هم راحت‌تر بود. بدون هیچ توضیحی، به‌راحتی اجازه می‌داد تا از توضیحات و تصویر صفحه اینستاگرام‌هم برای این شبکه هم دسترسی پیدا کنم و دیگر نگران معرفی خودم در فضای جدید سوشال‌مدیا نباشم. در مرحله بعدی، دنبال کنندگان اینستاگرام‌را که از قضا در همین شبکه اجتماعی صفحه داشتند هم معرفی کرد و رفته‌رفته دوستان‌م‌بی‌هیچ دردسری افزوده شدند. اجازه کوتاه‌نویسی به کاربر در تردز، بی‌هیچ عکسی شبیه به توییتر بود و به اشتراک‌گذاری عکس و فیلم هم شبیه به خود قابلیت اصلی اینستاگرام. فضایش اما بیشتر یادآور فیسبوک است. براساس گزارشی از رویترز ظاهرا شبکه اجتماعی شرکت متا در همان چهار ساعت اولیه توانسته است پنج میلیون کاربر را به خود جذب کند. تردز اجازه نوشتن ۵۰۰ کاراکتر، انتشار فیلم تا پنج دقیقه و منشن‌گذاری و بازنشر متن دیگر کاربران را به مخاطبان این شبکه اجتماعی می‌دهد. اما

قسمت جذاب این موضوع برای اغلب کارشناسان و خود کاربران، آسانی ایجاد حساب کاربری و در تکاپو نیافتن برای جذب مخاطب است، یعنی فرد به‌راحتی می‌تواند دنبال کنندگان اینستاگرامش را در تردز هم داشته‌باشد و دیگر لازم نیست که یک حساب کاربری کم‌کم در تردز رشد کند.

گفته می‌شود شرکت‌هایی مانند اچ‌بی‌او و تفلیکس در همان دقایق ابتدایی عرضه این شبکه اجتماعی، حساب کاربری باز کرده‌اند. تردز از سوی ایرانی‌ها و حتی رسانه‌ها در همان روز عرضه، مورد اقبال واقع شده و خبرگزاری‌های معتبری به ساخت اکانت کاربری و انتشار اخبار در فضای تردز در همان ساعات پرداختند. رویترز در گزارشی که ذکر شده، برای تردز از ترکیب واژه «قاتل توییتر» استفاده کرده و گفته است که تحلیلگران حوزه فناوری اطلاعات تردز را قاتل توییتر می‌دانند و رشد و اقبال سریع تردز، توجه سرمایه‌گذاران این حوزه را به خود جلب کرده است.

کارشناسان جهانی حوزه فناوری اطلاعات معتقدند که شیطنت‌ها و جدی نگرفتن مسئولیت‌مدیریت یک شبکه اجتماعی مانند توییتر توسط ایلان ماسک، متا برای عرضه چنین شبکه‌ای در سوشال‌مدیا سوق داد و عرضه تردز یک دعوا و کل‌کل در این فضا، میان ایلان ماسک و زا‌کریبگ به حساب می‌آید. به‌هرحال عرضه شبکه‌های اجتماعی جدید نشان داد که روزهای اول، کاربران تب‌وتاب یک فضای جدید در شبکه اجتماعی را دارند ولی کم‌کم این هیجان فروکش خواهد کرد. اقبال‌ها کمتر خواهد شد و تنها تعدادی از کاربران با تجربه یک فضای جدید خودشان را وفق خواهند داد. درست مانند کلاب‌هاوس یا بلواسکای. البته روند ایجاد حساب کاربری در این دو شبکه اجتماعی کاملا متفاوت با تردز بود و هوشمندی زا‌کریبگ دقیقا در پیش بردن حساب کاربری تردز، استفاده از حساب اینستاگرام بود. اما این واقعیت هم وجود دارد، فضای جدیدی مانند

چرا تردز فضایی متفاوت است؟

صحبت کنند و در رابطه با آن فیلم یا عکس یا ویدئو نشر دهند. این فرصت در اختیار تعداد زیادی از کاربران اینستاگرام اکنون قرار داده شده و نمی‌توان گفت قرار است از این طریق توییتر به زمین زده شود، چون مدل و قابلیتی که ارائه شده، متمایز است. از طرف دیگر هم نمی‌توان گفت که قرار نیست هیچ یوزری جذب کند، چراکه درحال استفاده و بهره از اندوخته بوزهاست و در لحظه توانسته از کاربران یک سوشال‌مدیا برای یک سوشال‌مدیای دیگر استفاده کند. این ابزار هم به متاگروپ بسیار کمک کرده که اگر اثری داشته باشد، خودش را به‌وضوح نشان دهد. شاید اگر اینکار را انجام نمی‌داد و یوزرها را به سمت تردز سوق نمی‌داد، می‌توانستیم بگوییم اقبال آنچنانی رخ نداده اما می‌بینیم همین الان ایلان ماسک ممکن است اقداماتی انجام دهد یا چه‌بسا هم اقداماتی انجام داده. در رابطه با محدودیت‌هایی که در هفته‌های اخیر

کلاب‌هاوس با قابلیت‌هایی که عرضه کرد اما باز هم اشتیاق کاربران نسبت به آن فروکش کرد. به‌هرحال درنهایت مخاطبان خاص خود را پیدا کرد و طرفداران همیشگی‌اش درحال استفاده از این شبکه اجتماعی هستند.

کیوان نقره‌کار، کارشناس فضای مجازی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» درباره تردز گفت: «این مساله از چند منظر می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد. اینکه شرکت متا یا همان فیسبوک تصمیم گرفته خودش توییتری را راه بیندازد. با توجه به ظرفیت‌هایی که در فیسبوک و اینستاگرام دارد، طبیعتا از لحاظ مخاطب می‌تواند رشد بالایی داشته باشد. می‌تواند نرم‌افزاری باشد که در ابتدا مورد توجه کابران قرار بگیرد، یعنی در همین شروع به کار، کاربران بسیاری با رشد بالا عضو می‌شوند و شروع به استفاده از تردز می‌کنند. نکته دیگر این است که با توجه به انتخابات پیش روی آمریکا و تاثیرات این قبیل از شبکه‌های اجتماعی بر فرآیند تصمیم‌گیری مردم، یکی دیگر از مقاصد بزرگ شرکت متا می‌تواند این باشد که تمام داده‌های مخاطبان را به سمت خود جذب کند یا آنکه خودش بتواند تاثیر بزرگی روی نتایج و افکارسنجی‌های عمومی داشته باشد. همچنین امر دیگری که باید به‌آن توجه کرد، این است که ما نباید وارد بازی رقابتی با توییتر شویم. عرضه تردز صرفا برای رقابت با توییتر نیست. به‌هرحال شرکت متا قصد دارد، در این حوزه هم فضای خودش را عرضه و حفظ کند. اما درباره رقابت با توییتر و میزان موفقیت در این رقابت، به‌نظر من از یک شیب سریعی برای جذب مخاطب برخوردار می‌شود اما آرام‌آرام شاید در یک بازه ۶ ماهه، ممکن است که روند رشد آن مانند روند ابتدایی‌اش نباشد و این تب‌وتاب بیفتند. به‌هرحال افرادی که در فضای توییتر فعالند، اینکه بخوانند به‌طور به سمت تردز شیفت‌کنند، شاید این اتفاق نیفتد. شاید افراد فعال در فیسبوک و اینستاگرام بخوانند وارد این فضا شوند،

لذا ممکن است که این هیجانات، طی چندماه آینده جمع شود و یک شیب ثابتی در جذب مخاطب داشته باشد. مگر اینکه برای نرم‌افزار، ویژگی‌ها و قابلیت‌های مختلف و متفاوتی عرضه شود که برای کاربر شگفت‌انگیز باشد و از این طریق کاربر در آن بستر بماند. نکته بعدی هم توییتر است. خود توییتر به‌نظم پس از حضور ایلان ماسک، از آن شرایط قبلی‌اش عقب‌افتاده، چراکه خود ایلان ماسک فردی هیجانی در فضای رسانه است و رسمیت توییتر را زیرسوال برده است. به‌شکلی که سازمان‌ها و ادارات رسمی صاحب اکانت در توییتر، خودشان را ذیل رفتارهای ایلان ماسک تعریف و تصور می‌کنند و نه اینکه در فضای توییتر صاحب اکانت هستند. بنابراین اگر توییتر کاهش مخاطب، بازدید یا تولید محتوا مواجه شود، یکی از دلایل آن ممکن است همین رفتارهای ایلان ماسک باشد. از این رو به‌نظر می‌رسد اگر بخواهیم مقایسه‌ای در عالم رقابت فناوری برای این فضای تردز و توییتر داشته باشیم؛ به‌نظر می‌رسد که تکنیک در همان فضای مجازی پیش کشیده‌اما نتایج اقبال تردز به همان مواردی است که در ابتدای مصاحبه اشاره کردم. نتایج انتخابات آمریکا، استفاده از هیجانات کاربران اینستاگرام و فیسبوک برای حضور در تردز و افت توییتر به تناسب شخصیت ایلان ماسک. اساسا فضایی مانند توییتر یا تردز، فضایی متن‌محور دارد اما متن محور بودن اگر بخواهد تبدیل به قابلیت‌های استفاده از عکس و فیلم شود. اقبالی به‌سمت آن نخواهد بود؛ چراکه ویژگی اصلی آن همین چیزی است که عرضه شده است. اما می‌تواند ویژگی‌های جذاب دیگر برای رشد هم داشته باشد ولی برای یک شبکه اجتماعی متن‌محور، قابلیت‌های زیادی اساسا نیاز نیست، حتی اگر به توییتر هم توجه کنید، متوجه می‌شوید بسیاری از افراد از قابلیت عکس و فیلم توییتر استفاده می‌کنند و آنچه ماسک است دقیقا همان فضای متنی است.

یک محصول با بررسی و سرمایه‌گذاری یک کمپانی که سه الی چهار اپلیکیشن در جهان دارد، همچنین داده‌های بسیاری را در اختیار دارد و مهم‌تر از آن به شکل عادی چیزی را خلق نمی‌کند، متمایز است. قطعا خلأی در خانواده متاگروپ احساس شده که این اپلیکیشن جدید را به وجود آورده است و قطعا می‌داند که چنین قابلیت‌هایی در جهان رشد پیدا خواهد کرد. حداقل به اندازه بوزهای موجود در اینستاگرام این اتفاق خواهد افتاد و کاربران اینستاگرام به تردز خواهند آمد و نوشته‌ه دلنوشته‌های خود را در تردز منتشر می‌کنند. همین هم برایش کافی است. به‌نظر من هم بزرگ‌ترین برد این اپلیکیشن این بود که با یک کلیک، افراد در یک سوشال‌مدیای جدید عضو می‌شوند؛ چراکه اگر قرار بود مانند سایر اپلیکیشن‌ها رشد کند، قطعا تهدیدی برای سوشال دیگری نبود و حتی در کشورمان هم جو به راه افتاده را هم نمی‌دیدیم.

آرش سروری برنامه‌ساز حوزه فناوری و تسهیلگر رویدادهای نوآورانه، فناورانه و استارت‌آپی است. او نیز در گفت‌وگو با «فرهیختگان» گفت: «تردز به معنای نخ یا رشته یا رشته‌ها؛ درحقیقت مانند آسی بود که زا‌کریبگ از آن رونمایی کرد. آن هم در زمان مناسبی که ایلان ماسک، سیاست‌هایی وضع کرد که شاید این شبکه اجتماعی را مقداری تضعیف کرد. مثلا محدودیت‌هایی در توییتر اعمال کرد. با وجود اینکه توییت ایلان ماسک، رکورد بیشترین بازدید در توییتر را زد و بیش از ۵۰۰ میلیون بازدید داشت اما اعلام کرد که در یک روز، شما می‌توانید تعداد معدودی توییت ببینید. در سیاست‌های چند ماه اخیر، کلا توییتر را به سمت درآمدزایی برد و فکر می‌کنم سیاست اشتباهی هم بود. یا فروش تیک آبی و بسیاری مواردی از این دست که در چند ماه اخیر در توییتر اتفاق افتاد. زا‌کریبگ پس از آن که از متاوسر گفت و پس از جریان فروش اطلاعات خصوصی و تضعیف فیسبوک، در اینستاگرام با وجود اینکه درحال پیش‌رفتن بود اما دید به همراه مدیرعامل اینستاگرام، می‌تواند از این فرصت استفاده

حالا که تحلیل‌ها را از فضای کارشناسان این حوزه گفتیم و خواندید، بد نیست به سراغ مخاطبان و تولیدکنندگان محتوا در فضای مجازی هم برویم و ببینیم تردز در دو روزی که عرضه شده، از منظر فعالان فضای مجازی چگونه بوده است؟ عطیه همتی، خبرنگار و فعال حوزه مجازی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» گفت: «تحلیل تردز اکنون بسیار منطقی نیست و باید درحال حاضر روی معرفی آن کار کنیم تا تحلیل؛ چرا که هر چیزی در این رابطه ممکن است تنها پیش‌بینی باشد و دقیق نباشد. در چند وقت گذشته که توییتر به ایلان ماسک فروخته شد، اولین اقدام ایلان ماسک، بی اعتبار کردن و پولی کردن کد آبی بود. پس از آن هم در رابطه با محدودیت‌نشان دادن توییت در روز به مخاطبان توییت زد. این رفتار باعث شد که یکباره، جمعیت بسیار زیادی به سمت بلواسکای رفتند تا حدی که بلواسکای ساخت اکانت جدید را معلق اعلام کرد. در اینجا افراد

برای توییتر ایجاد شده بود که بکی دو مورد هم رفع شده است، متوجه شدیم که مساله‌ای نیز این وسط وجود داد که نمی‌شود نادیده گرفت و آن این است تردز هنوز جوان است و نمی‌توان قطعی در رابطه با آن نظر داد. دو نکته را باید در رابطه با همه چیز در دنیا درنظر بگیریم و آن این است؛ مسائلی که به یکباره همه گیر و بولد می‌شوند، به مرور فروکش خواهند کرد. این کاملا عادی است. مساله دوم این است که اینستاگرام از یک خانواده‌ای تغذیه می‌شود که کاری را به سادگی و بدون برنامه پیش نمی‌برند. یعنی ما می‌بینیم با تمام مشکلاتی که واتساپ دارد و عدم توسعه یافتگی‌ش نسبت به تلگرام، اما باز هم از لحاظ یوزر و کارایی با یکدیگر قابل قیاس نیستند. اصلا نمی‌توانیم به تردز این‌گونه نگاه کنیم که مساله‌ای است که حالا روی بورس آمده و بالاخره تمام خواهد شد. برای همه چیز این اتفاق می‌افتد اما میزان آن نسبت به زمانی که

آیا سرنوشت تردز مانند کلاب‌هاوس خواهد بود؟

کند. همچنین مدل رونمایی تردز هم جالب بود. معمولا یک کد مخفی وجود داشت که پس از ورود آن، یک اتیکت برای شما می‌آمد و به شما می‌گفت که در یک ساعت خاصی به شما اجازه داللود داده شده است. تردز در بازارهای اندروید و آی‌اواس آمد و رکورد یک میلیون داللود را در روز زد. پیش از آن در دست چت جی‌بی‌تی بود که رکورد یک میلیون داللود در پنج روز را داشت. اما تردز تنها در یک‌ونیم ساعت این رکورد را زد. فکر می‌کنم با توجه به کاربران زیادی که اینستاگرام دارد و استفاده از همان اینستاگرام، باعث شد که کاربران زیادی آن را داللود کنند. اتفاقا در ایران هم خیلی محبوب شد. به نظر می‌رسد در اروپا هنوز یک‌سری از کشورها به آن دسترسی ندارند اما دسترسی‌ها کم‌کم درحال افزایش است. همچنین پس از چند ساعت ۳۰ میلیون داللود را رد کرد که در پستی، زا‌کریبگ به این مساله اشاره کرد که خیلی هیجان‌انگیز است. شاید تا این لحظه حتی بیش از ۱۰۰ میلیون کاربر را هم رد کند، آن هم تنها در ۴۸ ساعت که فکر می‌کنم به این دلیل است که از طریق اینستاگرام

تردز؛ فضایی که جذب مخاطب در آن تلاش نمی‌خواهد

جذب مخاطب نمی‌کشد، دلخواه است، چرا که تردز یک شبکه اجتماعی کم‌زحمت است. از آنجایی که توییتر یک فضای ضدسلب‌ریتی دارد، برخی سلب‌ریتی‌های اینستاگرامی ترس ضضویت در توییتر را داشتند اما در تردز این مساله وجود ندارد و در همین روزهای اول به صورت جدی در تردز عضو شدند و عضوگیری جدی هم داشتند. تردز همچنان یک نسخه اولیه دارد و معلوم نیست به چه سمتی کشیده می‌شود. یعنی اکنون نمی‌توان گفت که کاربران تصمیم گرفته‌اند توییترشان را ببندند و فقط در تردز فعالیت کنند. برای یک توییتری، امکانات تردز جذابیت چندانی ندارد. به‌نظر تردز می‌تواند برای قشر عام یا به نوعی اینستاگرامی‌ها جذاب باشد. این نسخه اولیه به‌نظر من یک‌سری جذابیت‌ها می‌تواند داشته باشد اما باز هم برای همین جذابیت‌ها باید به‌روز شود. نمونه مشابه تردز، گوگل‌پلاس است. اگر شما جیمیل می‌داشتی، می‌توانستی گوگل پلاس

و شبکه اجتماعی متفاوتی بود که احساس می‌کنم شبیه به حباب بود، ولی فکر می‌کنم این روند و افول در شبکه اجتماعی تردز، اتفاق نمی‌افتد و متا روی آن سرمایه‌گذاری خواهد کرد و سعی می‌کند که تیم‌را جلو ببرد، به این دلیل که درحال حاضر بلواسکای را هم داریم و شاید سیاست‌های غلط ایلان ماسک، باعث موفقیت تردز شود. از طرف دیگر افرادی که از توییتر و جذب فالور در این فضا جا ماندند، شاید اکنون بتوانند با استفاده از قابلیت تردز خودشان را مطرح کنند. تحلیل من این است که تردز آپدیت جدید ارائه خواهد داد اما بستگی به نوع و فرهنگ استفاده ما هم دارد. بعضی‌ها می‌گویند محیطی میان لینکدین، اینستاگرام، فیسبوک و توییتر است. اما به عقیده من محیط خودش را دارد و افراد متن‌محور اکنون می‌توانند به‌جز توییتر، در اینجا نیز خودشان را مطرح کنند. به‌نظرم باید ایستاد و این جنگ و رقابت میان مارک زا‌کریبگ و ایلان ماسک را مشاهده کرد و ببینیم برنده چه کسی است؟ به‌نظرم این دوروز قطعا مجموعه متا خودش را پیشرو نشان داد.»

هم داشته باشی اما در فیسبوک باید عضو می‌شدی. مدتی یک رقابت بین فیسبوک و گوگل‌پلاس به وجود آمد اما خب چون فیسبوک فیلتر شد، از یک جایی به بعد یا آمدن اینستاگرام رشد کاربران ایرانی اینستاگرام بالا رفت. همچنین ما کلاب‌هاوس را داشتیم که می‌گفتند یک انقلاب در سوشال‌مدیا خواهد بود اما دیدیم که تب و تابش در میان مردم افتاد یا حداقل میان ایرانیان افتاد. ولی لینک شدن کاربران اینستاگرام به تردز یک اقدام هوشمندانه بود و چون دیگر نیازی نیست دوساره به دنبال جذب مخاطب باشی، به‌نظرم می‌تواند از بلواسکای جلوتر باشد و حتی اینکه کد دعوت هم نمی‌خواست بسیار حرکت هوشمندی بود. باید ببینیم افراد شاخص چگونه در تردز فعالیت خواهند کرد یا اینکه تردز ادبیات مخصوص و فرهنگ مخصوص به خودش را ایجاد خواهد کرد یا... برای تحلیل و قضاوت باید منتظر بمانیم.»